

گسور صاحب الزمان علیہ السلام

نوشتہ علی رضا نعمتی

کشور

عليه السلام

صاحب الزمان

تأليف و تنظيم:
عليرضا نعمتی

نعمتی، علی رضا، ۱۳۴۳-
کشور صاحب الزمان علیه السلام/تألیف و تنظیم علی رضا، نعمتی - قم: خورشید مگه،
۱۳۸۱.

ص ۱۸۴

۶۵۰۰ ریال، ISBN 964-92933-8-1

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتاب نامه به صورت زیر نویس.

۱. خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸-۱۳۷۹ - نظریه
درباره‌ی امام زمان علیه السلام. ۲. محمد بن حسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -
۳. مهدویت - انتظار. ۴. شعر مذهبی - قرن ۱۴. الف. عنوان.

کتابخانه ملی ایران
کد ۷۸۳/الف/۵/۱۵۷۴ BSR ۹۵۵/۰۸۴۲

۲۷۹۲۴-۸۱م

نام کتاب کشور صاحب الزمان علیه السلام
تألیف و تنظیم علیرضا نعمتی
ناشر انتشارات خورشید مگه
چاپ اول
شمارگان ۳۰۰۰
قطع رقعی
تاریخ انتشار نیمه شعبان ۱۴۲۳ (پاییز ۸۱)
تعداد صفحات ۱۸۴
لیتوگراف المهدی
چاپ افق

مرکز پخش: دفتر انتشاراتی و مجله خورشید مگه

تلفن ۲۹۱۱۵۲۵ - ۰۲۵۱، نمابر ۲۹۱۵۴۹۵ - ۰۲۵۱

صندوق پستی - قم ۴۳۳ - ۳۷۱۸۵

شابک ۹۶۴-۹۲۹۲۳-۸-۱

قیمت ۶۵۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى
آلِهِ آلِ اللَّهِ لَا سِيَّمَا عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ رُوحِي وَ أَرْوَاحِ
الْعَالَمِينَ لِثَرَابِ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءِ وَلَعْنَةِ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ
أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنِ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ

تقديم به:

روح پاک بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران
حضرت امام خمینی ره که با بیانات ارزشمند خود
پیرامون شخصیت جهانی حضرت ولی عصر
ارواحنا فداه، نهضت اسلامی مردم مسلمان ایران را
در مسیر انقلاب جهانی حضرت بقیة الله
عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار داد.

و تقديم به:

شهدای گران قدر انقلاب اسلامی و جنگ
تحمیلی که با نثار خون پاک خود به استقبال ظهور
یگانه منجی عالم بشریت شتافته و زمینه ساز ظهور
حضرتش شدند.

اللَّهُمَّ
كُنْ لَوْلِيكَ الْحَجَّاجُ بْنُ الْحَسَنِ
صَلِّوْا مَعَكُمْ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبَائِهِ
فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ
وَلِيًّا وَحَسْبُ فِطْرًا وَقَائِدًا وَمَنْصُرًا
وَلِيًّا وَعَيْنًا حَتَّىٰ تُشْكِلَهُ أَرْضَكَ طَمَعًا وَتَمْتَعَهُ
فِيهَا طَوِيلًا

«پیشگفتار»

سیاهی شب، موجودات را به هم می‌فشرد و آنان را خرد می‌کرد. همه بدبختی‌ها از سیاهی شب بود. چشم، چشم را نمی‌دید. راه از چاه مشخص نبود و دوست از دشمن.

افعی‌های خطرناک برای بلعیدن طعمه‌ها، نرمی و خوش خط و خالی پوست خود را نشان می‌دادند و آنان را غافل می‌کردند و در یک چشم برهم زدن طعمه را به دهان می‌گرفتند. غفلت ادامه داشت تا آن که ...

ناگهان جرقه‌ای بسان برق آسمانی، قلب تاریک شب را نشانه رفت و با غرشی رعدآسا بر آن نهیب زد و هشدار داد که چتر سیاه خود را از افق جمع کن، طلوع صبح نزدیک است. سخنان برق‌آسای او شکافی عمیق از آسمان تا زمین بردل شب وارد کرد.

خفته‌ها کمی بیدار شدند: چه شده ...

افعی‌ها که سخت به وحشت افتاده بودند طعمه‌ها را با زبان

فریبنده و پر تحرک خود آرام کرده، گفتند چیزی نیست بخوابید...

«شب به پایان می‌رسد»

شب به پایان می‌رسد

طلوع خورشید نزدیک است.

ظلم و ستم در نظام آفرینش قابل هضم نیست و بشریت، هر چند این سنگ سخت و خطرناک را با فریب ستمکاران به خیال غذایی لذیذ خورده بود، اما این سنگ هضم نمی‌شود.

انقلاب اسلامی ایران جرقه‌ای آسمانی بود که چشمان طمع‌کار افعی‌های جهان را به درد آورد و بر آنان نهیب زد که برخیزید و بساط خود را جمع کنید، طلوع خورشید نزدیک است.

سخنان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، سخنان برخواسته از این رعد و برق آسمانی بود و نوید بارش باران رحمت را می‌داد.

افعی‌های خطرناک ظلم و ستم، گمان می‌کردند با منزوی کردن این کشور، با محاصره اقتصادی و تحمیل جنگ و انواع آزارها بر آن، می‌توانند طعمه‌های به خواب رفته خود را در خواب نگه دارند اما ظلم و ستم، فرمولی نیست که دستگاه علمی آفرینش آنرا بپذیرد و خالق جهان چنین فرمول خطرناک را در زباله‌دانی جهان خلقت، یعنی جهنم جای داده و می‌دهد.

انقلاب اسلامی ایران هدیه پروردگار به بشریت است اگر دوستان انقلاب قدر آن را بدانند و آن را با افکار به اصطلاح

روشنفکرانی که دنیای پر زرق و برق غرب یا شرق، چشمانشان را بر روی حقیقت علم بسته است، مخلوط نمایند و از سوی دیگر با اصلاح اخلاق و اعمال خود چهره زیبای اسلام را همانطور که هست نشان دهند. اگر چنین باشند این هدیه، درخشش خود را حفظ خواهد کرد.

یقیناً دنیای غرب و شرق، روزی به این روشنفکران کوتاه‌فکر پوزخند خواهد زد. و آنان را بی‌هویت و عقب‌افتاده و دور از علم و تمدن خواهد دانست، روزی که منجی آخرالزمان برخیزد و دریای بی‌کران علم آفرینش را به آنان نشان دهد، غیر مسلمانان، همان کسانی که ما آنان را امروز غافل می‌دانیم، با دیدن علم و معجزات منجی، روی به اسلام آورده و تحقق آیه شریفه «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا...»^(۱) را عینیت بخشند و مشتی از خاک در دست گرفته بر سر همان تاریک‌فکران بریزند و به آنان بگویند ما از شناخت منجی و حضور او غافل بودیم شما که مسلمان‌زاده و معتقد به حضور گرم او در میان بشر بودید چرا او را کنار گذاشتید و...

درست است که زمان ما به قدری تاریک است که حق و باطل به هم مخلوط شده و رسانه‌های شیطانی، جهان را با مطالب خود همان‌طور که خواسته‌اند می‌چرخانند و حق را باطل و باطل را حق جلوه می‌دهند و دجالهای معروف و پیش‌بینی شده در روایات ما انقلاب

۱ - سوره مبارکه نصر: آنگاه که ببینی مردم جهان دسته‌دسته در دین خدا داخل می‌شوند...

اسلامی ایران را مرکز تروریسم و خشونت و توحش و ... معرفی می نمایند... اما زمان، هم چنان تاریک نخواهد ماند و با درخشش کمی از نور خورشید بر افق تاریک زندگی بشر، جهانیان چشمانشان را به چهره زیبای اسلام خواهند دوخت و آن را چون گوهری زیبا در دست خواهند گرفت.

گوهری که ممکن است قدری سیاهی اعمال ما دوستان انقلاب بر آن نشسته و ستمگران، همان سیاهی را بهانه‌ی تاریک جلوه دادن گوهر ناب دین و امام زمان عجل الله فرجه قرار دهند.

اینک این سخنان ارزشمند بنیان گزار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی قدس سره را که حکایت از نور خورشید عالم تاب منجی دارد، به همه صلح جویان و عدالت خواهان جهان تقدیم داشته و آنان را به همکاری با حقیقت جویانی که به عنوان شیعه، خواستار طلوع خورشید علم و امامت می باشند فرا می خوانیم و دست یاری بهم به یکدیگر می دهیم. سخنانی که برخواسته از اعتقادات عمیق و راسخ تشیع و اسلام راستین است این سخنان در قالب بیست و هشت بخش بهم پیوسته، انسان را با وجود مقدس حضرت بقیه الله ارواحنا فداه آشنا می کند.

عناوین بیست و هشت گانه‌ی این کتاب بر اساس دعای ارزشمند ندبه است دعایی که در عالی ترین سطحی علم و حقیقت قرار دارد.

استخراج این عناوین از دعای ندبه و ارتباط موضوعات بیست و هشتگانه آن با یکدیگر، در حقیقت ترجمه‌ای است از حقایق این دعای شریف در غالب الفاظ و عناوین جدید امروزی که می‌توان آن را الهام یا مکاشفه علمی نیز نامید.

این مکاشفه علمی که از منبع زلال حقایق دعای ندبه سرچشمه گرفته است؛ انسان را با دریایی از حقیقت و معرفت آشنا می‌نماید. دریایی خروشان و موج که آب حیات ما انسان‌ها است.

دریایی که اگر بر دل‌های ما ببارد، کویرها را سیراب می‌کند و آب، این فرمول حیات و نجات از مرگ جاهلیت را به ما ارزانی می‌دارد تا در سایه آن سبز شویم و دیگر اثری از ظلم و ستم در اجتماع بشری و در وجود خود نبینیم.

عناوین بیست و هشتگانه این کتاب، درس‌هایی از شناخت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است که می‌تواند موضوعات متنوع مطرح شده در ادیان جهان خصوصاً دین مقدس اسلام پیرامون وجود مقدس امام زمان ارواحناده را سامان بخشیده و آنان را در جایگاه علمی خاص خویش قرار دهد و ضرورت شناخت آن حضرت را یک ضرورت حیاتی در جهان امروز به حساب آورده، اندیشمندان و متفکران را به جستجوی این آب حیات وادار نماید.

گرچه، این عناوین، فشرده‌ای از مطالب مطرح شده در کتاب خورشید هدایت است، اما می‌تواند راه‌گشای مباحث علمی

شناخت امام عصر علیه السلام در عصر حاضر باشد و از آن جهت که هدف اصلی ما در این کتاب، ارایه سخنان بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران پیرامون عظمت و شخصیت جهانی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه بود؛ به همین مختصر اکتفا کردیم تا به جهانیان بگوییم و آنان بدانند ما امام زمانی داریم که این سخنان درباره‌ی او و به خاطر او گفته شده است.

از این رو خوانندگان محترم را جهت آگاهی بیشتر پیرامون مطالب مطرح شده در این کتاب، به کتاب خورشید هدایت ارجاع می‌دهیم.

به امید طلوع خورشید درخشان از مکه معظمه

رجب المرجب ۱۴۲۳

شهریور ۱۳۸۱

قم - علیرضا نعمتی



(۱) «سرگشتگی»

سرگشتگی بشر در دست یابی به صلح و عدالت حقیقی در جهان نشانه‌ی دوری او از فرمول علمی صلح و عدالت است همانطور که وقتی یک دانشمند فرمول علمی خاصی را نداند تا زمان دست‌یابی به آن، پیوسته مشغول آزمایشات فراوان به منظور دست‌یابی به فرمول مورد نظر خویش است.

اکنون، فرمول ایجاد صلح و عدالت حقیقی در جهان کجاست و به دست کیست؟

آیا می‌شود چون علوم مادی فیزیک و شیمی، زندگی و جان و مال انسانها را یک آزمایشگاه تصور کرد و در راه رسیدن به صلح و عدالت، میلیونها قربانی گرفت تا به آن فرمول دست یافت.

جهان ما هم اکنون چنین شده و زندگی بشر دستخوش آزمایشات مختلف و مرگبار سیاستمداران کوچک و بزرگ خویش شده است.

آیا بشر دیروز و امروز که دائماً قربانی این سیاست‌ها می‌شود، می‌پذیرد که چون موشهای آزمایشگاهی فدای نادانی عده‌ای ریاست طلب شده و خود از زندگی در صلح و آسایش محروم بماند. اگر بشر این آزمایش را بپذیرد قطعاً پروردگار متعال آن را نپذیرفته و حتی یک انسان ساده و معمولی را نیز در این قربانگاه نمی‌فرستد و حاضر نیست او را فدای سیاست‌های غیر علمی انسانهای ناآگاه ولی به ظاهر دانشمند کند.

خداوند بزرگ که به یک مورچه هم سر سوزنی ظلم روا نمی‌دارد آیا می‌پذیرد که صدها هزار و بلکه میلیونها و میلیاردها انسان در آتش فقر و فساد و جهل و بی‌هویتی بسوزند و راه جهنم را در پیش گیرند؟

«فرمول حقیقی صلح»

نه، هرگز، خداوند چنین نخواسته و نمی‌خواهد و از همان آغاز تا کنون، بشر را از هدایت‌های خویش توسط یک نماینده معصوم از جانب خود که در میان بشر خاکی بسر می‌برد، بهره‌مند فرموده است. اگر انسانها به او توجه نمایند، از سرگشتگی نجات می‌یابند و اگر او را مورد بی‌مهری و بی‌اعتنایی خود قرار داده و در برابر ریاست‌طلبان و ظالمین به حقوق بشر او را تنها گذارند، آن نماینده الهی یا به تعبیر دیگر، آن فرمول علمی صلح و عدالت یا به شهادت

می‌رسد و خداوند جانشینی پس از او قرار می‌دهد تا راهش را ادامه دهد و آن جانشین نیز ممکن است به شهادت برسد و جانشین بعدی کار او را ادامه دهد و یا مأمور می‌شود به شکل ناشناس در میان مردم بسر برد تا کسی او را نشناسد و زمان بگذرد و انسانهایی بیایند که پذیرای رهبری او شوند. مردمی که علم را دوست می‌دارند. مردمی که پاکی و عصمت را دوست می‌دارند و از ظلم و بی‌عدالتی متنفرند. مردمی که از عقل - این موهبت الهی - آن قدر بهره‌مندند که بدانند خداوند هیچگاه بشر را بدون انسانی کامل که پاک‌ترین و عالم‌ترین مخلوق الهی در زمین است تنها نمی‌گذارد و به وسیله او انسانها را به راه راست هدایت می‌فرماید.

آری، به تدریج روشن خواهد شد که سرگشتگی، نتیجه دوری از علم و پاکی است و در دستگاه آفرینش جهل و ناپاکی چالبی ندارد و باید زندگی بشر به گونه‌ای شود که هیچ بی‌عدالتی و فساد - که نتیجه جهل و دوری از هدایت‌های الهی است - در آن یافت نشود چنانکه در ذره ذره موجودات عالم هستی چنین چیزی یافت نمی‌شود و صد در صد قوانین علمی الهی بر آنان حاکم است.

سرگشتگی

امام خمینی علیه السلام در باره سرگردانی و از هم گسیختگی جامعه بشری می فرمود:

- این گرفتاریهایی که بشر به آن مبتلاست این نحو گرفتاریهاست اینطور حوقکشی‌هاست که سرتاسر عالم را فرا گرفته است و اگر چنانچه یک منجی برای این بشر پیدا نشود و انشاءالله امیدوارم که به زودی پیدا بشود و خداوند منجی بزرگ را به داد بشریت برساند - اگر دیر بشود اصلاً هلاکت در بین همه‌شان یک امر ساری عمومی می‌شود. (۱)

- انبیاء دنبال این بودند که چرا باید این بشری که فطرتاً باید فطرت سالم داشته باشد، چرا باید اینطور باشد. رسول اکرم برای این غصه می‌خورد. در وحی هم به او گفته است که: مثل اینکه تو خودت را داری به کشتن

۱ - صحیفه امام - ج ۱۷ - صفحه ۴۷۵ - ۱۴ خرداد ۱۳۶۲ - شعبان ۱۴۰۳.

می‌دهی که اینها ایمان نمی‌آورند. (۱)(۳)

- مقصد اسلام و مقصد همه انبیاء این است که آدمها را تربیت کنند؛ صورتهای آدمی را آدم معنوی و واقعی کنند. مهم در نظر انبیا این است که انسان درست بشود. اگر انسان تربیت شد، همه مسائل حل است. یک مملکتی که دارای انسان مذهب است، تمام مطالبش حل است. انسان آگاه مذهب، همه ابعاد سعادت را برای کشور تأمین می‌کند. ... لکن همه مقصد این نیست، رفاه برای امت درست می‌کند لکن مقصد این نیست. انسان، حیوان نیست، انسان یک موجودی است که در طرف سعادت به بالاترین مقام می‌رسد، در طرف کمال به بالاترین مقام موجودات می‌رسد و اگر انحراف داشته باشد از پست‌ترین موجودات پست‌تر است. انبیاء که دیدند مردم در هلاکت هستند از حیث اخلاق، از حیث عقاید، از حیث اعمال، مکتبهایی را خدای تبارک و تعالی به آنها الهام کرد تا نجات بدهد انسان را به همه ابعادی که دارد، اگر انسان حیوانی بود مثل سایر حیوانات، لکن حیوانی که تدبیر دارد، حیوانی که اهل صنعت است، اگر این بود احتیاج به

۱ - صحیفه امام ج ۱۳ - صفحه ۲۹۱ - تاریخ ۵۹/۸/۶

۲ - لعلک باخغ نفسک الا یكونوا مومنین (سوره شعراء آیه ۳).

آمدن انبیاء نداشت؛ برای اینکه این راه، راهی است که مادیین خودشان ادراک می‌کنند. آمدن انبیاء برای این است که آن راههایی که بشر نمی‌داند، ... به آنها تعلیم بفرمایند. انبیاء برای راهنمایی یک مقام بالاتر، یک مقام انسانی بالاتر آمده‌اند.^(۱)



(۲) هدف انبیاء علیهم السلام

تنها بستر مناسب برای تربیت انسان‌ها و رسیدن آنان به مقام بندگی و انسانیت و پایان سرگشتگی، حاکمیت عدل و داد بر جوامع بشری و رفع ظلم و فساد از آن است.

تحقق چنین جامعه‌ای، هدف انبیاء علیهم السلام و مقصود پروردگار از خلقت انسان می‌باشد.

تنها در صورتی، یکایک مردم جهان از تمامی امتیازات کامل زندگی مادی و معنوی بهره‌مند می‌شوند که یک نظام توحیدی بر کره زمین حاکم گردد و رهبر آن یک انسان معصوم از خطا و تایید شده از جانب پروردگار عالم باشد.

در چنین بستر مناسبی، انسان‌ها مانند گل‌های یک بوستان به سرعت پرورش یافته و هر یک چون گلی زیبا و خوشبو، مظهر قدرت و زیبایی پروردگار و بهترین آفریده الهی در زمین خواهند شد.

هزاران سال است انبیاء و جانشینانشان کوشیده‌اند کره زمین

بوستانی زیبا و معطر گردد تا میلیاردها انسان در آن به عنوان گل‌های بهشت جاویدان پرورش یافته و راهی جهان جاودانه پس از مرگ شوند.

آنان تحقق این نظام جهانی و رسیدن به چنین روزی در کره زمین را به عنوان یک وعده تخلف‌ناپذیر از سوی خداوند مطرح و جهانیان را به «به ظهور منجی آخرالزمان» بشارت داده‌اند.

آری، جهان مانند ساختمان دانشگاهی عظیم است که انبیاء علیهم‌السلام کوشیده‌اند آن را بسازند و به دیگران بشارت دهند این دانشگاه به زودی افتتاح و خاک و خاشاک آن جمع آوری و کلاسها آماده پذیرش دانشجو خواهند شد. این خار و خاشاک آن همان بی‌عدالتی و مفسد موجود بشری است که به زودی و همزمان با افتتاح دانشگاه انسانیت به دست منجی آخرالزمان از محیط دانشگاه جمع آوری خواهد گردید. به امید آن روز.



هدف انبیاء

امام خمینی علیه السلام در بیان هدف اصلی انبیاء چنین می فرمود:

- هر یک از انبیا که آمدند برای اجرای عدالت آمدند و مقصدشان هم این بود که اجرای عدالت را در همه عالم بکنند لکن موفق نشدند. حتی رسول ختمی صلی الله علیه و آله که برای اصلاح بشر آمده بود و برای اجرای عدالت آمده بود و برای تربیت بشر آمده بود، باز در زمان خودش موفق نشدند به این معنا و آن کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد، نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می فهمند که فقط قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت... حضرت صاحب سلام الله علیه این معنا را اجرا خواهد کرد و در تمام عالم زمین را پر از عدل و داد خواهد



کرد به همه مراتب عدالت، به همه مراتب دادخواهی... (۱).
 - انبیاء یک روزشان برای خودشان صرف نشده است.
 یک ساعتشان توجه به خودشان نبوده. همه توجه به این
 بوده است که این مریضه‌ها را، اینهایی که دارند خودشان را
 به چاه می‌اندازند، اینهایی که دارند خودشان را به
 عاقبت‌های بسیار بد می‌اندازند، اینها را نجات بدهند. (۲)
 - انبیاء و اولیایی که راهها را می‌دانستند، عواقب را
 می‌دانستند، برای بشر غصه می‌خوردند و جانفشانی
 می‌کردند که مردم را نجات بدهند. (۳)
 - انبیای خدا برای این مبعوث شدند که آدم تربیت
 کنند؛ انسان بسازند؛ بشر را از زشتیها، پلیدیها، فسادها و
 رذایل اخلاقی دور سازند، و با فضایل و آداب حسنه آشنا
 کنند. (۴)
 - ... این همه انبیاء آمده‌اند و دعوت کردند و کشته
 شدند جنگها کردند و زحمتهای کشیدند، فقط برای این بود
 که مستکبرین را کنار بزنند و توده‌های مردم را برای آنها
 رفاه حاصل کنند یا مقصد بالاتر از اینهاست؟ خدای

۱ - صحیفه امام ج ۱۲ - صفحه ۴۸۱ - تاریخ ۵۹/۴/۷
 ۲ - صحیفه امام ج ۱۵ - صفحه ۴۹۴ - تاریخ ۶۰/۱۰/۲۳
 ۳ - صحیفه امام ج ۱۵ - صفحه ۴۹۴ - تاریخ ۶۰/۱۰/۲۳
 ۴ - جهاد اکبر - صفحه ۲۴

تبارک و تعالی که انبیاء را فرستاده است برای تعمیر دنیا فقط فرستاده است یا مقصد بیشتر از اینهاست، بالاتر از اینهاست؟^(۱)

- اگر انبیاء را ما استثنا بکنیم از بشر، از اول انبیایی در کار نبودند و بشر خودش خود به خود بزرگ می‌شد، اگر این طور بود، تمام بشر به هلاکت و به نابسامانی می‌رسید و روی خوش در بین بشر اصلاً پیدا نمی‌شد. الآن که می‌بینید که یک عدد بسیاری از مردم خوب هستند و آن توده‌های مردم است، این از برکت همان تربیتهای معنوی انبیای خداست. تربیتهای معنوی انبیای خدا، در عین حالی که همه قبول نکردند این تربیت را، مع ذلک آنقدر در دنیا نور افکنده است که توده‌های مردم، توده‌های ضعیف مردم همه خوب هستند. کمتر در آنها این فسادها پیدا می‌شود.^(۲)

- اساساً انبیای خدا، صلوات‌الله وسلامه‌علیهم، مبعوث شدند برای خدمت به بندگان خدا، خدمتهای معنوی و ارشادی و اخراج بشر از ظلمات به نور و خدمت به مظلومان و

۱ - صحیفه امام ج ۷ - صفحه ۵۳۰ - تاریخ ۵۸/۳/۸.

۲ - صحیفه امام ج ۱۶ - صفحه ۵۰۰ - تاریخ ۶۱/۲/۲۸.

ستمدیدگان و اقامهٔ عدل، عدل فردی و اجتماعی. (۱)
- تمام انبیاء معلّمها هستند و تمام بشر دانشجو.
انبیاء مکتبی دارند که در آن مکتب می‌خواهند این موجود
دوپایی که بدترین موجودات است و اگر رها بشود
خطرناکترین موجودات عالم است، این را به راه مستقیم،
به صراط مستقیم هدایت کنند و اجرای این امر را هم
خودشان متکفلند. (۲)

۱ - صحیفهٔ امام ج ۱۸ - صفحه ۶ - تاریخ ۶۲/۴/۲۳.

۲ - صحیفهٔ امام ج ۱۳ - صفحه ۱۷۲ - تاریخ ۵۹/۶/۸.



(۳) «همه در انتظار او»

تلاش هزاران ساله انبیاء علیهم السلام از حضرت آدم ابوالبشر - علی نبینا و آله و علیه السلام - و حضرت نوح پیغمبر - سلام الله علیه - گرفته تا خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، بالاخره نتیجه داد و درخت سبز انتظار، در کویر تفتیده و پر خطر زندگی بشر، سر از خاک بر آورد و امید به زندگی سبز و تبدیل کویر مرگبار دوری از خدا و رفتار انسانی را به بوستان پُرگل اخلاق و انسانیت و نعمت‌های کامل خداوندی در قلوب سرد و ناامید انسان‌ها، زنده کرد.

همه انسان‌ها در انتظار او به سر می‌برند.

همه ادیان او را منجی خویش می‌دانند.

حتی اندیشمندان غیر مذهبی جهان ضرورت وجود آن انسان

کامل برای تحقق صلح و عدالت جهان را اذعان نموده‌اند.

نقل سخنان و رهنمودهای ادیان و مذاهب مختلف جهان از

کتب هندو گرفته تا انجیل و تورات مقدس و نیز قرآن کریم، در این

مجال نمی‌گنجد و ما نمونه‌هایی از آن را به صورت مشروح در کتاب «خورشید هدایت» آورده‌ایم.

«عطش دلیل وجود آب است»

نکته بدیعی که می‌توان به آن اشاره کرد آن است که: جهانیان همه در انتظار تحقق صلح و عدالت جهانی به دست یک منجی هستند که از خطا و اشتباه معصوم باشد و به تعبیر واضح‌تر، عطش صلح‌طلبی و منجی‌گرایی در همه انسانها به چشم می‌خورد.

بر حسب قوانین علمی عالم آفرینش، وجود عطش در موجودات زنده دلیل وجود آب است زیرا اگر آبی در کار نبود، خلقت عطش و نیاز شدید به آب در آنان بی‌فایده بود و رسیدن به آن غیر ممکن.

اکنون که جهانیان در عطش تحقق صلح و عدالت حقیقی در جهان به سر می‌برند و همه در انتظار رهبری هستند که مصلح حقیقی و تجسم عدالت باشد، این نیاز شدید آنان به انسان کامل و عطش چند هزار ساله بشر به وجود یک رهبر آسمانی دور از خطا، یقیناً یک دلیل علمی بسیار محکم بر حضور آن رهبر الهی و آب حیات بخش در جهان است.

اگر او نبود، میل به او چه معنایی داشت؟

اگر او نبود، عطش و نیاز شدید به حضور او بی فایده و مخالف با فرمولهای علمی عالم خلقت بود.

اگر او نبود، میلیاردها انسان آرزوی حضورش را نمی کردند.

و اگر او نباشد...

و اگر او نباشد...

آری اگر او نباشد صلح را چه کسی در جهان تحقق می بخشد؟
آیا صدها و هزاران مدعی صلح (به دروغ یا راست) تا به امروز
زندگی بشر را آزمایشگاه صلح ادعایی خود نکردند و با شعار ایجاد
عدالت، جهان را به فساد و جنگ بیشتر نکشاندند.

آیا وجدان بیدار بشر، از ترس همان مدعیان عدالت و صلح،
مخفیانه با خود نمی گوید: تنها یک رهبر آسمانی و معصوم از خطا
قادر به ایجاد صلح و عدالت حقیقی در جهان است و بقیه مدعیان یا
ناآگاه و ناتوان در به وجود آوردن این هدف می باشند و یا شعار
دروغین صلح و عدالت را سر می دهند و هدفی جز ریاست بر مردم
دنیا را در سر نمی پرورانند.

آیا بشریت به چشم خود هزاران حکومت مدعی عدالت و رفع
ظلم و تبعیض را ندیده و به آنان با دست خود رأی نداده است؟

آیا هیچگاه به این آرزو رسیده است؟

بشریت همیشه از خود و منتخبینش (بجز انگشت شمار)

تخلّف از صلح و عدالت را دیده است ولی هیچگاه از پروردگار و نمایندگان او جز خوبی و نعمت و عدالت و صلح در آسمان و زمین چیز دیگری ندیده و لذا در انتظار تحقق آن وعده حتمی پروردگار به سر می‌برد و می‌داند «او» آری «او» که مظهر عدالت و حقیقت است می‌آید و عطش صلح‌جویی و عدالت‌خواهی اش را فرو می‌نشاند.

آری، او می‌آید و اگر او را - چنانکه آب را می‌طلبیم - طلب کنیم و چون تشنه‌ای که عطش شدید او را وادار می‌کند وجود آب در اطراف خود را باور کند، عطش نیاز به آن رهبر الهی ما را وادار کند که باور کنیم: او در اطراف ما حضور دارد، کافیت در جستجوی او باشیم... در این صورت او به سرعت چون آبی گمشده پدیدار می‌شود و از علم و عدالتش سیراب خواهیم شد.

همه در انتظار او

امام خمینی علیه السلام در باره اتفاق جهانیان و پیروان ادیان پیرامون حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ندای توحیدی آن حضرت می فرمایند:

- مهدی منتظر در لسان ادیان و به اتفاق مسلمین از کعبه ندا سر می دهد و بشریت را به توحید می خواند. ^(۱)
- ابراهیم خلیل در اول زمان و حبیب خدا و فرزند عزیزش مهدی موعود روحی فداه در آخر زمان از کعبه ندای توحید سر دادند و می دهند. ^(۲)

۱ - صحیفه امام ج ۱۸ - صفحه ۸۷ - تاریخ ۶/۱۳/۶۲.

۲ - صحیفه امام ج ۱۸ - صفحه ۸۷ - تاریخ ۶/۱۲/۶۲.

(۴)

افتخار ما

ما مسلمانان - اعم از شیعه و اهل سنت که به اتحاد و اتفاق، معتقد به وجود مقدّس حضرت مهدی علیه السلام هستیم - به اینکه منجی عالم بشریت از ما است افتخار می‌کنیم اما واضح است که ما در این عقیده حیات بخش تنها نیستیم و ادیان مختلف توحیدی آن بزرگوار را قبول دارند.

اینک، ما به چه چیز مفتخریم؟

جهانیان باید توجه داشته باشند که درست است همه ادیان و مسلمانان به وجود مقدّس مصلح آخرالزمان معتقدند ولی هیچکدام معتقد به حضور آن حضرت در بین خود نیستند و به طور کلی می‌گویند منجی آخرالزمان می‌آید و جهان را پُر از عدل و داد می‌کند اما ما مسلمانان به حضور آن رهبر الهی در میان خود معتقد و حتی او را زنده و حاضر و آماده ایجاد صلح و عدالت در جهان می‌دانیم.

آری ما مفتخریم که حضرت مهدی - ارواحنا فداه - منجی عالم

بشریت از ماست.

«امام زمان علیه السلام مانند کعبه است»

به عنوان مثال، همه مسلمانان، «خانه کعبه را به عنوان» خانه خدا و قبله گاه مسلمین، قبول داشته و به آن معتقدند ولی تنها مردم شهر مکه می توانند به وجود کعبه در شهر خود افتخار کنند و بگویند ما مفتخریم که خانه ی خدا مقدّس در شهر ما قرار گرفته است.

حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - هم مانند کعبه، یگانه انسان کاملی است که نظر تمام ادیان را بسوی خود جلب کرده و همه ی انسانها به گونه ای و با نامی او را قبول دارند.

او قبله آرزو میلیاردها انسان بوده و هست و همه در انتظار رسیدن او و دیدار روی مقدّسش هستند.

ولی ما شیعیان مانند همان مردم مکه هستیم که افتخار داریم کعبه ی آمال، یگانه فریادرس انسانها، تنها منجی بشر و عدل گستر جهانی و رساننده هر انسانی به آرزوهای انسانی و مقدّسش، حضرت مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله است که در میان ماست ولی اختصاص به ما ندارد و امام و رهبر همه ی بشر است.

ما افتخار می کنیم که در دنیا تنها کسانی هستیم که امام زمان علیه السلام را رهبر خود می دانند. رهبری که بزودی تمامی مردم جهان، خود را تحت رهبری او خواهند دید.

این افتخار برای ما به ثبت رسیده است که قبل از همه ی مردم

دنیا به حضور منجی آخرالزمان در میان بشریت اعتقاد و اذعان داشته و آن حضرت را منتظر شرایط مناسب برای آغاز حرکت جهانی خویش می دانیم اما شکوه‌ای است از ماکه این کعبه خوبی و عدالت را قریب هزار و دویست سال است در بین خود داریم اما نه خود، او را شناخته‌ایم و نه جهانیان را با او آشنا نموده‌ایم و اگر طبق مثال فوق، فرض کنیم بعضی از مردم شهر مکه خانه کعبه را ندیده باشند ما نیز نسبت به امام عصر ارواحنا فداه چنین هستیم یعنی هزار و دویست سال است نام او را می‌بریم اما یک قدم برای رسیدن به او و دیدن او و باور کردن او و حضور او برنداشته‌ایم و به کار و کسب خود مشغولیم و ظهور او را برای نسل‌های بعد دانسته و خود را از تلاش برای رسیدن به عصر ظهور محروم نموده‌ایم.



افتخار ما

حضرت امام خمینی علیه السلام، در وصیتنامه سیاسی - الهی خویش می فرمایند:

- ما مفتخریم که ائمه معصومین از علی بن ابی طالب گرفته تا منجی بشر حضرت مهدی صاحب زمان علیهم آلا ف التحیات والسلام که به قدرت خداوند قادر، زنده و ناظر امور است، ائمه ما هستند. (۱)

۱ - صحیفه امام ج ۲۱ صفحه ۳۹۶.



«ابعاد گوناگون شخصیت منجی آخرالزمان»

روح انسانها از دو بُعد در معرض نابودی و فساد قرار می‌گیرد:

الف: ناآگاهی و جهل؛

ب: بر اساس خواسته‌های دل عمل کردن نه بر اساس علم.

عمل کردن بر اساس جهل و هواهای نفسانی، انسان را در دو

حالت خطرناک و نابودکننده زیر قرار می‌دهد:

اول: آلوده شدن به صفات ناپسندی چون سوءظن،

خودخواهی، تکبر، ریاست‌طلبی و... که بالغ بر هفتاد و چند صفت

رذیله‌ای است که در معارف دین ما بیان شده است؛

دوم: اعمال ناپسندی که از این صفات ناشی شده و انسان را به

طور کامل در معرض خطر جهنمی شدن و از دایره انسانیت خارج

شدن قرار می دهد مانند خیانت، دروغگویی، رشوه خواری، جنایت، جنگ، و ...

جوامع بشری از آغاز تاکنون به این صفات رذیله و اعمال ناشی از آن آلوده بوده و تمامی مفاسد کوچک و بزرگ شخصی و اجتماعی بشر از وجود این صفات و اعمال ناپسند ناشی می شود.

اگر حسادت در میان انسانها نبود بسیاری از جنگها به وجود نمی آمد.

اگر خودخواهی گریبان آنها را نمی گرفت بسیاری از اعمال خودسرانه از آنان سر نمی زد و دیگران را در معرض تباهی و فقر و فساد قرار نمی داد و اگر....

«لشکرهای خطرناک»

آلودگی های روح بشر را به چهار مثال گویا می توان تشبیه کرد:
اول: صفات رذیله هفتاد و پنج گانه و ناپسند مانند لشکرهایی از جهل و شیطنت هستند که در کشور روح و اعمال انسانها نفوذ و آن را به فساد و تباهی می کشانند همانطور که لشکر دشمن جنایتکار وقتی به داخل کشور نفوذ می کند و آن را به تصرف در می آورد، خرابی و کشتار و ... به وجود می آورد.

«امراض مرگبار»

دوم: صفات رذیله هفتاد و پنجگانه مانند امراض خطرناکی

هستند که بدن انسان سالم را بیمار و او را زمین گیر و بستری و رنجور و گاهی به مرز مرگ می کشانند.

بیماری ریاست طلبی، غده خطرناکی است که تمامی وجود ریاست طلبان را بیمار و آنان را به اعمال غیر انسانی و ظلم به دیگران وادار می کند.

سایر امراض و صفات رذیله نیز آثار مشابهی بر روح انسان دارند و تمام مفاسد جامعه بشری از این بیماری ها به وجود آمده است.

«بیمار روانی»

سوم: صفات رذیله فوق مانند اعمال خارج از کنترل در یک بیمار روانی است که بواسطه مرض مغزی، اعمال غیر عاقلانه از او سر می زند و به اصطلاح «دیوانه» شده است.

جنگ و خیانت، دزدی و جنایت، فساد مالی و اخلاقی و ... همه و همه رفتار غیر عاقلانه صاحبان این صفات است که گاهی رؤسای جمهور و سیاستمداران اصلی و کلیدی بشر بیش از همه به آن آلوده و جهان را به جنگ های جهانی و اتمی و هزاران فساد دیگر می کشانند.

«قطعاتی از آتش»

چهارم: صفات ناپسند فوق مانند قطعاتی از آتش است که

خرمن زندگی بشر، را به آتش می‌کشد. مثلاً حسادت، در روایات ما به آتش تشبیه و گفته شده است این صفت مذموم ایمان را از بین می‌برد همانطور که آتش هیزم را نابود می‌کند.

اکنون جوامع بشری قرن‌هاست که در آتش‌های حسادت و کینه‌توزی و ... می‌سوزند و این آتشیهای شوم زندگی انسانها را در دنیا فاسد و آنها را در آخرت راهی جهنم می‌نمایند.

با تشبیهات حقیقی فوق، جامعه بشری در معرض خطرات چهارگانه‌ای قرار گرفته است که اگر خداوند به فریاد انسان‌ها نرسد آن‌ها بواسطه همین صفات خطرناک و با فشار چند تکمه به حیات خود پایان می‌دهند.

«حیوانات زندگی برتری دارند!!»

جهانی که در آن حیوانات و جمادات و جانداران دیگر به خاطر انسان آفریده شده‌اند چنین در معرض خطر نابودی قرار گرفته است ولی همان حیوانات که برای انسان خلق شده‌اند در آسایش و امنیت و دوری از دغدغه‌های زندگی بشری به حیات خود ادامه می‌دهند و اگر فساد در آنها به وجود می‌آید از ناحیه انسانها است آیا خداوند که علم بی‌نهایت و قدرت بی‌نهایت و پاکی بی‌نهایت است موجودی به نام انسان را که باید جانشین و نماینده او در زمین باشد، چنین به حال خود رها کرده و می‌گذارد به تباهی کشیده شود و هیچ

نجات دهنده‌ای برایش قرار نداده است؟!!

«اگر منجی در میان ما نباشد...»

اگر تصوّر کنیم منجی راستین و معصوم از خطا به «عنوان» نماینده پروردگار در میان مردم حضور نداشته باشد یقیناً اعتقاد درستی درباره پروردگار حکیم نداریم و علم او را ناقص تصور کرده و حقیقت را نفهمیده و بیراهه رفته‌ایم و از رموز علمی آفرینش اطلاعی نداریم.

اگر آن نجات دهنده نهایی و پاک از هر خطا و آن پرچمدار رهایی بشر در میان ما حضور نداشته و انسان‌ها راهی برای درخواست نجات از او نداشته باشند بدین معنی است که خداوند بشر را در جاده‌ای قرار داده که به اجبار به سقوط او در درّه مرگبار منتهی و هیچ راه بازگشتی برای او وجود ندارد.

«کشور بدون ارتش»

و این کار مانند آن است که دولت یک کشور، هیچ نیروی دفاعی و ارتش مجهزی را برای دفاع از مردم کشورش آماده نکند با آنکه قدرت این کار را دارد و دشمنان خطرناک هم در کمین نشسته‌اند.

آیا لشکرهای شیطان که درد جنایت‌های آنان را چشیده و حس کرده‌ایم در کمین ما نیستند و به نابودی بشر همّت نگمارده‌اند و

خداوند متعال در قرآن کریم نفرموده است این شیطان دشمن آشکارای شما است او را دشمن خود بگیرید. (۱)

آیا معقول است بگوئیم هم اکنون دولت پروردگار هیچ ارتش دفاعی و رهبری معصوم از خطا که مردم را هدایت کند و آنان را از لشکرهای جهل و شیطنت حفظ نماید در میان انسان‌ها قرار نداده و آنان را در برابر دشمنانشان رها کرده است؟

چنین اعتقادی درباره خداوند یعنی بی‌کفایت دانستن دولت الهی و حکیم؛ و کارآمد نبودن ذات مقدس پروردگار که ذات مقدسش از هر نقصی مبرا است.

آری، منجی آخرالزمان و یارانش همان ارتش مجهز الهی هستند که برای رهایی انسان‌ها از لشکرهای شیطان و هواهای نفسانی و ریاست‌طلبان و خودخواهان و ظالمین همیشه آماده هستند به شرط آن که افراد بشر آنان را بپذیرند و اگر آنان را دیدند نابودشان نکنند همان طور که با سیدالشهداء، حسین بن علی علیه السلام چنین کردند لذا خداوند متعال به حجّت خویش تا آن روز که رشد فکری در انسانها پدید آید و پذیرای رهبری حجّت خدا باشند؛ دستور غیبت و خانه‌نشینی داده است.

۱ - ان الشيطان لكم عدو فاتخذوا عدوا، سوره فاطر آیه ۶.

«شهری عظیم بدون پزشکی و بیمارستان»

بر اساس مثال طبیب نیز باید بگوییم اگر خداوند هم اکنون منجی و طبیب خویش را در میان بشر قرار نداده باشد مانند آن است که دستگاه الهی دولتی بی تفاوت بوده که هیچ بیمارستان و پزشک و داروخانه و دانشگاه پزشکی برای مردمش در نظر نگرفته و مردم بیمار را به حال خود رها کرده تا از درد بمیرند و نابود شوند.

نه، هرگز خداوند چنین نمی‌کند و برای درمان هزاران درد مرگبار که گریبان بشر را گرفته و میلیونها قربانی می‌گیرد، طبیب آسمانی و منجی حقیقی را حاضر و آماده در میان بشر قرار داده تا هرگاه مردم او را برای شروع معالجه و درمان دردهای خویش خواستند آنان را مداوا و غده‌های ونخیم سرطانی و مرگبار و ریشه‌های ظلم و بی‌عدالتی را قطع نماید تا سلولهای مریض و گرفتار پیکره بشری (انسانها) سر حال و سلامت گردند.

«بدنی بدون مغز»

اگر منجی الهی در میان بشر هم اکنون حاضر نباشد مانند آن است که بگوییم خداوند پیکری عظیم به نام جامعه بشری آفریده، پیکری که دست و پا و چشم و گوش و... دارد ولی یک چیز ندارد و آن مغز است.

عدم حضور امامی معصوم که علمش بی‌پایان و متصل به علم

پروردگار و از همه حقایق و رموز آفرینش آگاه است و به واسطه همان علم بی پایان از عصمت و دوری از خطا بهره مند می باشد به همین معنی است.

در حالی که خداوند متعال برای بدنی کوچک مغزی هدایت گر قرار داده تا اعمال تمامی اعضاء و سلولهای بدن را تحت کنترل علمی خویش در آورد آیا برای میلیاردها انسان چنین مغزی قرار نداده و آنان را به حال خویش رها ساخته تا مانند دیوانگان به جان هم بیفتند و یکدیگر را نابود کنند؟

پس آن مغز الهی و آن منجی نهایی در میان ما حضور دارد و خلقت الهی ناقص نیست بلکه این نقص از خود ما انسانهاست که پدران معصوم او و خود او را نپذیرفته ایم و خداوند نیز او را عزیز داشته و دستور زندگی مخفی تا روز معلوم را به او داده است تا روزی که بشریت از اعمال جنون آمیز و بیهوده خود خسته شده و فریادش بلند شود که خدایا منجی ما را برسان.

«شهر بزرگ چند میلیاردی هیچ آتش نشانی

ندارد»

شهری بزرگ با چندین میلیارد شهروند، هیچ مأموری برای اطفاء حریق ندارد و آتش پیوسته یک یا چند خانه و محله آن را می سوزاند و هیچ کس نیست بگوید چرا این شهر مأمور آتش نشانی

ندارد؟ بعضی می‌گویند اصلاً مأمور نمی‌خواهد (کسانی که معتقدند امام معصوم لازم نیست) عده‌ای اظهار می‌دارند مأموری دارد که بعدها متولد خواهد شد (آنان که می‌گویند منجی آخرالزمان بعدها به دنیا می‌آید) این افراد در حقیقت می‌گویند ای مردم فعلاً در آتش بسوزید، چاره‌ای نیست چرا که مأمورین اطفاء حریق بعداً به دنیا می‌آیند، آیا چنین دولتی در جوامع بشری یافت می‌شود تا بگوییم خداوند - العیاذ باللّه - چنین کرده و منجی بشر را در زمان‌های آینده متولد خواهد کرد و هم اکنون بشر آماده نیست؟

بشر آماده باشد یا نباشد، وظیفه دستگاه الهی است که مأمور نجات و خاموش کردن آتش‌های جهنمی جامعه بشری را همیشه آماده نگه دارد تا در خلقت الهی نقصی نباشد.

اگر آن منجی الهی در میان بشر حضور نداشته باشد آیا مردم نخواهند گفت خدایا ما رهبری نجات‌دهنده از جانب تو نداشتیم که ما را از آتش‌های خانمانسوز نجات دهد و خداوند چه جوابی برای آنان خواهد داشت؟^(۱)

بنابراین و بر اساس تمامی این حقایق عقلی و فطری، معتقدیم هم اکنون منجی آخرالزمان در میان بشر حضور دارد و منتظر تشکیل حکومت جهانی و محو ظلم و ستم از جهان است.

۱ - و لئلا يقول احد لو لا احد ارسلت الینا رسولا من ذرا و اقمنا لنا علماً هادیا فننزع آیاتك من قبل ان نذل و نخزی... دعای ندبه.

پرچمدار رهایی، طبیب بشر، انسان کامل

حضرت امام علیه السلام پیرامون شخصیت حضرت
بقیة اللہ ارواحنا فداء در ابعاد سه گانه پرچمدار رهایی، طبیب
واقعی بشر و انسان کامل می فرمایند:

- آخرین ذخیره امامت حضرت بقیة اللہ ارواحنا فداء و یگانه
دادگستر ابدی و بزرگ پرچمدار رهایی انسان از قیود ظلم و
ستم استکبار.^(۱)

- ... واقعاً دنیا الآن یک مرضی دارد، مرض مزمنی دارد
که خوب شدنش به این چیزها نمی تواند باشد، دنیا علیل
است. سران همه کشورها، الا انگشت شمار. نمی توانم
بگویم این یکی دوتا، سه تا؛ سران همه اینها مردم را
مسموم کرده اند و افکار ملت های خودشان را مسموم

۱ - صحیفه امام ج ۲۱ - صفحه ۳۲۵ - تاریخ ۶۸/۱/۲.

کرده‌اند و علیل کرده‌اند ملت‌های خودشان را. آنقدر تحقیر کرده‌اند از این ملت‌ها، آن قدر اینها را در فشار اقتصادی قرار داده‌اند و آنقدر این بیچاره‌ها زحمت کشیدند و زحمت‌هایشان را دیگران به غارت بردند که علیل شدند، افکارشان از بین رفته است. یکی می‌خواهد که بیاید احیا کند این افکار را. و من امیدوارم که ان شاء الله حضرت بقیة الله زودتر تشریف بیاورند و این طیب واقعی بشر، با آن دم مسیحائی خود اصلاح کند اینها را. (۱)

- والعصر* ان الانسان لفي خسر* عصر هم محتمل

است که در این زمان حضرت مهدی سلام الله علیه باشد یا انسان کامل باشد که مصداق بزرگش رسول اکرم و ائمه هدی و در عصر ما حضرت مهدی سلام الله علیه است، قسم به عصاره موجودات، عصر، فشرده موجودات، اینکه فشرده همه عوالم است، یک نسخه‌ای است نسخه تمام عالم، تمام عالم در این موجود، در این انسان کامل عصاره است... (۲)

۱ - صحیفه امام ج ۱۷ - صفحه ۳۰ - تاریخ ۶۱/۷/۱۱.

۲ - صحیفه امام ج ۱۲ صفحه ۴۲۴ - تاریخ ۵۹/۳/۲۰.



(۶)

«وَعْدَةُ حَتْمِي خُداوند»

بر اساس حقایق گذشته، به خوبی در می یابیم ظهور یک انسان کامل به عنوان:

عقل مجسم در جامعه بشری.

پرچمدار رهایی بشر از هواهای نفسانی.

طیب واقعی بشر و معالجه کننده دردهای مرگبار جامعه بشری.

یک ضرورت در آفرینش است که خداوند آن را به عنوان یک وعده حتمی به جهانیان اعلان فرموده تا همه بدانند خلقت الهی بیهوده نیست و اگر چند صباحی این وعده به تأخیر افتاده، اولاً بخاطر ظلم ما انسانها به خود و کنار زدن حجّت خدا از رهبری جامعه بشری است؛

و ثانیاً خداوند می خواهد به ما بفهماند بدون حضور آن رهبر آسمانی، بشر فرمول علمی صلح و عدالت را نمی داند و با ندانستن این فرمول، دستیابی به این آرزو از محالات است زیرا وقتی کسی عدد چند رقمی - مانند شماره تلفن مخصوص یک نفر - را نداند، پیوسته سرگردان و متحیر و دچار اشتباه شده، راه به جایی نمی برد. آری، وعده پروردگار حتمی است ولی تأخیر در انجام آن برای به نتیجه رسیدن خود ما است زیرا ما انسانها مانند کسی هستیم که شماره تلفن منزل صلح و سعادت را می خواهد و آنگاه که خداوند متعال این شماره علمی و صحیح را به او می دهد (انبیاء الهی خصوصاً پیامبر اسلام و دوازده جانشین او منظور از این شماره و فرمول علمی هستند) از این شماره‌ها روی گردانده، مشغول شماره‌گیری بر اساس حدسیات و احتمالات ذهنی خود می شود و از این عمل بدتر آنکه، شماره‌گیری حدسی و احتمالی خود را راه صحیح و علمی می دانیم و شماره‌های پروردگار را مربوط به زمان قدیم تصور کرده‌ایم، آیا علم حقیقی هیچگاه با گذشت زمان، قدیمی و غیرقابل استفاده می شود؟

آیا معقول است بگوییم چون در هزار سال قبل دو به علاوه دو مساوی با چهار بوده، اکنون دیگر این نتیجه‌گیری غلط و قدیمی



است؛ باید نتیجه دیگری از دو به علاوه دو به دست آورد؟! اینک تدریجاً از شماره‌گیری‌های احتمالی و غیرعلمی خود خسته و درمانده شده و راه به جایی نبرده‌ایم و می‌خواهیم بپذیریم که تنها همان «شماره علمی» که خداوند متعال به عنوان «علم بی‌پایان و نامحدود» به ما عطا فرموده، رمز و شماره صحیح است و ما قرنهای بسیار است که خود را معطل و خسته کرده‌ایم.

هر قدر ما انسان‌ها به این حقیقت نزدیک‌تر شویم و علمی‌تر بیندیشیم، به زمان تحقق «وعدۀ حتمی» پروردگار نزدیک‌تر شده و ظهور منجی آخرالزمان را زودتر درک خواهیم کرد. ان شاء الله.

وعدۀ حتمی

حضرت امام علیه السلام در باره حتمی بودن وعدۀ الهی در بارۀ ظهور امام زمان ارواحنفاذ می فرمایند:

- و من امیدوارم که انشاءالله برسد روزی که آن وعدۀ مسلم خدا تحقق پیدا کند و مستضعفان مالک ارض بشوند. این مطلب وعدۀ خداست و تخلف ندارد، منتها آیا ما درک کنیم یا نکنیم، آن به دست خداست ممکن است در یک برهه کمی وسایل فراهم بشود و چشم ما روشن بشود به جمال ایشان. (۱)

۱ - صحیفۀ امام ج ۱۹ صفحه ۲۴۶ - تاریخ ۶۴/۲/۱۶ (سخنرانی به مناسبت نیمه شعبان).



(۷)

«سیاست گزاران زندگی بشر»

پاسخ به سؤال فوق به قدری روشن است که نیاز زیادی به توضیح ندارد. اکنون جهان مبدل به یک خانه کوچک شده و همه مردم از حال یکدیگر با خبرند و این به هم پیوستگی، ضرورت وجود یک سیاست‌گذاری واحد را می‌طلبد.

باید دید سیاست‌گزاران زندگی بشر چه کسی یا کسانی باید باشند؟

اگر بپذیریم که سیاست‌گذارای باید:

الف: بر اساس علم حقیقی باشد.

ب: اشتباه و خطا و لغزش در آن راه نداشته باشد.

چنین چیزی تنها با حضور یک انسان معصوم تحقق خواهد یافت که از نظر قانون علمی آفرینش، خداوند آن انسان کامل را در میان ما قرار داده و منتظر تسلیم شدن ما در برابر این قانون علمی است و اگر این را نپذیریم - که علت نپذیرفتن هم ریاست‌طلبی و

خودخواهی و کبر و غرور و یا نهایتاً جهالت ما انسان‌ها است - دیگر نتیجه روشن است و پذیرفته‌ایم هر انسان به ظاهر موجّهی می‌تواند سیاست زندگی بشر را ترسیم نماید و آنگاه جهان، همان است که می‌بینیم و با دیدن میلیون‌ها مفاسد کوچک و بزرگ اقدامی در جهت حل این مشکل نکرده و هر انحراف و خطا و بدبختی و تیره‌روزی در زندگی بشر را یک امر طبیعی می‌دانیم.

ای کاش بشر عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این قانون علمی پروردگار تن می‌داد و می‌پذیرفت که تنها انسان‌های کامل و معصومی چون علی بن ابی طالب - علیه السلام - و یازده جانشین معصومش لیاقت سیاست‌گذاری زندگی بشر را دارند و ای کاش آن مردم ناآگاه و کوتاه‌فکر، امامان معصوم را کنار نمی‌گذاشتند و رهبری انسان کاملی چون حسین بن علی علیه السلام و سایر امامان معصوم را می‌پذیرفتند.

ای کاش به امام دوازدهم یا آخرین جانشین پیامبر آخرالزمان آن قدر بی‌اعتنایی نمی‌کردند و کمر به قتلش نمی‌بستند تا او مجبور شود خود را مخفی نماید و تا امروز بطور ناشناس و مخفیانه زندگی کند. آری، سیاست‌گزارانی که خداوند به بشر عطا فرموده است هیچگاه خطا نمی‌کنند و هیچ چیز از علم آنان مخفی نیست و در هیچ مشکلی در نمی‌ماند و قدرتی متصل به قدرت بی‌نهایت الهی دارند و تنها با مدیریت علمی آنان، مشکلات مادی و معنوی بشر از میان می‌رود.

سیاست‌گزاران زندگی بشر

امام خمینی در باره این مطلب که انبیاء و ائمه هدی علیهم‌السلام و خصوصاً حضرت ولی عصر علیه‌السلام سیاست‌گزاران زندگی بشرند می‌فرمایند:

- همان طوری که رسول اکرم به حسب واقع حاکم بر جمیع موجودات است، حضرت مهدی همان طور حاکم بر جمیع موجودات است، آن خاتم رسل است و این خاتم ولایت، آن خاتم ولایت کلی بالاصاله است و این خاتم ولایت کلی به تبعیت است. ^(۱)

- سیاست به معنای اینکه جامعه را راه ببرد و هدایت کند به آنجائی که صلاح جامعه و صلاح افراد هست، این در روایات ما برای نبی اکرم با لفظ سیاست ثابت شده است و در دعای در زیارت جامعه ظاهراً هست که ساسة‌العباد هم هست. در آن روایت هم هست که پیغمبر اکرم مبعوث شد که سیاست امت را متکفل باشد. ^(۲)

۱ - صحیفه امام ج ۲۰ صفحه ۲۴۹.

۲ - صحیفه امام ج ۱۳ صفحه ۴۳۱.

(۸)

«مظلومیت و مهجوریت»

کم درکی و بی توجهی مردم قرون گذشته خصوصاً مردم عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نسبت به سیاست گزاران حقیقی خویش باعث شد خودخواهان و ریاست طلبان شمشیر از نیام برکشیده، امامان معصوم و هدایت کنندگان بشر را یا خانه نشین نمایند و یا به شهادت برسانند.

قرآن کریم را که به عنوان قانون اساسی زندگی انسان و بیانگر حقایق کتب آسمانی پیامبران گذشته نیز می باشد و مجریان معصوم این قانون را کنار زده، آنان را ضعیف و بی مقدار شمردند.

ریاست طلبان و خودخواهان، دین پروردگار را که عین علم است - زیرا که دین خدا جدا از علم پروردگار نمی باشد - ضد علم قلمداد نموده و مجریان معصوم آن را عقب افتاده و متروک دانستند.

این سخن آنان برای آن بود که سیاست‌های فریبکارانه خود را به نام «علم» و پیشرفت به خورد بشریت داده و راه را برای استقرار حکومت ظالمانه خود هموار کنند.

با بسته شدن چشمه‌های علم و حیات واقعی بر روی بشر - یعنی کنار زدن قرآن و امامان معصوم علیهم‌السلام - مزرعه وسیع زندگی انسان‌ها که بنا بود بوستانی پُر از گل و انسانیت باشد، به کویری مرگبار و پراز مار و عقرب و دزدان و فریبکاران مبدل شد. از همان جا بود که انواع محرومیت‌ها از قبیل فقر، فلاکت، فساد و جنگ و... به سراغ بشر آمد و انسان‌ها نالیدند اما جز اشک و آه حاصلی نداشت.

ظالمین به حقوق بشر وقتی تنه اصلی درخت سعادت بشر یعنی ارتباط مردم با قانون پرودگار و مجریان معصوم آن را قطع کردند، با قطع این درخت دیگر هیچ برگی (هیچ انسانی) روی خوش و روز سبز به خود ندید.

لذا گریه‌کنندگان در هر کجای جهان، اگر بخواهند بر هر مصیبتی اشک بریزند و بر برگ سبز زندگی خود گریه کنند باید بدانند که سرچشمه تمامی مصیبت‌ها قطع شدن تنه درخت سبز سعادت آنها به دست متجاوزین به حقوق انسان‌ها و متمرّدین از اوامر الهی یعنی

کسانی که باعث خانه نشینی نمایندگان الهی و غیبت امام زمان علیه السلام شده اند می باشد و باید بر این مصیبت عظمی بگریند و بگویند:

چرا امام حسن مجتبی علیه السلام که می توانست با دریای علم و عصمت خود جهان را سرسبز و آباد نماید آن قدر مظلوم و مهجور ماند که حتی جنازه ی شریفش را نیز تیرباران کردند؟

چرا امام حسین آن سرور آزادگان جهان از میان ما رفت و قدر او را ندانستند و با کشتن او، انسانیت و تقوا و فضیلت را کشتند؟

و چرا امروز امام زمان ما - که زمین نباید از وجود او خالی باشد - خود را از ما مخفی کرده و ما از او محروم مانده ایم و به جای او هواهای نفسانی خود ما انسانها بر ما حکومت می کنند؟

پس باید بگرییم و ناله بزنیم و با فریاد گریه، خواستار پایان این محرومیت و رسیدن روز ظهور منجی آخرالزمان و پایان زندگی مظلومانه او گردیم. ^(۱) ان شاء الله.

۱ - مضامین جملات دعای ندبه.

مظلومیت و مهجوریت

امام خمینی علیه السلام در وصیت نامه سیاسی - الهی خویش، به مظلومیت قرآن و عترت و امام عصر ارواحنا فداه چنین اشاره دارند:

- مناسب دیدم اشاره‌ای گذرا و بسیار کوتاه از آنچه بر این دو ثقل گذشته است بنمایم.

شاید جمله لن یفترقا حتی یردا علی الحوض اشاره باشد بر اینکه بعد از وجود مقدس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هر چه بر یکی از این دو گذشته است بر دیگری گذشته است و مهجوریت هر یک مهجوریت دیگری است تا آنگاه که این دو مهجور بر رسول خدا در حوض وارد شوند....

... و باید گفت آن ستمی که از طاغوتیان بر این دو ودیعه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گذشته، بر امت مسلمان بلکه بر بشریت گذشته است که قلم از آن عاجز است. و ذکر این

نکته لازم است که حدیث ثقلین متواتر بین جمیع مسلمین است و [در] کتب اهل سنت از صحاح ششگانه تا کتب دیگر آنان، با الفاظ مختلفه و موارد مکرره از پیغمبر اکرم ﷺ به طور متواتر نقل شده است. و این حدیث شریف حجت قاطع است بر جمیع بشر به ویژه مسلمانان مذاهب مختلف. و باید همه مسلمانان که حجت بر آنان تمام است جوابگوی آن باشند و اگر عذری برای جاهلان بی خبر باشد، برای علمای مذاهب نیست.

اکنون ببینیم چه گذشته است بر کتاب خدا این ودیعه الهی و ماترک پیامبر اسلام ﷺ.

مسائل اسفانگیزی که باید برای آن خون گریه کرد، پس از شهادت حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام شروع شد. خودخواهان و طاغوتیان، قرآن کریم را وسیله‌ای کردند برای حکومت‌های ضدقرآنی و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق را که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم ﷺ دریافت کرده بودند و ندای انی تارک فیکم الثقلان در گوششان بود، با بهانه‌های مختلف و توطئه‌های از پیش تهیه شده، آنان را عقب زده و با قرآن، در حقیقت قرآن را - که برای بشریت تا ورود به

حوض، بزرگترین دستور زندگانی مادی و معنوی بود و است، از صحنه خارج کردند و بر حکومت عدل الہی - کہ یکی از آرمانهای این کتاب مقدس بوده و هست - خط بطلان کشیدند و انحراف از دین خدا و کتاب و سنت الہی را پایه گذاری کردند تا کار به جایی رسید کہ قلم از شرح آن شرمسار است. و ہرچہ این بنیان کج بہ جلو آمد، کجیہا و انحرافها افزون شد تا آنجا کہ قرآن کریم را کہ برای رشد جهانیان و نقطۂ جمع ہمہ مسلمانان بلکہ عائلۂ بشری از مقام شامخ احدیت بہ کشف تامّ محمدی ﷺ تنزل کرد کہ بشریت را بہ آنچه باید برسند، برساند و این ولیدۂ علم الاسماء را از شرّ شیاطین و طاغوتها رها سازد و جهان را بہ قسط و عدل رساند و حکومت را بدست اولیاء اللہ، معصومین - علیہم صلوات الاولین والآخرین - بسپارد تا آنان بہ ہر کہ صلاح بشریت است بسپارند - چنان از صحنہ خارج نمودند کہ گویی نقشی برای ہدایت ندارد و کار بہ جایی رسید کہ نقش قرآن بہ دست حکومتہای جائر و آخوندہای خبیث بدتر از طاغوتیان وسیلہای برای اقامۂ جور و فساد و توجیہ ستمگران و معاندان حق تعالی شد و

مع الأسف به دست دشمنان توطئه‌گر و دوستان جاهل، قرآن این کتاب سرنوشت‌ساز، نقشی جز در گورستانها و مجالس مردگان نداشت و ندارد و آنکه باید وسیله جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد، وسیله تفرقه و اختلاف گردید و یا به کلی از صحنه خارج شد، که دیدیم اگر کسی دم از حکومت اسلامی برمی‌آورد و از سیاست که نقش بزرگ اسلام و رسول بزرگوار ﷺ و قرآن و سنت مشحون آن است سخن می‌گفت، گویی بزرگترین معصیت را مرتکب شده و کلمه «آخوند سیاسی» موازن با آخوند بی‌دین شده بود و اکنون نیز هست. (۱)

۱ - صحیفه امام - ج ۲۱ صفحات ۳۹۵ - ۳۹۳.



(۹)

«بزرگترین عید بشر»

بزرگترین عید بشر، روزی است که منجی آخرالزمان به میان ما انسان‌ها آمد تا جامعه بشری را از ظلم و ستم نجات دهد. روز نیمه‌شعبان، روز تولد آن منجی یگانه بزرگترین عید بشر است.

در این روز، (نیمه‌ی شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری) آن موعود الهی به دنیای پُر از ظلم و ستم ما آمد تا هیچ انسانی غم‌دیده نباشد، هیچ فقیری در جهان یافت نشود و هیچ جنگ و فساد و خونریزی و هیچ رفتار غیر انسانی در انسانها مشاهده نگردد.

اکنون از تولد آن منجی یگانه قریب دوازده قرن می‌گذرد ولی جهل بشر و تبلیغات سوء جهان‌خواران از دیرباز تاکنون مانع آگاهی بشر از آن وجود مقدّس شده و تا توانسته‌اند کوشیده‌اند او را از اذهان مردم خارج و سخنان بیهوده و انحراف‌کننده درباره‌اش بگویند.

آری ظالمین از دیرباز به منظور حفظ و حراست از ریاست و

خواستگاری‌های پست خود، همیشه با ظهور منجی بشر مخالف بوده و هستند و کوشیده‌اند آن وجود مقدّس را از اذهان مردم جهان خارج سازند زیرا شناخت مردم نسبت به آن گنج بی‌پایان علم و عصمت موجب یافتن این گنج از سوی آنان می‌شود و با یافتن آن، بساط ظلم و خودخواهی‌ها از صحنه زندگی بشر برچیده می‌گردد پس طبیعی است که هم اکنون اکثر مردم جهان ندانند آن منجی آخرین در بین آنان به طور ناشناس بسر می‌برد و این زندگی مخفیانه قریب دوازده قرنی را ستمکاران بر آن حضرت تحمیل کرده‌اند امید است روزی برسد که با نجات‌دهنده آسمانی خود آشنا و خواستار ظهور مقدّسش گردیم.

بزرگترین عید بشر

حضرت امام خمینی علیه السلام بزرگترین عید بشریت را روز ظهور منجی آخرالزمان دانسته و می فرمایند :

- این عید سعید پانزده شعبان را به همه مسلمین و به همه ملت ایران تبریک عرض می کنم، ماه شعبان ماه بزرگی است که در آن، در سوم آن، بزرگ مجاهد عالم بشریت متولد شد و در پانزده آن، حضرت مهدی موعود ارواحنا له الفداء پا به عرصه وجود گذاشت. و قضیه غیبت حضرت صاحب قضیه مهمی است که به ما مسائلی می فهماند. من جمله اینکه برای یک همچو کار بزرگی که در تمام دنیا عدالت به معنای واقعی اجرا بشود در تمام بشر نبوده کسی الا مهدی موعود، سلام الله علیه، که خدای تبارک و تعالی او را ذخیره کرده است برای بشر. هر یک از انبیا که آمدند، برای اجرای عدالت آمدند و مقصدشان هم این بود که اجرای عدالت را در همه عالم بکنند لکن موفق نشدند حتی رسول

ختمی صلى الله عليه وآله، که برای اصلاح بشر آمده بود و برای اجرای عدالت آمده بود و برای تربیت بشر آمده بود، باز در زمان خودشان موفق نشدند به این معنا و آن کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد. نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می‌فهمند که فقط قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت.

... اینکه این بزرگوار را طول عمر داده خدای تبارک و تعالی برای یک همچو معنایی، ما از آن می‌فهمیم که در بشر کسی نبوده است دیگر، قابل یک همچو معنایی نبوده است و بعد از انبیا که آنها هم بودند لکن موفق نشدند، کسی بعد از انبیا و اولیای بزرگ، پدران حضرت موعود، کسی نبوده است که بعد از این، اگر مهدی موعود هم مثل سایر اولیا به جوار رحمت حق می‌رفتند، دیگر در بشر کسی نبوده است که این اجرای عدالت را بکند، نمی‌توانسته و این یک موجودی است که ذخیره شده است برای یک همچو مطلبی.

و لهذا به این معنا عید مولود حضرت صاحب ارواحنا له الفداء بزرگترین عید برای مسلمین است و بزرگترین عید برای بشر است نه برای مسلمین.

اگر عید ولادت حضرت رسول ﷺ بزرگترین عید است برای مسلمین، از باب اینکه موفق به توسعه آن چیزهایی که می‌خواست توسعه بدهد نشد، چون حضرت صاحب سلام‌الله‌علیه این معنا را اجرا خواهد کرد و در تمام عالم، زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد به همه مراتب عدالت، به همه مراتب دادخواهی، باید ما بگوئیم که عید شعبان، عید تولد حضرت مهدی سلام‌الله‌علیه بزرگترین عید است برای تمام بشر. وقتی که ایشان ظهور کنند - ان شاء الله خداوند تعجیل کند در ظهور او - تمام بشر را از انحطاط بیرون می‌آورد، تمام کجی‌ها را راست می‌کند. لما الارض عدلاً بعد ما ملئت جوراً.

همچو نیست که این عدالت همان که ماها از آن می‌فهمیم که نه یک حکومت عادل باشد که دیگر جور نکند آن، این هست اما خیر، بالاتر از این معناست. معنی لما الارض عدلاً بعد ما ملئت جوراً الآن زمین و بعد از این، از این هم بدتر شاید بشود، پر از جور است، تمام نفوسی که هستند انحرافات در آنها هست. حتی نفوس اشخاص کامل هم در آن انحرافات هست ولو خودش نداند. در اخلاق‌ها انحراف هست، در عقاید انحراف هست، در اعمال انحراف هست و در کارهایی هم که بشر می‌کند انحرافش معلوم است و

ایشان مأمورند برای اینکه تمام این کجی‌ها را مستقیم کنند و تمام این انحرافات را برگردانند به اعتدال که واقعاً صدق بکند *يملأ الأرض عدلاً بعد ما ملئت جوراً*.

از این جهت، این عید، عید تمام بشر است بعد از اینکه آن اعیاد، اعیاد مسلمین است. این عید، عید تمام بشر است. تمام بشر را ایشان هدایت خواهند کرد ان شاء الله، و ظلم و جور را از تمام روی زمین برمی‌دارند به همان معنای مطلقش.

از این جهت، این عید، عید بسیار بزرگی است که به یک معنا از عید ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله که بزرگترین اعیاد است، این عید به یک معنا بزرگتر است.^(۱)

۱ - صحیفه امام ج ۱۲ صفحه ۴۸۲ - تاریخ ۵۹/۴/۷ (بمناسبت نیمه شعبان) بقیه سخنان حضرت امام علیه السلام در این سخنرانی که مطالب بسیار مهمی است در بخشهای آتی با عناوین مستقل خواهد آمد.



(۱۰) «راز طول عمر»

راز اصلی طول عمر حضرت ولی عصر علیه السلام یا به تعبیر امروزی
فلسفه آن چیست؟

در پاسخ باید بگوئیم :

اگر بنا بود آن حضرت نیز به سرنوشت اجداد طاهرینش مبتلا
گردد (به شهادت برسد) و خداوند مجدداً امامی دیگر را بجای ایشان
قرار دهد، چنین کاری بیهودگی و بازیچه بود.

توضیح آنکه : خداوند طبق برنامه از پیش تعیین شده، دین
همیشگی و کامل کننده و تصدیق کننده همه ادیان گذشته که - دیگر
هیچ چیز ناگفته برای زندگی بشر باقی نگذارد - را به نام اسلام به
بشریت عنایت فرموده و دوازده امام و جانشین برای پیامبر آخر الزمان
قرار داد تا دین کامل را به میدان عمل و زندگی مردم وارد و در جامعه

بشری اجراء نمایند و برنامه این بود که یازده تن از آنان، طی دو الی سه قرن مردم جهان را با تعالیم گسترده خود و با انجام معجزات، آماده شروع حکومت واحد جهانی به رهبری امام دوازدهم کنند.

حال که مردم قدر آنها را ندانسته و ایشان را یکی پس از دیگری به شهادت رساندند آیا باید خداوند اجازه دهد دوازدهمین آنان نیز به شهادت برسد و برنامه الهی بازیچه دست مردم شود؟

نه، هرگز، خداوند اجازه چنین کاری را نخواهد داد و یا باید بطور کلی عذاب بر انسانها نازل فرماید و زندگی را از کره زمین برچیند که اگر می خواست چنین کند از اول بنی آدم را نمی آفرید.

و یا آنکه بگذارد امام دوازدهم نیز به شهادت برسد و سپس امامی دیگر جای او را بگیرد و همان برنامه شهادت امامان معصوم مجدداً تکرار گردد که اینهم بازیچه و بیهودگی در کار خداوند تلقی شده و خداوند از بیهودگی منزّه است.

سوّمین راه آن است که جهت تنبیه و تربیت مردم، منجی عالم بشریت را موقتاً (تا هر وقت مردم او را بخواهند یا تا هر لحظه که خداوند صلاح بداند) در میان مردم (بطور ناشناس) حفظ نماید و به او عمر طولانی عنایت فرماید تا:

الف: مردم بدون حجت و رهبر نمانند و امام عجله بین آنان حضور داشته باشند، همین حضور ناشناس فواید بی شمار بهمراه دارد که یکی از آنها این است که بخاطر آن حضرت عذابی فراگیر بر

کره زمین نازل نمی شود.

ب: او زنده و حاضر بین مردم باشد تا هرگاه مردم تصمیم به پذیرش حکومت حق گرفتند و ظهور آن حضرت را خواستار شدند ایشان آماده قیام باشند و این بدان جهت است که مردم نگویند خدایا ما می خواستیم حکومت حق تشکیل شود ولی حجّت تو که باید آنرا رهبری نماید در میان ما نبود.^(۱)

ج: جامعه بشری قدری آزاد باشد تا سوزش هواهای نفسانی و آتش صفات رذیله و شیطانی را حس کند و دریابد که بدون منجی آخرالزمان نمی توان از فساد و ظلم رهایی یافت و دریابد که در تاریکی دوری از تعالیم انبیاء و حجّت پروردگار زندگی صحیح انسانی ممکن نیست همان طور که در شب تاریک بدون نور نمی توان قدم از قدم برداشت.

۱ - دعای ندبه: ولئلا یقول امر لو لا ارسلت...

راز طول عمر

امام خمینی علیه السلام در رابطه با طول عمر حضرت ولی عصر

ارواحنافداه به نکته‌ای ظریف اشاره نموده و می‌فرمایند:

- قضیه غیبت حضرت صاحب، قضیه مهمی است که

به ما مسائلی می‌فهماند، من جمله اینکه برای یک همچو

کار بزرگی که در تمام دنیا عدالت به معنای واقعی اجرا

بشود در تمام بشر نبوده کسی الا مهدی موعود، سلام الله علیه،

که خدای تبارک و تعالی او را ذخیره کرده است برای بشر.

...اینکه این بزرگوار را طول عمر داده خدای تبارک و

تعالی، برای یک همچو معنایی، ما از آن می‌فهمیم که در

بشر کسی نبوده است دیگر، قابل یک همچو معنایی

نبوده است و بعد از انبیا که آنها هم بودند لکن موفق

نشدند کسی بعد از انبیا و اولیای بزرگ، پدران حضرت



موعود، کسی نبوده است که بعد از این، اگر مهدی موعود هم مثل سایر اولیا به جوار رحمت حق می‌رفتند، دیگر در بشر کسی نبوده است که این اجرای عدالت را بکند، نمی‌توانسته و این یک موجودی است که ذخیره شده است برای یک همچو مطلبی.^(۱)

۱ - صحیفه امام ج ۱۲ صفحه ۴۸۱ سخنرانی حضرت امام علیه السلام به مناسبت نیمه شعبان تاریخ



(۱۱)

«او در بین ماست»

او در بین ماست.

او در میان ما حضور دارد.

آری امام زمان علیه السلام در بین هستند.

منجی جهان در جمع ما است.

او باید در میان ما باشد تا هیچگاه ما نتوانیم بگوئیم خدایا ما رهبر معصوم و نماینده‌ای از جانب تو نداشتیم تا از ظلم و ستم و دوری از تو رهایی یابیم.

او باید در میان ما باشد تا مردم یازده قرن گذشته تا امروز نگویند خدایا ما رهبری، نجات دهنده‌ای نداشتیم تا دچار از هم گسیختگی و جنگ و بدبختی نشویم و در صلح و صفا زندگی کنیم و به حال خود رها بودیم.

آری اگر او در میان ما نباشد به این معنی است که خداوند بشر را به حال خود رها کرده و راهنمایی برایشان قرار نداده است در حالی



که چنین چیزی حتی در یک ذره اتم که کوچکترین چیزها از نظر ماست، یافت نمی‌شود.

اگر او در میان ما نباشد مساوی است با به هم ریختن نظم اتم‌ها و کهکشان‌ها و همه رموز عالم هستی زیرا همه اینها راهنما و مدیر و هدایت کننده دارند جز جامعه بشری که اشرف و افضل از همه اینها است و همه آسمانها و زمین برای رفاه او خلق شده است.

اگر او در میان ما نباشد بدین معنی است که نزول قرآن بر آخرین پیامبر خدا بیهوده بوده و جامعه بشری پس از آخرین فرستاده خدا هیچ استفاده مؤثری از کلام الهی نکرده و نمی‌تواند بکند و خداوند کار خود را ناقص و ناتمام رها کرده است چرا که بدون وجود او هر کس حرفی در تفسیر قرآن می‌زند و آن را با نظر خود معنی می‌کند و به این ترتیب اختلاف بسیار در فهم کلام خدا پدید می‌آید و همین هفتاد و چند فرقه‌ای که در اسلام است اثر این اظهارنظرها و روی گرداندن بعضی از مسلمانان از جانشینان معصوم رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

اگر او در میان ما نباشد به این معنی است که قرآن بی سرپرست و بی کس مانده و خداوند کلام خود را بدون تفسیر در میان بشر باقی گذاشته است.

آری او در بین ماست.

او سرپرستی مهربان برای ماست.

او عالمترین خلق خدا و پاکترین آنهاست.

«دولت ناتوان»

بعضی فکر کرده‌اند منجی آخرالزمان اکنون در میان ما نیست و بعدها متولد خواهد شد.

در پاسخ می‌گوئیم اگر او منجی آخرالزمان است (که زمان ما آخرالزمان است) چرا بعدها به دنیا خواهد آمد، مگر هم اکنون جامعه بشری نجات دهنده نمی‌خواهد؟

آیا دولت قدرتمند الهی برای خاموش کردن آتشیهای فساد کره زمین که همه نوع بدی و زشتی و تیره‌روزی را برای بشر به ارمغان آورده، هیچ مأموری را در حال حاضر آماده اطفاء حریق نکرده است و مأمور و منجی از سوی او بعدها به دنیا خواهد آمد؟ (این مثال را در بخش پنجم مشروح‌تر بیان کردیم).

آیا خداوند متعال از قرار دادن یک نماینده معصوم در حال حاضر در کره زمین (العیاذ بالله) عاجز و ناتوان است که بشر امروز را به حال خود رها کرده و هیچ نجات دهنده‌ای (در سطح جهان) برایشان قرار ندهد؟

«چه کسی او را دیده است؟»

ولی با همه اینها ممکن است عده‌ای بگویند اگر امام زمان علیه السلام در میان ما بسر می‌برد چه کسی او را دیده است؟

پاسخ به این پرسش آسان‌ترین پاسخ برای ماست زیرا بقدری



تشرّف به محضر مقدّس آن حضرت که معجزات فراوانی در آنها به چشم می خورد نقل شده که هر انسانی با شنیدن این قضایا به حضور و وجود آن حضرت در میان جامعه بشری یقین پیدا می کند.

اگر بخواهیم این تشرّفات را نقل کنیم بالغ بر چندین جلد کتاب قطور می شود که بحمدالله عده ای از شیفتگان و نویسندگان از قدیم و جدید داستان تشرّف آنان که به خدمت آن حضرت رسیده اند را در کتابهایی چون "نجم الثاقب"، "ملاقات با امام زمان علیه السلام"، "تبصرة الولی"، "شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام" "ملاقات با امام عصر علیه السلام"، و دهها کتاب و نوشته دیگر منعکس نموده اند که اکنون در صدد شمارش و ذکر نام شریف آنها نیستیم.

او در بین ماست

حضرت امام علیه السلام در باره این مسأله مهمّ که منجی عالم بشریت حضرت مهدی ارواحنا فدا هم اکنون در میان جامعه بشری بصورت ناشناس حضور دارند تا خداوند اذن ظهور به ایشان عنایت فرماید می فرمایند -

ما مفتخریم که ائمه معصومین از علی بن ابی طالب گرفته تا منجی بشر، حضرت مهدی صاحب زمان علیهم آلاف التحیات والسلام که به قدرت خداوند قادر، زنده و ناظر امور است، ائمه ما هستند. (۱)

- اینکه این بزرگوار را طول عمر داده خدای تبارک و تعالی برای یک همچو معنائی... اگر مهدی موعود هم مثل سایر اولیاء به جوار رحمت حق می رفتند دیگر در بشر

۱ - وصیتنامه سیاسی الهی امام راحل علیه السلام. صحیفه امام علیه السلام ج ۲۱ صفحه ۳۹۶.



کسی نبوده است که این اجرای عدالت را بکند...^(۱)

... و ما باید در این طور روزها و در این طور ایّام اللّٰه
(نیمه شعبان) توجّه کنیم که خودمان را مهیا کنیم از برای
آمدن آن حضرت...^(۲)

... تمام دستگাহائی که الآن بکار گرفته شده‌اند در
کشور ما و امیدوارم که در سایر کشورها هم توسعه پیدا
بکند باید توجّه به این معنا داشته باشند که خودشان را
مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی سلام اللّٰه علیه.^(۳)

- ... یک کشور سی و چند میلیونی با اختلاف گروهها، با
اختلاف آمال و آرزوها، با اختلاف فهم و شعور آنها، همه با
هم مجتمع شدند و همه با هم دست به هم دادند و یک
مطلب را خواستند. این نیست الا اینکه دست غیبی در کار
است: خدای تبارک و تعالی به وسیله امام زمان سلام اللّٰه علیه،
[این تحول را در مردم پدید آورد] از آنوقت، یأس در من
هیچ وقت نبوده است.^(۴)

- با سپاس از خدای تبارک و تعالی که توفیق به ملت

۱ - صحیفه امام ج ۱۲ - صفحه ۴۸۱. ۲ - صحیفه امام ج ۱۲ - صفحه ۴۸۲.
۳ - صحیفه امام ج ۱۲ صفحه ۴۸۳. ۴ - صحیفه امام ج ۷ صفحه ۵۴.

داد و ملت را برانگیخت برای احقاق حق و این نبود جز هدایت خدای تبارک و تعالی و اعانت ولیّ امر صلوات الله و سلامه علیه و با اعانت ولیّ امر و هدایت ذات مقدّس حق تعالی... (۱)

- بحمدالله این کشور الآن در تحت عنایت حق تعالی و در تحت حمایت ولیّ عصر - سلام الله علیه - به مقامی رسیده است که می تواند راه خودش را طی کند... (۲)

- خداوندا... دعای خیر حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء را شامل حالمان گردان. (۳)

- ... نامه اعمال ما به حسب روایات عرضه می شود به امام وقت؛ امام زمان - سلام الله علیه - مراقب ما هستند. (۴)

- نامه اعمال ما می رود پیش امام زمان سلام الله علیه هفته ای دو دفعه (به حسب روایت).

... نکند که خدای نخواسته از من و شما و سایر دوستان ما و سایر دوستان امام زمان سلام الله علیه یک وقت چیزی صادر بشود که موجب افسردگی امام زمان سلام الله علیه

۱ - صحیفه امام ج ۷ صفحه ۱۵۳ مورخ ۵۸/۲/۷.

۲ - صحیفه امام ج ۱۷ صفحه ۲۴۱ مورخ ۶۱/۱۰/۲۶.

۳ - صحیفه امام ج ۲۰ صفحه ۲۰۱ مورخ ۶۵/۱۱/۱۶.

۴ - صحیفه امام ج ۱۷ صفحه ۴۹۲ مورخ ۶۳/۳/۲۱.

بشود. (۱)

- دفاتر را وقتی بردند خدمت ایشان و ایشان دید
شیعه‌های او - خوب شما شیعه او هستید، ما شیعه او
هستیم - شیعه او دارد این کار را می‌کند این ملائکه الله
که بردند پیش او، دید، سرشکسته می‌شود امام زمان
سلام الله علیه... (۲)

- رهبر همه شما و همه ما وجود مبارک بقیة الله است
باید ماها و شماها طوری رفتار کنیم که رضایت آن بزرگوار
را - که رضایت خداست - بدست بیاوریم. (۳)
- از نفس گرم ولی الله اعظم عجل الله تعالی فرجه می‌خواهم که
از خداوند تعالی تقاضا فرماید که همه ما و همه مقامات و
تمام ملت شریف را توفیق عمل به اسلام و قوانین اسلامی
عطا فرماید و تعجیل در ظهور بقیة الله روحی فداء نماید. (۴)

۱ - صحیفه امام ج ۸ صفحه ۳۹۲ مورخ ۵۸/۴/۱۲

۲ - صحیفه امام ج ۸ صفحه ۴۲۳ مورخ ۵۸/۴/۱۳

۳ - صحیفه امام ج ۱۴ صفحه ۱۴۰ مورخ ۵۹/۱۲/۴

۴ - صحیفه امام ج ۱۴ صفحه ۴۷۵ مورخ ۶۰/۳/۲۸



(۱۲)

«مقدمات فرج»

تاکنون بر یازده پله از نردبان نجات، قدم علمی گذاشته و اکنون با عنوان مقدمات فرج بر پله دوازدهم آن هستیم.

فایده مطالب یازده گانه گذشته آن بود که از نقطه صفر، ما - نوع انسان ها - را با منجی خویش آشنا ساخت و حتی حضور آن حضرت را به صورت زنده و حاضر ولی ناشناس در میان بشر نشان داد.

اکنون یک پرسش به ذهن می آید که اگر آن منجی در میان بشر به سر می برد پس چرا ظهور نمی کند و بشریت را از ظلم و ستم و فساد نجات نمی بخشد؟

پاسخ به سؤال فوق آن است که چون خداوند نمی خواهد بشر را مجبور به پذیرش حق نماید منتظر است مردم جهان - و لااقل شیعیان و معتقدین به حضور فیزیکی آن حضرت در میان بشر - ظهور

مقدّسش را طلب نموده و مقدمات فرج و حکومت او را فراهم کنند.

«مقدمات فرج»

ما در کتاب خورشید هدایت به طور مفصّل این مقدمات را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده‌ایم که فشرده‌ای از آنچه در این مجال لازم است را بازگو می‌کنیم.

به طور کلی باید بگوئیم بخشی از مقدمات فرج را - که شاید نود درصد آن را شامل می‌شود - خداوند متعال فراهم کرده است مانند تلاش چند هزار ساله پیامبران و فرستادن کتاب‌های آسمانی و آخرین کتاب آسمانی یعنی قرآن و بیان تمام قوانین علمی مورد نیاز بشر تا روز قیامت.

کمترین شرط برای تحقق حکومت واحد جهانی عادلانه به رهبری منجی آخرالزمان یک قانون صد درصد علمی از سوی خداوند است که بحمدالله این کار انجام شده و نقصی در آن مشاهده نمی‌شود.

تلاش پیامبرگرامی اسلام و نیز دوازده جانشین آن حضرت تا به امروز خصوصاً امام دوازدهم که قریب دوازده قرن منتظر رشد فکری مردم مانده و در این مدت طولانی نور علم و هدایت خویش را از پشت پرده به بشر رسانده بخش مهمی از این مقدمات است.

«عصر علمی بشر یا مقدمه ظهور»

مهم‌ترین قسمت در این بحث، مقدمات فراهم شده از سوی خداوند در عصر حاضر است که خود کتابی مستقل می‌طلبد.

توضیح آنکه: خداوند متعال در عصر حاضر بشر را با دنیای علم و پیشرفت‌های علمی در عرصه علوم مادی آشنا و زندگی انسان‌ها را به یکباره متحول و منقلب کرده است.

این انقلاب و تحوّل عظیم علمی موجب شده است افکار انسان‌ها از یک سو شیفته علم گردد و علم را محور ترقی و پیشرفت و رفاه و آسایش بداند و از سوی دیگر با قرار گرفتن علم در دست بشر تربیت نشده، آثار مرگبار علم که در دست انسان‌های خودخواه و دنیا دوست قرار گرفته بر همگان روشن گردد.

مردم جهان امروز که در آستانه عصر زندگی در حکومت منجی آخرالزمان قرار دارند باید از یک سو گوهر علم را شناخته، شیفته‌ی دریای علوم بی‌کران نمایند پروردگار شوند و بدانند علم - که این‌گونه زندگی بشر را متحول کرده - از جانب خدا است و خداوند تمامی علم و اقیانوس بی‌کران دانش را در اختیار حجّت خود قرار داده و به این وسیله مردم امروز بدون آنکه بدانند شیفته یک جزء از وجود مقدّس حجّت خدا که علم بی‌پایان اوست شده‌اند.

از سوی دیگر با قرار گرفتن در جهانی سراسر ظلم و تبعیض و حق‌کشی و مفسد بی‌شمار که تا حد انفجار هسته‌ای بشر را به نابودی



تهدید می‌کند، از ناپاکی و بی‌عدالتی متنفر و شیفته‌ی پاکی و ارزشهای انسانی شده‌اند که بحمدالله این هم جز دیگر از وجود مقدس حجت خدا است؛ انسانی که معدن پاکی و عصمت است. بنابراین مردم عصر حاضر شیفته علم و پاکی یعنی همان دو گوهر تشکیل دهنده منجی خویش و طبعاً شیفته آن بزرگوار شده و این بزرگترین مقدمه ظهور و پذیرش حکومت جهانی آن بزرگوار است.

«مقدماتی که بر عهده ما است»

و اما مقدماتی که بر عهده ما انسانها است آن است که آن حضرت را شناخته و به طور یکپارچه و حقیقی ظهورش را خواستار شویم.

از یک سو خود را از آنچه امام عصر - ارواحنا فداه - نمی‌پسندند دور و خود را اصلاح کرده و در صراط مستقیم دین قرار دهیم و از سوی دیگر بکوشیم جهانیان را با این عنصر حیات بخش آشنا و عطش به آن آب حیات را در آنان شدت بخشیده و تقاضای ظهور آن حضرت را اولین آرزوی زندگی و اولین دعای حقیقی آنان قرار دهیم. ان شاء الله.

مقدمات فرج

حضرت امام خمینی علیه السلام در باره فراهم نمودن مقدمات ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه می فرمایند:

- و امید آن است که مسلمانان و مستضعفان جهان بپاخیزند و داد خود را از مستکبران بگیرند و مقدمات فرج آل محمد صلی الله علیه و آله را فراهم نمایند.^(۱)

- از خداوند تعالی مسألت می‌کنم که ظهور ولی عصر سلام الله علیه را نزدیک فرماید و چشم‌های ما را به جمال مقدسش روشن، ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار، خدمت بکنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود.^(۲)

- ضرورت اسلام و قرآن تکلیف ما کرده است که باید

۱ - صحیفه امام ج ۱۸ - صفحه ۴۶۲ - تاریخ ۶۳/۳/۷ پیام امام به مناسبت گشایش اولین دوره مجلس شورای اسلامی.

۲ - صحیفه امام ج ۸ - صفحه ۳۷۴ - تاریخ ۵۸/۴/۱۲

برویم همه کار را بکنیم. امانمی توانیم بکنیم، چون نمی توانیم بکنیم باید او بیاید تا بکند، اما! ما باید فراهم کنیم کار را، فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت سلام الله علیه.^(۱)

- امید است آفتاب درخشان اسلام بر جهانیان نور افشاند و مقدمات ظهور منجی بشریت را فراهم آورد (و ماذلک علی الله بعزیز).^(۲)

- ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می شکنیم، و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می دهیم، و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح کل و امامت مطلق حق، امام زمان ارواحنا فداه هموار می کنیم...^(۳) خداوندا!... انقلاب اسلامی ما را به انقلاب مصلح کل متصل فرما.^(۴)

۱ - صحیفه امام ج ۲۱ - صفحه ۱۷.

۲ - صحیفه امام ج ۱۹ - صفحه ۱۴۶ - تاریخ ۶۳/۱۱/۲۲.

۳ - صحیفه امام ج ۲۰ - صفحه ۳۴۵ - تاریخ ۶۶/۵/۶.

۴ - صحیفه امام ج ۲۰ - صفحه ۳۴۷ - تاریخ ۶۶/۵/۶.

(۱۳)

«حکومت در عصر غیبت»

زمان ظهور منجی آخرالزمان، زمانی صد درصد نامعلوم و جز خداوند هیچکس از آن باخبر نمی باشد.

از سوی دیگر علت غیبت و خانه نشینی آن حضرت، عدم آمادگی و پذیرش حق از سوی مردم است.

نتیجه آنکه مردم عصر غیبت نمی دانند منجی حقیقی چه وقت ظهور خواهد کرد و آنان تا لحظه ظهور آن حضرت چه باید بکنند آیا باید هر کدام به سویی رفته و هیچ نظامی بر ایشان حاکم نباشد؟ قطعاً جواب منفی است و نبودن حکومت منجر به هرج و مرج و از هم گسیختگی جامعه می شود.

بنابراین ضرورت وجود حکومت یک ضرورت عقلی و فطری است و باید ببینیم حکومت عصر غیبت در دست چه کسی باید باشد.

طبیعی است که هر انسان عاقل و روشن فکری خواهد گفت: در

دست پاک‌ترین و داناترین فرد. کسی که نزدیک‌ترین انسان به حجت خدا در زمان غیبت باشد چرا که حکومت حقیقی از آن حجت خدا است که بر اساس علم بی‌نهایت حکم می‌کند و با معذور بودن آن حضرت از زندگی آشکار و پذیرش حکومت، این حق باید توسط آن حضرت تعیین گردد و او بفرماید که چه کسی زمام امور مردم را بر اساس دین کامل الهی در اختیار داشته باشد.

بر اساس حکم عقل و دستور آن حضرت، در زمان غیبت، فقهاء و متخصصین قوانین اسلام، آنان که از هواهای نفسانی به دور و دارای استقامت کامل و در صراط مستقیم دین قرار دارند و از هر جهت مطیع اوامر الهی می‌باشند، باید از طرف آن حضرت زمام امور مردم را در دست و نظم زندگی در عصر غیبت را بر اساس دین مقدس اسلام تنظیم نمایند.

«حکومت عصر غیبت مقدمه‌ای برای ظهور منجی»

البته نباید از خاطر دور داشت که یکی از علل قرار گرفتن حکومت در عصر غیبت به دست «فقیه تزکیه شده» و یا به تعبیر واضح‌تر «ولی فقیه» آن است که با نظارت و هدایت او، جامعه به سوی اصلاح و تربیت انسانی و اسلامی قدم بردارد و فرهنگ قوانین قرآن و راهنمایی‌های خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام افکار مردم را تحت تأثیر قرار داده آنان را تشنه حضور و ظهور امام معصوم نماید.

حکومت در عصر غیبت

حضرت امام ﴿علیه السلام﴾ بر تشکیل حکومت در زمان غیبت تاکید داشته و می فرمودند:

-... بارالها! تو عنایت فرمودی که خرداد خونین عصر طاغوت به خرداد حکومت اسلامی در کشور ولی الله الاعظم - ارواحنا المقدمه الفداء - تحول یابد. (۱)

- خداوند همه ما را از این قیدهای شیطانی رها فرماید تا بتوانیم این امانت الهی* را به سر منزل مقصود برسانیم و به صاحب امانت، حضرت مهدی موعود ارواحنا المقدمه الفداء رد کنیم. (۲)

- ما در انتظار رؤیت خورشیدیم. (۳)

- حضرت صاحب سلام الله علیه و ارواحنا فداء هم که تشریف

۱ - صحیفه امام ج ۱۷ - صفحه ۴۸۴ - تاریخ ۶۲/۳/۱۵.

* - جمهوری اسلامی.

۲ - صحیفه امام ج ۱۸ - صفحه ۴۷۱ - تاریخ ۶۳/۳/۷.

۳ - صحیفه امام ج ۲۰ - صفحه ۱۹۷ - تاریخ ۶۵/۱۱/۱۶.

می آورند برای همین معناست* ** . ان شاء الله علم را به دست صاحب علم بدهند... زندگی سیدالشهداء علیه السلام، زندگی حضرت صاحب سلام الله علیه زندگی همه انبیای عالم، همه انبیا از اول، از آدم تا حالا، همه شان این معنا بوده است که در مقابل جور، حکومت عدل را می خواستند درست کنند.^(۱)

- یک دسته دیگری بودند که می گفتند که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است. آنها مغرور بودند. آنهایی که بازیگر نبودند مغرور بودند به بعض روایاتی که وارد شده است بر این امر که هر علمی بلند بشود قبل از ظهور حضرت، آن علم، علم باطل است. آنها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد، در صورتی که آن روایات [اشاره دارد] که هر کس علم بلند کند علم مهدی، به عنوان مهدویت بلند کند [باطل است]. حالا ما فرض می کنیم که یک همچو روایاتی باشد، آیا معنایش این نیست که تکلیفمان دیگر ساقط است؟ یعنی خلاف ضرورت اسلام، خلاف قرآن نیست این معنا که ما دیگر معصیت بکنیم/ تا

* - اقامة عدل و امر به معروف و نهی از منکر.

** - رزمندگان باید.

۱ - صحیفه امام ج ۲۱ - صفحه ۴ و ۳ - تاریخ ۶۶/۱۲/۳۰.

پیغمبر بیاید/ تا حضرت صاحب بیاید؟ حضرت صاحب که تشریف می‌آورند برای چی می‌آیند؟ برای اینکه گسترش بدهند عدالت را، برای اینکه حکومت را تقویت کنند، برای اینکه فساد را از بین ببرند. ما بر خلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم، دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای اینکه حضرت بیایند؟ حضرت بیایند چه می‌کنند؟ حضرت می‌آیند می‌خواهند همین کارها را بکنند. الآن دیگر ما هیچ تکلیفی نداریم؟ دیگر بشر تکلیفی ندارد، بلکه تکلیفش این است که دعوت کند مردم را به فساد؟ به حسب رأی این جمعیت که بعضی‌شان بازیگرند و بعضی‌شان نادان، این است که ما باید بنشینیم دعا کنیم به صدام، هرکسی نفرین به صدام کند خلاف امر کرده است، برای اینکه حضرت دیر می‌آیند! و هرکسی دعا کند به صدام برای اینکه این فساد زیاد می‌کند، ما باید دعاگوی آمریکا باشیم و دعاگوی شوروی باشیم و دعاگوی اذنباشان از قبیل صدام باشیم و امثال اینها تا اینکه اینها عالم را پر کنند از جور و ظلم و حضرت تشریف بیاورند! بعد حضرت تشریف بیاورند چه کنند؟ حضرت بیایند که ظلم و جور را بردارند، همان کاری که ما می‌کنیم و ما دعا می‌کنیم که ظلم و جور باشد! حضرت



می‌خواهند همین را برش دارند.

ما اگر دستمان می‌رسید، قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم و جورها را از عالم برداریم، تکلیف شرعی ماست منتها ما نمی‌توانیم؛ اینی که هست این است که حضرت عالم را پرمی‌کند از عدالت، نه شما دست بردارید از تکلیفتان، نه اینکه شما دیگر تکلیف ندارید. ما تکلیف داریم که، اینی که می‌گوید حکومت لازم نیست معنایش این است که هرج و مرج باشد.

اگر یک سال حکومت در یک مملکتی نباشد، نظام در یک مملکتی نباشد، آن طور فساد پرمی‌کند مملکت را که آن طرفش پیدا نیست. آنی که می‌گوید حکومت نباشد معنایش این است که هرج و مرج بشود، همه هم را بکشند، همه به هم ظلم بکنند برای اینکه حضرت بیاید. حضرت بیاید چه کند؟ برای اینکه رفع کند این را.

این یک آدم عاقل، یک آدم اگر سَفیه نباشد، اگر مغرض نباشد، اگر دست سیاست این کار را نکرده باشد که بازی بدهد ماها را که ما کار به آنها نداشته باشیم، آنها بیایند هرکاری می‌خواهند انجام بدهند، این باید خیلی آدم نفهمی باشد. اما مسأله این است که دست سیاست در کار بوده. همان طوری که تزریق کرده بودند به ملتها، به

مسلمین، به دیگر اقشار جمعیت‌های دنیا که سیاست کار شماها نیست بروید سراغ کار خودتان و آن چیزی که مربوط به سیاست است بدهید به دست امپراطورها. خوب! آنها از خدا می‌خواستند که مردم غافل بشوند و سیاست را بدهند دست حکومت و به دست ظلمه، دست آمریکا، دست شوروی، دست امثال اینها و آنهایی که اذتاب اینها هستند و اینها همه چیز ما را ببرند، همه چیز مسلمانها را ببرند، همه چیز مستضعفان را ببرند و ما بنشینیم بگوییم که نباید حکومت باشد! این یک حرف ابلهانه است منتها چون دست سیاست در کار بوده، این اشخاص غافل را، اینها را بازی دادند و گفتند شما کار به سیاست نداشته باشید، حکومت مال ما، شما هم بروید در مسجدهایتان بایستید نماز بخوانید چه کار دارید به این کارها؟

اینهایی که می‌گویند که هر علمی بلند بشود و هر حکومتی خیال کردند که هر حکومتی باشد این برخلاف انتظار فرج است، اینها نمی‌فهمند چی دارند می‌گویند. اینها تزریق کرده‌اند بهشان که این حرفها را بزنند، نمی‌دانند دارند چی چی می‌گویند. حکومت نبودن یعنی اینکه همه مردم به جان هم بریزند، بکشند هم را، بزنند هم را، از بین ببرند، برخلاف نص آیات الهی رفتار بکنند. ما اگر



فرض می‌کردیم دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می‌زدیم برای اینکه خلاف آیات قرآن است.

اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر را بگوید نباید کرد، این را باید به دیوار زد، این گونه روایت قابل عمل نیست و این نفهمها نمی‌دانند چی می‌گویند، هر حکومتی باشد حکومت [باطل] است. بلکه شنیدم بعضی از اشخاص گفته‌اند که خوب با این وضعی که هست، الآن در ایران هست، دیگر ما نباید تهذیب اخلاق بکنیم دیگر غلط است این حرفها، چیزی نیست دیگر حالا، حتماً باید استاد اخلاق در یک محیطی باشد که همه مردم فاسدند! شراب خانه‌ها، همه بازند و (عرض می‌کنم که) جاهای فساد، همه بازند! اگر یک جایی باشد که خوب باشد، آنجا دیگر تهذیب اخلاق لازم نیست! نمی‌شود! باطل است! اینها یک چیزهایی است که اگر دست سیاست در کار نبود ابلهانه بود، لکن آنها می‌فهمند دارند چی می‌کنند، آنها می‌خواهند ما را کنار بزنند.

بله، البته آن پرکردن دنیا را از عدالت، آن را ما نمی‌توانیم [پیر] بکنیم، اگر می‌توانستیم می‌کردیم اما چون نمی‌توانیم بکنیم ایشان باید بیایند. الآن عالم پر از ظلم

است، شما یک نقطه هستید در عالم، عالم پر از ظلم است، ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم تکلیفمان است.

ضرورت اسلام و قرآن [است] تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم. اما نمی‌توانیم بکنیم، چون نمی‌توانیم بکنیم باید او بیاید تا بکند، اما ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت سلام الله علیه.

در هر صورت این مصیبت‌هایی که هست که به مسلمانها وارد شده است و سیاست‌های خارجی دامن بهش زده‌اند برای چاپیدن اینها و برای از بین بردن عزت مسلمین [است] و باورشان هم آمده است خیلیها، شاید الآن هم بسیاری باور بکنند که نه، حکومت نباید باشد، زمان حضرت صاحب باید بیاید حکومت. و هر حکومتی در غیر زمان حضرت صاحب باطل است؛ یعنی هرج و مرج بشود، عالم به هم بخورد تا حضرت بیاید درستش کند! ما درستش می‌کنیم تا حضرت بیاید.

ان شاء الله خداوند اصلاح کند اینها را و امیدوارم که خداوند این روز را بر همه ما، بر همه شما مبارک کند و

دست ظالمها را کوتاه کند و قدرت بدهد به ملت‌های مظلوم
برای سرکوب کردن ظالمها.^(۱)

شرایط رهبر جامعه اسلامی در عصر غیبت

امام امت در بارهٔ جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:
- پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که از دنیا می‌خواست تشریف ببرد
تعیین جانشین و جانشین‌ها را تا زمان غیبت کرد و همان
جانشین‌ها تعیین امام امت را هم کردند به طور کلی این
امت را به خود وانگذاشتند که متحیر باشند. برای آنکه
امام تعیین کردند، رهبر تعیین کردند، تا ائمه هدی سلام الله
علیهم بودند، آنها بودند و بعد فقها، آلهائی که متعهدند،
آلهائی که اسلام شناسند. آلهائی که زهد دارند، زاهدند،
آلهائی که اعراض از دنیا دارند. آلهائی که توجه به زرق و
برق دنیا ندارند. آلهایی که دلسوزند برای ملت، آلهائی که
ملت را مثل فرزندان خودشان می‌دانند آنها را تعیین کردند
برای پاسداری از این امت^(۲).

۱ - صحیفهٔ امام - ج ۲۱ - صفحه ۱۷ - ۱۴ - تاریخ ۶۷/۱/۱۴.

۲ - صحیفهٔ امام ج ۱۱ - صفحه ۲۲.



(۱۴)

«انقلاب اسلامی ایران

و
کشور صاحب الزمان (عج)»

آنچه جهان را هر روز بیش از گذشته به عصر ظهور منجی نزدیک می‌کند، علاوه بر تحوّل علمی و انقلاب صنعتی جهان در عصر حاضر، وجود یک یا چند پایگاه عظیم برای آشنا نمودن جهانیان با منجی آخرالزمان است که خداوند متعال در عصر حاضر این لطف را به بشر ارزانی داشته و با تحوّل عظیم و معجزه‌آسا در ایران، آن را به یک پایگاه عظیم برای معرفی منجی به جهان تبدیل نمود و دلیل این مطلب معجزاتی است که در این کشور رخ داده و حمایت‌های غیبی حجّت خدا در حوادث مختلف آن به قدری آشکار است که ابرقدرتهای شرق و غرب را به تحیّر واداشته و هر قدر آنان با این کشور مبارزه و در صدد نابودی‌اش بر آمدند، نتیجه‌ای به دست نیاورده، به شکلی که خود آنان از تحلیل مطلب عاجز و از مبارزه با

این کشور منصرف شده‌اند.

البته رسانه‌های تبلیغاتی شرق و غرب، اعتراف به پشتیبانی غیبی و الهی از این کشور نکرده و اگر می‌خواستند چنین کنند، نمی‌توانستند بر جهان حکومت کنند آنان دائماً سخنان پوچ خود را تکرار و همه چیز را از بُعد مادی و دنیایی تحلیل کرده، حوادث مختلفی که از تحلیلیش عاجزند را فراموش و چشم به قدرت خود و روزهای خیالی آینده دوخته‌اند. به چند نمونه از این حمایت‌های غیبی پروردگار از ایران یعنی کشور صاحب الزمان اشاره می‌کنیم.

اول: «پیروزی انقلاب اسلامی». هیچ کس تصور نمی‌کرد ملتی با دست خالی در برابر رژیم طاغوتی شاه که نماینده آمریکا در خاورمیانه و عظیم‌ترین قدرت نظامی در منطقه بود پیروز شود.

دوم: شکست حمله نظامی آمریکا در صحرای طبس به وسیله بادها و شن‌های روان که با هیچ تحلیل سیاسی و نظامی و ابرقدرتی قابل توجیه نبود مگر آن‌که تحلیل‌گران آن را یک حادثه عجیب خوانده و با حیرت از کنار آن گذشتند.

اگر بنا بود تحلیل‌گران مادی ابرقدرتها، حقیقت را ببینند، تاریخ سیاه قرنهای گذشته برای بشر پدید نمی‌آمد و امامان معصوم علیهم السلام کشته نمی‌شدند و امام عصر ارواحنفاذ غائب و خانه‌نشین نمی‌شد و شیطان بر تمام کره زمین حکومت نمی‌کرد.

آری چون - که ندیدند حقیقت ره افسانه زدند - باید چنین

بگویند و هر معجزه‌ای را انکار و آن را افسانه و یا خیالات یا... بدانند.
سوم: شکست ابرقدرتهای شرق و غرب در جنگی هشت ساله
با کشور صاحب الزمان.

آیا کسی می‌تواند این معجزه آشکار را تحلیل کرده و به عظمت
آن اعتراف نکند.

چگونه ممکن است قدرت‌های بزرگ مادی شرق و غرب از
رژیم مجهز عراق حمایت و او را در جنگی هشت ساله تجهیز نمایند
و کشورهای پولدار منقطه نیز او را حمایت کرده و همه و همه ایران را
منزوی و با آن سر سازش نداشته باشند و آنگاه تمامی معادلات در
این جنگ بر هم خورده و یک دنیا قدرت مادی از شکست دادن
جوانان و مردم با ایمان این کشور که به سلاحهای معمولی جنگی روز
نیز دسترس کافی نداشتند، عاجز گردد؟

آیا این معجزه صاحب الزمان نبود؟

آری در طول بیست و چند سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی،
همواره حوادث خارق العاده‌ای در این کشور رخ داده و نیرویی فوق
همه نیروهای مادی از منتظران ظهور منجی آخر الزمان و شیعیان
صاحب الزمان عجل الله فرجه حمایت کرده و قدرتهای مادی را در برابر خود
ناتوان کرده است.

انقلاب اسلامی ایران

و

کشور صاحب الزمان علیه السلام

حضرت امام علیه السلام پیرامون محتوای اصلی انقلاب اسلامی ایران و اینکه ایران کشور صاحب الزمان علیه السلام است چنین می فرمایند:

... ما منتظران مقدم مبارکش مکلف هستیم تا با تمام توان کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را در این کشور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه حاکم کنیم و از تفرقه و نفاق و دغلبازی بپرهیزیم و رضای خداوند متعال را در نظر بگیریم و همگان در مقابل قانون خاضع باشیم و با صلح و صفا و برادری و برابری به پیشبرد انقلاب اسلامی کوشا باشیم و حق متعال را در همه احوال حاضر و ناظر بدانیم و تخلف از دستورات اسلام ننمائیم و به وسوسه فتنه‌انگیزان

اعتنا نکنیم. (۱)

- باسپاس از خدای تبارک و تعالی که توفیق به ملت داد و ملت را برانگیخت برای احقاق حق و این نبود جز هدایت خدای تبارک و تعالی و اعانت ولیّ امر صلوات الله و سلامه علیه و با اعانت ولیّ امر و هدایت ذات مقدّس حق تعالی، برای ملت ما یک تحول بزرگ حاصل شد: تحول روحی، تحولی که نمی‌توانم من برای او اسمی بگذارم الاّ اینکه تحول معجزه‌آسا بود. (۲)

- بحمدالله این کشور الآن در تحت عنایت حق تعالی و در تحت حمایت ولیّ عصر - سلام الله علیه - به مقامی رسیده است که می‌تواند راه خودش را طی کند. و امیدوارم که غرور برای ما پیدا نشود و همیشه توجه به خدا و اینکه کارها را غیب دارد انجام می‌دهد و شما دعا کنید که به دست شما انجام بدهد. (۳)

- موجب سرفرازی امت اسلامی است که چنین

۱ - صحیفه امام ج ۱۴ - صفحه ۴۷۳ - تاریخ ۶۰/۲/۱۸.

۲ - صحیفه امام ج ۷ - صفحه ۱۵۳ - تاریخ ۵۸/۲/۷.

۳ - صحیفه امام ج ۱۷ - صفحه ۲۴۱ - تاریخ ۶۱/۱۰/۲۶.

فداکارانی دارد و اعجاب و تحیر دستگاههای جاسوسی و اطلاعاتی سراسر جهان است و این اعجاز جز به هدایت حق تعالی و عنایات خاصه ولی الله الاعظم - ارواحنا فداه - صورت نگرفته است.^(۱)

- دست توانای بقیة الله که یدالله است دستگیر شما.^(۲)

-... این کشوری که کشور ائمه هدی [علیهم السلام] و کشور صاحب الزمان سلام الله علیه است، کشوری باشد که تا ظهور موعود ایشان به استقلال خودش ادامه بدهد، قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد که عالم را انشاء الله به عدل و داد بکشد و از این جورهایی که بر مستضعفان می‌گذرد جلوگیری کند.^(۳)

من امیدوارم که همه خواهرها و برادرها و همه قشرهای این ملت و همه ما از خدمتگزاران به اسلام و ولی عصر - سلام الله علیه - باشیم، ما در یک مملکتی هستیم که

۱ - صحیفه امام ج ۱۷ - صفحه ۴۴۲ - تاریخ ۶۲/۲/۱۴.

۲ - صحیفه امام ج ۱۹ - صفحه ۱۴۹ - تاریخ ۶۳/۱۱/۲۲.

۳ - صحیفه امام ج ۱۴ - صفحه ۳۰۹ - تاریخ ۶۰/۱/۳۱.

مملکت ولی عصر است، و وظیفه آن‌هایی که در مملکت ولی عصر زندگی می‌کنند، یک وظیفه سنگین است. نمی‌توانیم ما لفظاً بگوئیم: ما در زیر پرچم ولی عصر سلام الله علیه هستیم، و عملاً در آن مسیر نباشیم. چنانچه نمی‌توانیم بگوییم که ما جمهوری اسلامی داریم، و عملاً آن طور نباشیم؛ اسلامی نباشیم.^(۱)

- ... با اتکال به خدای تبارک و تعالی و پشتیبانی صاحب این کشور امام زمان سلام الله علیه این مقصد را به آخر برسانید و خواهید رسانید.^(۲)

- بارالها! تو عنایت فرمودی که خرداد خونین عصر طاغوت به خرداد حکومت اسلامی در کشور ولی الله الأعظم ارواحنا المقدمه الفداء - تحوّل یابد.^(۳)

- شما* ایمان دارید، قلبهایتان با مبدأ نور و قدرت پیوند خورده است، پیوندی ناگسستنی، اما آنها این را نمی‌فهمند شما مورد نظر امام زمان هستید و از آنجا که

۱ - صحیفه امام ج ۸ - صفحه ۵۱۳ - ۱۲ شعبان ۱۳۹۹ - ۱۳۵۸/۴/۱۶.

۲ - صحیفه امام ج ۱۴ - صفحه ۳۳۰ - تاریخ ۶۰/۲/۱۰.

۳ - صحیفه امام ج ۱۷ - صفحه ۴۸۴ - تاریخ ۶۲/۳/۱۵.

* - رزمندگان.

ایمان و قدرت و امام زمان را دارید، همه چیز دارید.^(۱)

- خداوندا!... دعای خیر حضرت بقیة اللّٰه ارواحنا فداء را

شامل حالمان گردان.^(۲)

- من امیدوارم خداوند به برکات ائمه اطهار خصوصاً

حضرت صاحب سلام اللّٰه علیه که این مملکت مال اوست، [توفیق

بدهد که] این ملت کار خودش را پیش ببرد.^(۳)

- انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان

اسلام به پرچمداری حضرت حجّت ارواحنا فداء است خداوند

بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را

در عصر حاضر قرار دهد.^(۴)

- امید است که این انقلاب جرقه، و بارقه‌ای الهی باشد

که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به

طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیة اللّٰه ارواحنا المقدمه الفداء

منتهی شود.^(۵)

۱ - صحیفه امام ج ۱۹ - صفحه ۱۷۳ - تاریخ ۶/۱۲/۶۳.

۲ - صحیفه امام ج ۲۰ - صفحه ۲۰۱ - تاریخ ۱۶/۱۱/۶۵.

۳ - صحیفه امام ج ۲۰ - صفحه ۴۷۳ - تاریخ ۲۱/۱۱/۶۶.

۴ - صحیفه امام ج ۲۱ - صفحه ۳۲۷ - تاریخ ۲/۱/۶۸.

۵ - صحیفه امام ج ۱۵ - صفحه ۶۲.

- من امیدوارم که این کشور با همین قدرت که تا اینجا آمده است و با همین تعهد و با همین بیداری که از اول قیام کرده است و تا اینجا رسانده است، باقی باشد این نهضت و این انقلاب و قیام تا صاحب اصلی ان شاء الله بیاید و ما و شما و ملت ما امانت را به او تسلیم کند.^(۱)

- و من امیدوارم که ان شاء الله تعالی به برکت آن آستان مقدس،* جمهوری اسلامی همانطوری که تاکنون پیروزمندانه پیش رفته است از این به بعد هم پیش برود و این جمهوری اسلامی باقی باشد با اسلامیت خود تا وقتی که، زمانی که به حضور بقیة الله این جمهوری مشرف شود و مسائل را در خدمت ایشان حل کند.^(۲)

- خداوند همه ما را از این قیدهای شیطانی رها فرماید تا بتوانیم این امانت الهی (جمهوری اسلامی) را به سرمنزل مقصود برسانیم و به صاحب امانت، حضرت مهدی موعود ارواحنا المقدمه الفداء رد کنیم.^(۳)

۱ - صحیفه امام ج ۱۵ - صفحه ۳۸۵ - تاریخ ۶۰/۹/۳.

* - یعنی آستان مقدس حضرت علی بن موسی الرضا عجل الله.

۲ - صحیفه امام ج ۱۶ - صفحه ۳۸۷ - تاریخ ۶۱/۵/۳.

۳ - صحیفه امام ج ۱۸ - صفحه ۴۷۲ - تاریخ ۶۳/۳/۷.

... ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم، و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می‌دهیم، و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح کل و امامت مطلق حق، امام زمان ارواحنا فداء هموار می‌کنیم... خداوندا!... انقلاب اسلامی ما را به انقلاب مصلح کل متصل فرما. (۱)

- حضرت صاحب سلام الله علیه و ارواحنا فداء هم که تشریف می‌آورند برای همین معناست * * ان شاء الله علم را به دست صاحب علم بدهند... (۲)

- دست عنایت خدای تبارک و تعالی به سر این ملت کشیده شده است و ایمان آنها را تقویت فرموده است که یکی از علائم ظهور بقیة الله ارواحنا فداء است. (۳)

۱ - صحیفه امام ج ۲۰ - صفحه ۳۴۷ - ۳۴۵ - تاریخ ۶/۵/۶۶.

* - اقامه عدل و امر به معروف و نهی از منکر.

** - رزمندگان باید.

۲ - صحیفه امام ج ۲۱ - صفحه ۴ - ۳ - تاریخ ۳۰/۱۲/۶۶.

۳ - صحیفه امام ج ۱۶ - صفحه ۱۳۰ - تاریخ ۱/۱/۶۱.

- ما امروز دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان بیش از پیش می‌بینیم، و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امیدبخش آتیۀ روشن است و وعده خداوند تعالی را نزدیک و نزدیکتر می‌نماید. گویی جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه آمال محرومان و حکومت مستضعفان. (۱)

- سلام بر ملت بزرگ ایران که با فداکاری و ایثار و شهادت راه ظهورش را هموار می‌کنند. (۲)

۱ - صحیفه امام ج ۱۷ - صفحه ۴۸۰ - تاریخ ۶۲/۳/۱۵.

۲ - صحیفه امام ج ۲۱ - صفحه ۳۲۵ - تاریخ ۶۸/۱/۲ پیام به مناسبت نیمه شعبان.



(۱۵)

«در حضور او»

انسان وقتی خود را در حضور کسی بداند، خود را کنترل و از اعمال نامناسب پرهیز می‌کند.

اکنون باید بدانیم خداوند متعال به نمایندگی خود در زمین یعنی حضرت بقیة اللہ ارواحنافداه قدرت علمی بی‌نهایت عنایت فرموده که به وسیله آن می‌تواند ما را در همه حال ببیند و حتی آنچه در افکارمان می‌گذرد را نیز بداند.

هر انسانی برای ساخته شدن و به کمال رسیدن محتاج این احساس حضور می‌باشد و در اثر این حضور روحی، از اعمال ناپسند دوری و به اعمال شایسته روی می‌آورد.

حال اگر یکایک افراد جامعه خصوصاً مسئولین امور مردم چنین باشند، چه خواهد شد؟

آیا دیگر شاهد فساد اداری، مالی، اخلاقی و اجتماعی در سطح وسیع خواهیم بود؟

آیا مردم کشور صاحب الزمان نباید خود را در حضور آن حضرت
حس کنند و از انجام اعمالی که آن بزرگوار را ناخشنود می کند پرهیز
نمایند.

اگر دیگر مردم جهان چنین حضوری را حس نمی کنند، آیا ما هم
باید ایمان خود را رها کرده مانند آنان حضور امام زمان خود را
فراموش کنیم.

آیا خداوند لیاقت زمینه سازی برای ظهور آن حضرت را از ما
سلب نخواهد فرمود؟

آیا ما در برابر امام زمان علیه السلام که صاحب این کشورند مسئول
نیستیم؟

آیا می توانیم پاسخگوی خون شهدایی باشیم که به خاطر نام
صاحب الزمان به جبهه رفته و خون خود را فدای اسلام کردند؟
آری، این احساس حضور در محضر مبارک امام عصر ارواحنا فداه
انسان را بیمه و کشور صاحب الزمان را سالم نگه می دارد و با سلامتی
این کشور از فساد سیاسی، اجتماعی، اداری و مالی، بهترین
زمینه سازی برای ظهور منجی آخر الزمان را می توانیم در دنیا داشته
باشیم و جهانیان را شیفته اخلاق و رفتار اسلامی نمائیم.

در حضور او

امام خمینی علیه السلام پیرامون نظارت امام عصر ارواحنفاً بر اعمال روزانه ما می فرمایند:

- پیغمبر اکرم توجه به این ملت دارد. تمام ذرات کارهای ما تحت نظر خدای تبارک و تعالی است و نامه اعمال ما به حسب روایات عرضه می شود به امام وقت؛ امام زمان - سلام الله علیه - مراقب ما هستند. (۱)

- نامه اعمال ما می رود پیش امام زمان سلام الله علیه هفته ای دو دفعه به حسب روایت. من می ترسم که مایی که ادعای این را داریم که تبع این بزرگوار هستیم، شیعه این بزرگوار هستیم اگر نامه اعمال را ببیند و - می بیند تحت مراقبت خداست - نعوذ بالله شرمنده بشود... من خوف این را دارم که کاری ما بکنیم که امام زمان سلام الله علیه پیش خدا شرمنده بشود. اینها شیعه های تو هستند، دارند این کار را می کنند.

۱ - صحیفه امام ج ۱۷ - صفحه ۴۲۹ - تاریخ ۶۲/۳/۲۱.

نکنید یک وقت نکند یک وقت خدای نخواسته یک کاری از ماها صادر بشود که وقتی نوشته برود، نوشته‌هایی که ملائکة الله مراقب ما هستند، رقیب هستند، هر انسانی رقیب دارد و مراقبت می‌شود، ذره‌هایی که بر قلبهای شما می‌گذرد رقیب دارد، چشم ما رقیب دارد، گوش ما رقیب دارد، زبان ما رقیب دارد، قلب ما رقیب دارد، کسانی که مراقبت می‌کنند اینها را، نکند که خدای نخواسته از من و شما و سایر دوستان ما و سایر دوستان امام زمان سلام الله علیه یک وقت چیزی صادر بشود که موجب افسردگی امام زمان سلام الله علیه بشود. (۱)

- دفاتر را وقتی بردند خدمت ایشان و ایشان دید شیعه‌های او (خوب شما شیعه او هستید، ما شیعه او هستیم) شیعه او دارد این کار را می‌کند، این ملائکة الله که بردند پیش او دید، سرشکسته می‌شود امام زمان. بیدار بشوید که مسأله خطرناک است و خطر هم خطر شخص نیست، خطر ملت نیست، خطر اسلام است. (۲)

- ... اولیای خدا و خدای تبارک و تعالی مراقب ما هستند. ما «رقیب» داریم. خدای تبارک و تعالی رقیب ما هست. «ملائکة الله» رقیب ما هستند. یعنی پاسداری از ما

۱ - صحیفه امام ج ۸ صفحه ۳۹۲ و ۳۹۱. ۲ - صحیفه امام ج ۸ صفحه ۴۲۳.

می‌کنند. مبادا یک وقتی نامه عمل شما برود پیش امام زمان - سلام‌الله‌علیه - و آنجا گفته بشود به امام زمان که این هم پاسدارهای شما و ایشان سرشکسته بشود.

آقا مسأله مهم است. قضیه، قضیه کشت و کشتار نیست. قیام و نهضت ما، نهضت یک رژیم طاغوتی نیست. قیام و نهضت ما یک نهضت انسانی است، یک نهضت اسلامی است. ما به کتاب و سنت می‌خواهیم عمل بکنیم. شما به کتاب و سنت باید عمل بکنید. اگر یکوقت نامه عمل یک روحانی را بردند و [به] امام زمان - سلام‌الله‌علیه - دادند و آن ملائکه‌اللهی که بردند دادند گفتند که این هم روحانی شماست، اینها هم پاسداران اسلام شما، و امام زمان خجالت بکشد «نعوذ بالله»، او علاقه دارد به شما.

شما ببینید اگر این آقا خودشان خیلی منزّه است از پسرشان یک [خلاف] صادر بشود، خودشان سرافکنده می‌شوند. اگر از خادمشان یک [خلاف] صادر بشود، خودشان سرافکنده می‌شوند. ما همه خادم هستیم. از ما توقع هست. از شما توقع هست.^(۱)

۱ - صحیفه امام ج ۸ ص ۳۷۱ - تاریخ ۵۸/۴/۱۲ - ۸ شعبان ۱۳۹۹.



(۱۶)

«رهبر ما»

جهان باید بداند که انقلاب ما، رهبر ما، مسئولین نظام ما و مردم عزیز ما یک رهبر خانه نشین دارند که در انتظار بسر می برد.
رهبری که مراجع تقلید و مقام معظم رهبری و همه مردم، خود را سرباز و فدایی آن حضرت می دانند.
آری رهبر حقیقی ما اوست و حمایت های غیبی اوست که ما را حفظ و از طمع دشمنان دور کرده است.



رهبرِ ما

- رهبر همه شما و همه ما وجود مبارک بقیة الله است.
 باید ماها و شماها طوری رفتار کنیم که رضایت آن بزرگوار
 را - که رضایت خداست - به دست بیاوریم. (۱)
 - از نفس گرم ولی الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه می خواهیم
 که از خداوند تعالی تقاضا فرماید که همه ما و همه
 مقامات و تمام ملت شریف را توفیق عمل به اسلام و
 قوانین اسلامی عطا فرماید و تعجیل در ظهور بقیة الله
 روحی فداه نماید. (۲)

- اگر سرّ (لیلة القدر) و سرّ (نزول ملائکه) در شبهای
 قدر که - الآن هم برای ولی الله الاعظم حضرت صاحب
 سلام الله علیه این معنا امتداد دارد - سرّ اینها را ما بدانیم، همه

۱ - صحیفه امام ج ۱۴ - صفحه ۱۴۰ - تاریخ ۵۹/۱۲/۴.

۲ - صحیفه امام ج ۱۴ - صفحه ۴۷۵ - تاریخ ۶۰/۳/۲۸.

مشکلات ما آسان می شود. (۱)

- خداوندا! دعای خیر حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را شامل
حالمان گردان. (۲)

- هرچه هست از اسلام است و از برکات وجود مبارک
حضرت بقیة الله. ما، همه ما، چیزی نیستیم. (۳)

-
- ۱ - صحیفه امام ج ۱۹ - صفحه ۲۸۵ - تاریخ ۶۴/۳/۳۰
 - ۲ - صحیفه امام ج ۲۰ - صفحه ۲۰۱ - تاریخ ۶۵/۱۱/۱۶
 - ۳ - صحیفه امام ج ۲۰ - صفحه ۲۹۱ - تاریخ ۶۶/۴/۸



(۱۷)

«تنها او می تواند»

آری، تنها او می تواند دنیا را سرشار از صلح و صفا و عدالت و محبت نماید زیرا کلید برقراری صلح جهانی را خداوند تنها در اختیار او قرار داده است.

آیا می دانید چرا؟

زیرا این کلید، رمزی علمی است که هر کسی نمی تواند آن را به دوش کشد و زیر بار آن کمر خم می کند و فوراً می شکند همانگونه که تاکنون مدعیان برقراری صلح و عدالت چون مورچه ای بوده اند که بخواهد کره زمین را حرکت دهد.

ایجاد صلح و عدالت حقیقی در جهان سه شرط دارد:

۱ - علم متصل به علم پروردگار و آگاهی از تمام حقایق جهان هستی و رموز علمی آن تا بر اساس این علم بی کران بتوان تمامی مشکلات را از سر راه برداشت و راه های سعادت مادی و معنوی را به روی تمامی افراد بشر گشود.

۲ - عصمت از خطا و لغزش، تا ضامنی حقیقی برای حاکمیت عدل و داد در جهان فراهم آید.

۳ - قدرت برقراری صلح و عدالت و فضیلت در تمامی نقاط جهان.

سه شرط فوق را هر کس دارا بود، قادر به ایجاد حکومت جهانی عادلانه در جهان است و نقص رهبر آن حکومت در هر یک از سه شرط فوق مساوی با عجز او در انجام این امر و شکست او و در نتیجه حاکمیت شیطان بر بسیاری از نقاط جهان است.

تنها خداوند متعال قادر است انسانی کامل بیافریند که سه شرط فوق را دارا باشد و خداوند چنین قدرتی را در اختیار انسان غیر معصوم قرار نمی دهد انسانی که در عصر حاضر با دست یابی به قطره ای از قدرت علمی نهفته در جهان آفرینش، زندگی تمام کره زمین را تهدید و جهانیان را در ناامنی و وحشت از انفجارات هسته ای قرار داده است تا از زورگویی هواپرستان و طاغوتیان اطاعت، و بندگی غیرمستقیم یا مستقیم آنان را کرده و قوانین الهی را از زندگی بشر فراموش و خارج گرداند.

بنابراین تنها یک انسان معصوم از جانب پروردگار چنین قدرتی را دارا و تنها اوست که خواهد توانست جهان را پُر از عدل و داد کند.



تنها او می‌تواند

حضرت امام علیه السلام پیرامون این حقیقت که تنها حضرت ولی عصر علیه الصلاة والسلام می‌توانند عدالت را در تمام جهان پیاده کنند می‌فرمایند:

« ما اگر دستمان می‌رسید، قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم و جورها را از عالم برداریم، تکلیف شرعی ماست منتها ما نمی‌توانیم اینی که هست این است که حضرت عالم را پر می‌کند از عدالت، نه شما دست بردارید از تکلیفتان، نه این که شما دیگر تکلیف ندارید.^(۱)»

« البته آن پر کردن دنیا را از عدالت، آن را ما نمی‌توانیم [پُر] بکنیم، اگر می‌توانستیم می‌کردیم اما چون نمی‌توانیم بکنیم ایشان باید بیایند. الآن عالم پر از ظلم است، شما یک نقطه هستید در عالم. عالم پر از ظلم است. ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم، تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن [است] تکلیف ما کرده است که باید

۱ - صحیفه امام ج ۲۱ - صفحه ۱۵.

برویم همه کار را بکنیم. اما نمی‌توانیم بکنیم، چون نمی‌توانیم بکنیم باید او بیاید تا بکند، اما! باید فراهم کنیم کار را، فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت سلام الله علیه. (۱)

- (۲) و قضیه غیبت حضرت صاحب، قضیه مهمی است که به ما مسائلی می‌فهماند، من جمله اینکه برای یک همچو کار بزرگی که در تمام دنیا عدالت به معنای واقعی اجرا بشود در تمام بشر نبوده کسی الا مهدی موعود سلام الله علیه، که خدای تبارک و تعالی او را ذخیره کرده است برای بشر. هر یک از انبیا که آمدند، برای اجرای عدالت آمدند و مقصدشان هم این بود که اجرای عدالت را در همه عالم بکنند لکن موفق نشدند. حتی رسول ختمی صلی الله علیه و آله که برای اصلاح بشر آمده بود و برای اجرای عدالت آمده بود و برای تربیت بشر آمده بود، باز در زمان خودشان موفق نشدند به این معنا و آن کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد

۱ - صحیفه امام ج ۲۱ - صفحه ۱۷ و ۱۶.

۲ - این قسمت از سخنان حضرت امام علیه السلام قبلاً در عنوان بزرگترین عید بشر آمده و نقل آن در اینجا به جهت ارتباط مستقیم با عنوان تنها او می‌تواند و تحلیل علمی آن می‌باشد.

کرد، نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می‌فهمند که فقط قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت. انسان اگر هر انحرافی پیدا کند، انحراف عملی، انحراف روحی، انحراف عقلی، برگرداندن این انحرافات را به معنای خودش این ایجاد عدالت است در انسان. اگر اخلاقش اخلاق منحرفی باشد، از این انحراف وقتی به اعتدال برگردد، این عدالت در او تحقق پیدا کرده است. اگر در عقاید یک انحرافات و کجی‌هایی باشد، برگرداندن آن عقاید کج به یک عقیده صحیح و صراط مستقیم، این ایجاد عدالت است در عقل انسان. در زمان ظهور مهدی موعود سلام‌الله‌علیه که خداوند ذخیره کرده است او را از باب اینکه هیچ کس در اولین و آخرین، این قدرت برایش نبوده است و فقط برای حضرت مهدی موعود بوده است که تمام عالم را، عدالت را در تمام عالم گسترش بدهد و آن چیزی که انبیا موفق نشدند به آن با اینکه برای آن خدمت آمده بودند، خدای تبارک و تعالی ایشان را ذخیره کرده است که همان معنایی که همه انبیا آرزو داشتند، لکن موانع، اسباب این شد که نتوانستند اجرا بکنند، و همه اولیا آرزو داشتند و موفق نشدند که اجرا بکنند، به دست این بزرگوار اجرا بشود. اینکه این بزرگوار

را طول عمر داده خدای تبارک و تعالی برای یک همچو معنایی، ما از آن می‌فهمیم که در بشر کسی نبوده است دیگر، قابل یک همچو معنایی نبوده است و بعد از انبیا که آنها هم بودند لکن موفق نشدند، کسی بعد از انبیا و اولیای بزرگ، پدران حضرت موعود، کسی نبوده است که بعد از این، اگر مهدی موعود هم مثل سایر اولیا به جوار رحمت حق می‌رفتند، دیگر در بشر کسی نبوده است که این اجرای عدالت را بکند، نمی‌توانسته و این یک موجودی است که ذخیره شده است برای یک همچو مطلبی، و لهذا به این معنا عید مولود حضرت صاحب ارواحنا لله الفدا بزرگترین عید برای مسلمین است و بزرگترین عید برای بشر است نه برای مسلمین. ^(۱)

- من امیدوارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم، و متصل بشود این نهضت به نهضت بزرگ اسلامی و آن نهضت ولی عصر سلام الله علیه هست. ^(۲)

- ما در انتظار رؤیت خورشیدیم. ^(۳)

- واقعاً دنیا الآن یک مرضی دارد، مرض مزمنی دارد که

۱ - صحیفه امام ج ۱۲ - صفحه ۴۸۱ - تاریخ ۵۹/۴/۷
 ۲ - صحیفه امام ج ۱۲ - صفحه ۴۳۰ - تاریخ ۵۹/۳/۲۰
 ۳ - صحیفه امام ج ۲۰ - صفحه ۱۹۷ - تاریخ ۶۵/۱۱/۱۶

خوب شدنش به این چیزها نمی‌تواند باشد، دنیا علیل است.... یکی می‌خواهد که بیاید احیا کند این افکار را. من امیدوارم که ان شاءالله حضرت بقیةالله زودتر تشریف بیاورند و این طبیب واقعی بشر، با آن دم مسیحایی خود اصلاح کند اینها را. (۱)

- ما دنیایمان یک همچو دنیایی است. مدعی‌ها خیلی زیاد ولیکن واقعیت همین است که همه می‌بینیم و می‌بینید و تا چه وقت بشود که یک همچو مطلبی منعکس بشود و منقلب بشود. البته انقلاب کلی‌اش با ظهور امام زمان سلام‌الله‌علیه است ولی خوب ما تکلیف داریم، این درست است، اما ما تکلیف داریم. (۲)

۱ - صحیفه امام ج ۱۷ - صفحه ۳۰ تاریخ ۶۱/۷/۱۱.

۲ - صحیفه امام ج ۱۸ - صفحه ۲۶۸ - تاریخ ۶۲/۱۰/۱.



(۱۸)

«مجری قانون»

عنوان «مجری قانون» برای آن بود که اولاً تهمت آنان که حضرت امام خمینی قدس سره را متهم به سخن ناروا کردند تکذیب گردد و ثانیاً مقام حضرت ولی عصر علیه السلام به عنوان «مجری قانون» شناخته شود.

توضیح آنکه: پس از پیروزی انقلاب اسلامی امام خمینی قدس سره در سخنان ارزشمند خود پیرامون عظمت و شخصیت جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام که: «تنها آن حضرت می تواند عدل و داد را در جهان حاکم نماید»، عده ای نافهم، سخنان آن بزرگوار را تحریف نموده و مدعی شدند امام خمینی (ره) گفته است حضرت مهدی علیه السلام شریعت اسلام را تکمیل می کند.

لذا بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران با تکذیب این تهمت ناروا به صراحت اعلام فرمودند که ما فقط معتقدیم حضرت مهدی علیه السلام قانون کامل الهی را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای بشر آورده و تاکنون امکان



اجرای آن فراهم نشده است، اجرا می فرماید و او تنها «مجری قانون» اسلام است نه آورنده و تکمیل کننده شریعت، مگر شریعت اسلام ناقص بوده است که آن حضرت آن را تکمیل کند؟

ما معتقدیم خداوند «دین کامل» خود را توسط آخرین پیامبرش به جهانیان عرضه کرد تا پس از آن حضرت جانشینان معصومش آن را به عنوان «مجریان معصوم» در جامعه اجرا کنند که متأسفانه چنین نشد و امکان این امر فراهم نگشت.

آری، مقام مقدّس امام عصر ارواحنا فداه، مقام اجرایی قانون کامل الهی برای زندگی بشر است که توسط پیامبران و آخرین پیامبر به بشر عرضه شد ولی ریاست طلبان و خودخواهان مانع اجرای آن شدند.

مجری قانون

امام خمینی علیه السلام از حضرت ولی عصر ارواحنا فداه به عنوان اجرا کننده برنامه انبیاء علیهم السلام یاد کرده و می فرمایند:
- انبیا موفق نشده اند اجرا کنند مقاصد خودشان را و خداوند در آخر زمان کسی را می آورد که اجرا کند مسائل انبیاء را. (۱)

- ما حضرت مهدی علیه السلام را یکی از افرادی می دانیم که تابع اسلام است، تابع پیغمبر اسلام است، لکن تابعی است که نور چشم پیغمبر اسلام است و اجرا می کند آن مطالبی را که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است. (۲)

۱ - صحیفه امام ج ۱۳ - صفحه ۹۷ - تاریخ ۵۹/۵/۲۰

۲ - صحیفه امام ج ۱۳ - صفحه ۹۷ - تاریخ ۵۹/۵/۲۰



(۱۹)

معنی انتظار و تکلیف منتظران

خلاصه‌ی آنچه در این باره می‌توان اظهار داشت در روایت زیبایی از امام صادق علیه الصلاة والسلام چنین بیان شده است: آن حضرت فرمود:

”هرکس مشتاق آن است که از اصحاب حضرت قائم علیه السلام باشد باید در عین آنکه پیوسته چشم به راه آن حضرت و ظهور مقدّس اوست، دارای ورع باشد (یعنی از امور بیهوده و گناهان و آنچه مربوط به او نیست پرهیز کند) پس اگر او در چنین وضعیتی فوت کرد و حضرت ولی عصر علیه السلام را ندید و آن حضرت پس از فوت او ظهور فرمود، پاداش او مانند کسی است که آن حضرت را درک نماید.

پس ای دوستان و معتقدین و شیفتگان آن حضرت که رحمت الهی شما را فرا گرفته (این دو محور را اساس کار خود قرار دهید یعنی) هم در تزکیه نفس خود بکوشید و هم حالت انتظار حقیقی را

در خود ایجاد نمائید گوارا باد بر شما این لطف مخصوص^(۱) و خلاصه آنکه، تکلیف منتظران آن است که در عین انتظار خود را از اخلاق غیرانسانی دور کرده و نفس خود را به صفات شایسته و امام زمانی بیارایند.

انسان تا در راه تهذیب نفس قدم برندارد و در رفع صفات رذیله کوشش نکند موفق به ترویج و تبلیغ نام آن حضرت نخواهد شد زیرا امام عصر ارواحنا فداه برای تبلیغ و ترویج نام خود از هر کسی کمک نمی‌گیرند. همانطور که جدّ بزرگوارشان حضرت سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَام در راه کربلا از شخصی که حاضر نشد به آن حضرت ملحق شود و تنها اسب گرانباشتش را تقدیم کرد، کمک نگرفت و حتی اسب قیمتی او را قبول نفرمود و با برگرداندن صورت مبارکش از او فرمود: من از گمراهان و گمراه کنندگان کمک نمی‌گیرم و آنانرا یاور خود قرار نمی‌دهم.^(۲)

در عین حال انسان باید بکوشد با بردن نام آن حضرت خود را از شرّ نفس طغیان‌گر نجات دهد.
نام آن حضرت پربرکت است.
یاد آن حضرت آرامش بخش است.

۱ - مکیال ج ۲/۳۰۵. عن الصادق عَلَيْهِ السَّلَام: من سره ان یکون من اصحاب القائم، فلیتظر ولیعمل بالورع ومحاسن الاخلاق وهو منتظر، فان مات وقام القائم عَلَيْهِ السَّلَام بعده، کان له من الاجر مثل اجر من ادرکه، فجددوا وانتظروا، هنیا لکم ایته العصابة المرحومه.

۲ - بحار الانوار ج ۴۴ ص ۳۱۰.



یاد او یاد خداست و انسان را از خطا باز می‌دارد.

آنکه بیاد اوست می‌کوشد اخلاقش را چون اخلاق آن حضرت مهربان، صمیمی، دور از هرگونه تکبر و کینه‌توزی، محبت به مردم، احترام گذاشتن به مردم و بدگمان نبودن به آنان و آراسته به دهها صفت دیگر قرار دهد.

و اینک بر منتظران آن حضرت است که در درجهٔ اول خود را از صفات رذیله تزکیه کرده و در عین حال در بُعد اجتماعی بکوشند حرکتی یکپارچه و موجی از توجه معنوی به سوی امام عصر ارواحنا فداه در جامعه خود و جامعه جهانی ایجاد کنند.

ما در کتاب "راهی بسوی نور" بطور مشروح از تکالیف شخصی یک منتظر که در قالب (ارتباط روحی با امام عصر ارواحنا فداه) گنجانده شده، سخن گفته‌ایم که طالبین می‌توانند به آن کتاب مراجعه فرمایند.

معنی انتظار و تکلیف منتظران

حضرت امام علیه السلام در باره معنی انتظار فرمودند :

- نگوئید بگذار تا امام زمان علیه السلام بیاید شما نماز را هیچوقت می گذارید تا وقتی امام زمان علیه السلام آمد بخوانید؟ حفظ اسلام واجب تر از نماز است. منطق حاکم خمین را نداشته باشید که می گفت : (باید معاصی را رواج داد تا امام زمان علیه السلام بیاید. اگر معصیت رواج پیدا نکند حضرت ظهور نمی کند!) اینجا ننشینید فقط مباحثه کنید، بلکه در سایر احکام اسلام مطالعه کنید، حقایق را نشر دهید، جزوه بنویسید و منتشر کنید. البته مؤثر خواهد بود. من تجربه کرده ام که تأثیر دارد. (۱)

- من امیدوارم که همه خواهرها و برادرها و همه

۱- کتاب ولایت فقیه چاپ هشتم خرداد ۷۸ - صفحه ۵۸.



قشرهای این ملت و همه ما از خدمتگزاران به السلام و ولی عصر - سلام الله علیه - باشیم، ما در یک مملکتی هستیم که مملکت ولی عصر است، و وظیفه آن‌هایی که در مملکت ولی عصر زندگی می‌کنند، یک وظیفه سنگین است. نمی‌توانیم ما لفظاً بگوئیم: ما در زیر پرچم ولی عصر سلام الله علیه هستیم، و عملاً در آن مسیر نباشیم. چنانچه نمی‌توانیم بگوییم که ما جمهوری اسلامی داریم، و عملاً آن طور نباشیم؛ اسلامی نباشیم.^(۱)

- من امیدوارم که انشاءالله برسد روزی که آن وعده مسلم خدا تحقق پیدا کند و مستضعفان مالک ارض بشوند. این مطلب وعده خداست و تخلف ندارد، منتها آیا ما درک کنیم یا نکنیم، آن به دست خداست. ممکن است در یک برهه کمی وسایل فراهم بشود و چشم ما روشن بشود به جمال ایشان. این چیزی که ما در این وقت، در این عصر وظیفه داریم، این مهم است. همه انتظار داریم وجود مبارک ایشان را، لکن با انتظار تنها نمی‌شود،^(۲) بلکه با

۱ - صحیفه امام ج ۸ - صفحه ۵۱۳ - ۱۲ شعبان ۱۳۹۹ - ۱۳۵۸/۴/۱۶.

۲ - روشن است که این سخن حضرت امام علیه السلام اشاره به کسانی است که از انتظار مفهوم درستی را برداشت نکرده و به جهت کج فهمی یا صفت رذیله تنبلی و بیحالی هیچ تلاشی برای ظهور امام عصر ارواحنا فداه انجام نمی‌دهند و دست روی دست گذاشته می‌گویند بگذار خود امام زمان علیه السلام بیاید و کارها را درست کند.

وضعی که بسیاری دارند، انتظار نیست. ما باید ملاحظه وظیفه فعلی شرعی - الهی خودمان را بکنیم و باکی از هیچ امری از امور نداشته باشیم. (۱)

... نمی شود یک دفعه کارها درست بشود و هیچ خلافی واقع نگردد. در زمان خود پیامبر و حضرت امیر هم خلاف واقع می شد. باید جهات مثبت را نگاه کرد نه جهات منفی را. و ما نباید توقع داشته باشیم که صبح کنیم در حالی که همه چیز سر جای خودش باشد. در زمان حضرت صاحب سلام الله علیه هم که ایشان با تمام قدرت می خواهند عدل را اجرا نمایند، با این ترتیب نمی شود که هیچ کس حتی خلاف پنهانی هم نکند. و بالاخره همانها هم که مخالف هستند حضرت صاحب علیه السلام را شهید می کنند، و در روایات قریب به این معنا دارد که بعضی فقهای عصر با ایشان مخالفت می کنند. (۲)

«تکلیف منتظران»

امام خمینی علیه السلام پیرامون تکلیف اجتماعی منتظران چنین می فرمایند:

... ما منتظران مقدم مبارکش مکلف هستیم تا با

۱ - صحیفه امام ج ۱۹ - صفحه ۲۴۶.

۲ - صحیفه امام ج ۱۹ - صفحه ۳۰۳ - تاریخ ۶۴/۴/۹.

تمام توان کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را در این کشور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه حاکم کنیم و از تفرقه و نفاق و دغلبازی پیرهیزیم و رضای خداوند متعال را در نظر بگیریم و همگان در مقابل قانون خاضع باشیم و با صلح و صفا و برادری و برابری به پیشبرد انقلاب اسلامی کوشا باشیم و حق متعال را در همه احوال حاضر و ناظر بدانیم و تخلف از دستورات اسلام ننمائیم و به وسوسه فتنه‌انگیزان اعتنا نکنیم. (۱)

- ما دنیایمان یک همچو دنیایی است. مدعی‌ها خیلی زیاد ولیکن واقعیت همین است که همه می‌بینیم و می‌بینید و تا چه وقت بشود که یک همچو مطلبی منعکس بشود و منقلب بشود. البته انقلاب کلی‌اش با ظهور امام زمان سلام الله علیه است ولی خوب ما تکلیف داریم، این درست است، اما ما تکلیف داریم. (۲)

- ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد، در مقابل ظالم بایستد و مشتش را گره کند و توی دهنش بزند و نگذارد که اینقدر ظلم زیاد بشود، این ارزش دارد، ما تکلیف داریم آقا! اینطور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام

۱ - صحیفه امام ج ۱۴ - صفحه ۴۷۳ - تاریخ ۶۰/۲/۱۸.

۲ - صحیفه امام ج ۱۸ - صفحه ۲۶۸ - تاریخ ۶۲/۱۰/۱.

زمان سلام الله عليه هستيم پس ديگر بنشينيم تو خانه هايمان،
تسبيح را دست بگيريم و بگويم عجل على فرجه، عجل، با
کار شما بايد تعجيل بشود، شما بايد زمينه را فراهم کنيد
برای آمدن او. و فراهم کردن اينکه مسلمين را با هم
مجتمع کنيد، همه با هم بشويد، ان شاء الله ظهور می کند
ایشان. (۱)

- و آن روزی که ان شاء الله تعالى مصلح کلّ ظهور
نماید گمان نکنيد که یک معجزه شود و یک روزه عالم
اصلاح شود بلکه با کوششها و فداکاریها، ستمکاران
سرکوب و منزوی می شوند. (۲)

۱ - صحیفه امام ج ۱۸ - صفحه ۲۶۹ - تاریخ ۶۲/۱۰/۱.

۲ - وصیتنامه سیاسی - الهی امام علیه السلام - صحیفه امام علیه السلام ج ۲۱ صفحه ۴۴۷.

«زینت او باشیم»

شیعیان باید برای نزدیک‌تر شدن طلوع خورشید حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه زینت نام مقدّس آن حضرت در جهان گشته و با خوب نشان دادن چهره اسلام مردم را مشتاق ظهور آن حضرت کنند نه آنکه چهره زیبای اسلام و امام زمان علیه السلام را با اعمال خود زشت و مردم را از ظهور آن حضرت متنفر کرده یا بترسانند.

بهترین سخن در این باره، نقل چند روایت از خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام است. امام صادق علیه‌الصلاة والسلام فرمود:

«ای شیعیان زینت ما باشید و موجب زشتی ما نباشید، با مردم نیکو سخن بگوئید و زبانهایتان را نگهداری کنید و آنرا از حرفهای اضافی و زشت، باز دارید.»^(۱)

و نیز از آن حضرت نقل است که فرمود:

«مبادا عملی انجام دهید که ما را به آن سرزنش کنند زیرا فرزند بد را به پدرش نسبت داده و بواسطه عمل او پدر را سرزنش می‌کنند پس برای امام زمان خود که خود را به او وابسته و از غیر او

۱ - بحار الأنوار ج ۶۸ ص ۱۵۱ ح ۶.

فاصله گرفته‌اید زینت باشید و موجب زشتی او نشوید...» (۱)

«دروغگو نباشیم...»

مرحوم علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه در کتاب پراج بحار الأنوار (۲) از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام نقل می‌فرمایند که آن حضرت فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«شیعیان ما کسانی هستند که در عمل از ما پیروی نمایند و پا جای پای ما بگذارند و اعمال ما را الگو قرار دهند.»

سپس امام عسکری علیه السلام فرمود: مردی به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: یا رسول الله فلان شخص به منزل همسایه‌اش نگاه کرد و اگر کار حرامی در مقابلش قرار گرفت از آن پرهیز نمی‌کند.

بناگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله غضبناک شده و فرمود: او را نزد من آورید. شخصی گفت: ای رسول خدا او از شیعیان شما و از کسانی است که به ولایت شما و حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام اعتقاد داشته و از دشمنان شما بیزاری می‌جوید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نگو که او از شیعیان ماست زیرا که سخن دروغی است، شیعیان ما کسانی هستند که ما را مشایعت و همراهی نمایند و در اعمالشان پیرو ما باشند و این عمل (زشتی) که نام بردی او انجام می‌دهد از اعمال ما (اهلبیت رسالت علیهم السلام) نیست (پس او شیعه ما نیست).

۱- بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۴۳۱ ح ۹۱ ۲- بحار الأنوار ج ۶۸ ص ۱۵۴ ح ۱۱

زینتِ او باشیم

حضرت امام علیه السلام در سفارش به شیعیان می فرمایند :
- آن خلیفه بحق خدا بود و شماها باید به او اقتدا
بکنید همه ما باید اقتدا بکنیم البته هیچ کدام طاقت نداریم
مثل او باشیم. لکن اینقدر باشد که اگر نامه ما را بردند
آنجا بگویند اینها هم شیعه هستند، اینها هم تابعند، وقتی
نامه‌های ما را بردند پیش امام زمان سلام الله علیه... اعمال ما
جوری باشد که نمایش از این بدهد که ما تابعیم. ما آنطور
نیست که خودسر بخواهیم یک کاری را انجام بدهیم. (۱)
- رهبر همه شما و همه ما وجود مبارک بقیة الله است.
باید ماها و شماها طوری رفتار کنیم که رضایت آن بزرگوار
را - که رضایت خداست - به دست بیاوریم. (۲)
- ... در حکومت عدل بقیة الله هم عدالت جاری

۱ - صحیفه امام ج ۹ - صفحه ۱۲۳.

۲ - صحیفه امام ج ۱۴ - صفحه ۱۴۰ - تاریخ ۵۹/۱۲/۴.

می‌شود، لکن حُبهای نفسانی در بسیاری از قشرها باقی است و همان حُبهای نفسانی است که [بعض] روایات هست که حضرت مهدی سلام‌الله‌علیه را تکفیر می‌کنند. (۱)

- من امیدوارم که همه خواهرها و برادرها و همه قشرهای این ملت و همه ما از خدمتگزاران به اسلام و ولی عصر - سلام الله علیه - باشیم، ما در یک مملکتی هستیم که مملکت ولی عصر است، و وظیفه آن‌هایی که در مملکت ولی عصر زندگی می‌کنند، یک وظیفه سنگین است. نمی‌توانیم ما لفظاً بگوئیم: ما در زیر پرچم ولی عصر سلام الله علیه هستیم، و عملاً در آن مسیر نباشیم. چنانچه نمی‌توانیم بگوییم که ما جمهوری اسلامی داریم، و عملاً آن طور نباشیم؛ اسلامی نباشیم. (۲)

۱ - صحیفه امام ج ۱۶ - صفحه ۱۶۲ - تاریخ ۶۱/۱/۱۴.

۲ - صحیفه امام ج ۸ - صفحه ۵۱۳ - ۱۲ شعبان ۱۳۹۹ - ۱۶/۴/۱۳۵۸.



(۲۱)

«عصر تمدن یاروز ظهور»

امروز ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که اصول حقیقی تمدن در آن رعایت نمی‌شود یعنی:

۱ - عقل در آن پایمال گشته و جهل بر آن حاکم شده است.
۲ - علم و آگاهی از حقایق ملکوتی عالم جای خود را به حدس و گمان و اظهارنظرهای جاهلانه و دور از حقیقت داده که نشانه آن اختلاف دانشمندان در زمینه مسائل روحی و معنوی و سعادت انسانهاست.

۳ - ظلم جایگزین عدالت گشته و هیچ انسانی نیست که از ظلم بی‌بهره باشد حتی ثروتمندترین و قدرتمندترین افراد بشر که به بقیه ظلم می‌کنند خودشان هم طعمه ظلم خود شده و بسوی جهنم می‌روند.

۴ - پاکی و دوری از خطا جای خود را به اشتباهات فراوان داده و زندگی را فاسد نموده است.

- ۵- سعادت جای خود را به شقاوت و بدبختی داده.
۶- بی‌مهری جایگزین محبت انسانها به یکدیگر شده.
۷- فقر جایگزین ثروت در اکثریت جمعیت جهان شده است.
۸- امراض گوناگون جایگزین سلامتی در بسیاری از مردم جهان گشته.

۹- غم و اندوه ناشی از گرفتاریهای مختلف جامعه بشری جایگزین خوشحالی و مسرت گشته.
و مهم‌تر از همه‌ی اینها آنکه:

۱۰- صفات نیک انسانی و الهی جای خود را به صفات زشت شیطانی و حیوانی داده و انسانهای بسیاری را از مرز انسانیت خارج و تنها شکل جسمی آنان بصورت انسان باقی مانده ولی در پشت این نقاب انسانی، چهره‌های خطرناک و شیطنت‌آمیز و فتنه‌گر و خونریز و خائنه رخ پنهان نموده‌اند.

«روز ظهور، پایان تمامی دردها»

روز ظهور روز پایان این ده نوع درد و مرض چند هزار ساله است (که تمامی مشکلات بشر از آنها ناشی می‌شود).

پس باید بگوئیم:

روز ظهور، گمشده‌های ده‌گانه انسانها پیدا می‌شود،
ده گنج پنهان که اصول اولیه و پایه‌های تمدن حقیقی بشر است،
ظاهر می‌شود.

و در ده جمله کوتاه و زیبا:



- ۱- روز ظهور، روز ظهور خوشحالی هاست.
 - ۲- روز ظهور، روز ثروت و بی نیازی است.
 - ۳- روز ظهور، روز ظهور عقل و علم است.
 - ۴- روز ظهور، روز محبتهاست.
 - ۵- روز ظهور، روز عدالت است.
 - ۶- روز ظهور، روز اطاعت و بندگی خداست.
 - ۷- روز ظهور، روز سلامتی و شفای تمام مریضهاست.
 - ۸- روز ظهور، روز خوبی و سعادت است.
 - ۹- روز ظهور، روز ظهور صفات نیک در همه انسانهاست.
 - ۱۰- و روز ظهور، روز ظهور حق و پایان دوره پنهان زیستی
منجی عالم بشریت و روز تمدن حقیقی بشر است.
- آری در آنروز خواهیم فهمید (و الآن هم می توانیم بفهمیم) که خداوند هرگز نمی خواست این دردها در میان انسانها وجود داشته باشد همان طور که یک پدر مهربان و ثروتمند و از هر جهت با کمال هیچگاه دوست ندارد فرزندانش فقیر، مریض، ناراحت، بداخلاق، جاهل، ظالم، بدبخت و با یکدیگر درگیر و دچار دعوا و اختلاف باشند.
- خداوند آن پدر مهربان را سرپرست ما انسانها قرار داده، پدری که دوست دارد همه ده نوع خوبی و سعادت فوق برایمان فراهم باشد.

تمدن حقیقی بشر

حضرت امام خمینی رضی الله عنه توصیفی از زندگی زمان ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه یا عصر تمدن حقیقی زندگی بشر را چنین بیان می فرمایند:

- آن کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد، نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می فهمند که فقط قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت. انسان اگر هر انحرافی پیدا کند، انحراف عملی، انحراف روحی، انحراف عقلی، برگرداندن این انحرافات را به معنای خودش، این ایجاد عدالت است در انسان. اگر اخلاقش اخلاق منحرفی باشد، از این انحراف وقتی به اعتدال برگردد، این عدالت در او تحقق پیدا کرده است. اگر در عقاید یک انحرافات و کجی‌هایی باشد، برگرداندن آن عقاید کج به یک عقیده صحیح و صراط مستقیم، این



ایجاد عدالت است در عقل انسان. (۱)

- وقتی که ایشان ظهور کنند (ان شاء الله خداوند تعجیل کند در ظهور او) تمام بشر را از انحطاط بیرون می آورد، تمام کجی ها را راست می کند (یملأ الارض عدلاً بعد ما ملئت جوراً) همچو نیست که این عدالت همان که ماها از آن می فهمیم که نه یک حکومت عادلانه باشد که دیگر جور نکند آن، این هست اما خیر، بالاتر از این معناست، معنی (یملأ الارض عدلاً بعد ما ملئت جوراً) الآن زمین و بعد از این، از این هم بدتر شاید بشود، پر از جور است، تمام نفوسی که هستند انحرافات در آنها هست. حتی نفوس اشخاص کامل هم در آن انحرافات هست ولو خودش نداند. در اخلاقها انحراف هست، در عقاید انحراف هست، در اعمال انحراف هست و در کارهایی هم که بشر می کند انحرافش معلوم است. و ایشان مأمورند برای اینکه تمام این کجی ها را مستقیم کنند و تمام این انحرافات را برگردانند به اعتدال که واقعاً صدق بکند (یملأ الارض عدلاً بعد ما ملئت جوراً) از این جهت، این عید، عید تمام بشر است بعد از اینکه آن اعیاد، اعیاد مسلمین است. این عید، عید تمام بشر است. تمام بشر را ایشان هدایت خواهند

۱ - صحیفه امام ج ۱۲ صفحه ۴۸۱ - تاریخ ۵۹/۴/۷

کرد ان شاء الله، و ظلم و جور را از تمام روی زمین برمی دارند...^(۱)

- سالروز مبارک ولادت باسعادت و پربرکت حضرت خاتم الاوصیا و مفخر الاولیا حجت بن الحسن العسکری ارواحنا المقدمه الفداء بر مظلومان دهر و مستضعفان جهان مبارک باد. و چه مبارک است میلاد بزرگ شخصیتی که برپاکننده عدالتی است که بعثت انبیاء ﷺ برای آن بود و چه مبارک است زادروز ابرمردی که جهان را از شرّ ستمگران و دغلبازان تطهیر می نماید و زمین را پس از آنکه ظلم و جور آن را فرا گرفته پر از عدل و داد می نماید و مستکبران جهان را سرکوب و مستضعفان جهان را وارثان ارض می نماید. و چه مسعود و مبارک است روزی که جهان از دغلبازیها و فتنه انگیزیها پاک شود و حکومت عدل الهی بر سراسر گیتی گسترش یابد. و منافقان و حيله گران از صحنه خارج شوند و پرچم عدالت و رحمت حق تعالی بر بسیط زمین افراشته گردد و تنها قانون عدل اسلامی بر بشریت حاکم شود و کاخهای ستم و کنگره های بیداد فرو ریزد و آنچه غایت بعثت انبیا علیهم صلوات الله و حامیان اولیاء ﷺ بوده تحقق یابد و برکات حق تعالی بر زمین نازل شود و قلمهای ننگین

۱ - صحیفه امام ج ۱۲ - صفحه ۴۸۲ - تاریخ ۵۹/۴/۷



و زبانهای نفاق افکن شکسته و بریده شود و سلطان حق تعالی بر عالم پرتوافکن گردد و شیاطین و شیطان صفتان به انزوا گرایند و سازمانهای دروغین حقوق بشر از دنیا برچیده شوند و امید است که خداوند متعال آن روز فرخنده را به ظهور این مولود فرخنده هرچه زودتر فرا رساند و خورشید هدایت و امامت را طالع فرماید. (۱)

- آنچه غایت تعلیمات اسلامی است همزیستی مسالمت آمیز در سطح جهان است که امید است با تعجیل در ظهور مهدی آخرالزمان ارواحنا فداه حاصل شود و رسیدن انسانها به کمال و سعادت اخروی است که خداوند نصیب همگان فرماید. (۲)

۱ - صحیفه امام ج ۱۴ - صفحه ۴۷۲ - تاریخ ۶۰/۳/۲۸.

۲ - صحیفه امام ج ۱۸ - صفحه ۹۵ مورخ ۶۷/۶/۱۲.

(۲۲)

«مقام ولایت»

آشنایی و معرفت به مقام مقدّس منجی آخرالزمان، مسأله‌ای است که باید با تمامی وجود به دنبال آن بود زیرا میزان تربیت انسان و رشد روحی و کمالات انسانی او به میزان معرفت او از امام زمانش بستگی دارد.

آنچه در این مختصر می‌توان گفت آن است که خداوند به وسیله نور علم و پاکی یک امام معصوم انسان را تربیت می‌کند و او را به مقام والای انسانیت می‌رساند.

مربی ما انسانها - که بتواند کمالات والای انسانی و اخلاق انبیاء علیهم‌السلام را در ما زنده کند - باید خود دارای مقام بلند و کمالات عظیمی باشد که از عهده این مهم برآید و چنین کاری از عهده امامی ساخته است که از علم بی‌کران الهی و عصمت مطلق بهره‌مند باشد همانگونه که خورشید برای روشنایی و حرارت دادن به ذرات خاکی سیّاره زمین و سایر سیّارات و تربیت و رشد گیاهان و سایر جانداران



بایستی از عظمت، قدرت و نور کافی برخوردار باشد.
 آری امام زمان علیه السلام که هدایت کننده و مربی تمام انسانها است؛
 چون خورشید، با عظمت و دارای علوم بی کران و قدرت خارق العاده
 است و تمامی ذرات و دلها را تحت تأثیر نور علم و پاکی خود قرار
 داده و به کمال می‌رساند.

بدیهی است پذیرفتن این مقام با عظمت درباره حجّت خدا از
 سوی ما باید یک امر روشن علمی و آسان باشد و بر اساس قوانین
 علمی عالم خلقت - مانند مثال خورشید که هم اکنون بیان شد - آن
 حضرت را در مقام ولایت و سرپرستی و هدایت موجودات خصوصاً
 انسانها بدانیم چرا که امام و حجّت خدا از آنجا که معدن علم و پاکی
 است، طبیعی است که بتواند با علم بی کران و پاکی مطلق خود
 سرپرستی امور عالم را بر عهده گیرد. زیرا همیشه و در همه جا
 داناترین و پاک‌ترین فرد به طور طبیعی هدایت امور اجتماعی
 - اجتماع کوچک یا بزرگ - را به عهده می‌گیرد مگر آنکه خودخواهی
 و ریاست‌طلبی دیگری که علم و دانش و پاکی ندارند او را کنار بزنند.

مقام ولایت

امام خمینی رحمته الله پیرامون مقام امام زمان عجل الله فرجه می فرمایند :
- همان طوری که رسول اکرم به حسب واقع حاکم بر
جميع موجودات است حضرت مهدی همان طور حاکم بر
جميع موجودات است. آن خاتم رسل است و این خاتم
ولایت، آن خاتم ولایت کلی بالاصاله است و این خاتم
ولایت کلی به تبعیت است. (۱)

- برای امام مقامات معنوی هم هست که جدای از
وظیفه حکومت است و آن به مقام خلافت کلی الهی است
که گاهی در لسان ائمه علیهم السلام از آن یاد شده است، خلافتی
است تکوینی که بموجب آن جميع ذرات در برابر ولی امر
خاضعند. (۲)

۱ - صحیفه امام ج ۲۰ - صفحه ۲۴۹. ۲ - ولایت فقیه - صفحه ۶۷.

«خورشید هدایت»

همانگونه که در عالم ظاهر، باید خورشید وجود داشته باشد تا موجودات از آن زندگی و حیات گیرند، در عالم انسانیّت نیز «خورشید هدایت» حرف اول در زندگی بشر را می‌زند.

اگر او - یعنی همان انسان کامل - نباشد جهان از نور علم بی بهره است و وقتی نور علم جهان را روشن نکرده، تاریکی جهل بر آن سایه می‌افکند و ظلم و فساد و انحراف را در آن پدید می‌آورد.

اگر او نباشد و با گرمای محبت خود دلها را سیراب نکند، مردم جهان ناامید و از آینده خود نگران می‌شوند و آشفتگی روحی و سپس آشفتگی در امور زندگی، وضعیّت جهان را تغییر داده و عصر حاضر که هزاران نوع فساد جهانی در آن مشاهده می‌گردد پدید می‌آید.

بنابراین باید بکوشیم خورشید عالم تاب امامت و هدایت طالع شود و تاریکی ظلم و ستم و جهل را محو فرماید. توضیحات مفصل پیرامون علت تشبیه امام عصر علیه السلام به خورشید را در کتاب خورشید هدایت بیان داشته‌ایم.

خورشید هدایت

حضرت امام علیه السلام در باره عظمت مقام حضرت
بقیة الله ارواحنا فداه و تشبیه آن وجود مقدس به خورشید و نور
آن می فرمایند:

- گویی جهان مهیا می شود برای طلوع آفتاب ولایت
از افق مکه معظمه و کعبه آمال محرومان و حکومت
مستضعفان. (۱)

- ما در انتظار رؤیت خورشیدیم. (۲)

- امید است آفتاب درخشان اسلام بر جهانیان نور
افشانند و مقدمات ظهور منجی بشریت را فراهم آورد و
ماذک علی الله بعزیز. (۳)

- امید است که این انقلاب جرقه، و بارقه‌ای الهی باشد

۱ - صحیفه امام ج ۱۷ صفحه ۴۸۱ - مورخ ۶۲/۳/۱۵.

۲ - صحیفه امام ج ۲۰ صفحه ۱۹۷ مورخ ۶۵/۱۱/۱۶.

۳ - صحیفه امام ج ۱۹ صفحه ۱۴۶ مورخ ۶۳/۱۱/۲۲ پیام امام علیه السلام بمناسبت سالگرد پیروزی
انقلاب اسلامی.



که انفجاری عظیم در توده‌های زیرستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیة الله ارواحنا المقدمه الفداء منتهی شود. (۱)

- سالروز مبارک ولادت باسعادت و پربرکت حضرت خاتم‌الاولیاء و مفخرالاولیاء حجة بن الحسن العسکری ارواحنا المقدمه الفداء بر مظلومان دهر و مستضعفان جهان مبارک باد... و چه مسعود و مبارک است روزی که جهان از دغلبازیها و فتنه‌انگیزیها پاک شود و حکومت عدل الهی بر سراسر گیتی گسترش یابد... و امید است که خداوند متعال آن روز فرخنده را به ظهور این مولود فرخنده هرچه زودتر فرا رساند و «خورشید هدایت» و امامت را طالع فرماید. (۲)

۱ - صحیفه امام ج ۱۵ صفحه ۶۲.

۲ - صحیفه امام ج ۱۴ صفحه ۴۷۲ مورخ ۶۰/۳/۲۸ قسمتهایی از پیام امام علیه السلام بمناسبت میلاد مسعود حضرت بقیة الله ارواحنا المقدمه الفداء.

«دنیای پُر از ظلم»

پُر شدن جهان از ظلم و ستم، نتیجه طبیعی خانه‌نشینی امام زمان علیه السلام است. زیرا خداوند متعال برای پُر شدن جهان از عدل و داد امامی معصوم از خطا و دانا به تمام حقایق جهان را در میان بشر قرار داد و تنها اوست که می‌تواند جهان را از علم و عدالت و محبت سرشار کند.

با غروب این خورشید دیگر انتظار برطرف شدن فقر از تمام مردم جهان، انتظار برقراری صلح و امنیت در دنیا، انتظار پایان یافتن درگیری‌ها و اختلافات در جامعه بشری و انتظار نبودن صفات ناپسند در میان مردم جهان و انتظار... انتظاری بیهوده است زیرا ضامن تحقق همه این آرزوها در سطح جهان (دقت بفرمائید تحقق این آرزوها در سطح جهان نه یک منطقه و کشور کوچک) از قدرت انسان‌های معمولی خارج و تنها قدرت یک امام معصوم را می‌طلبد.

اگر بشر خودش می‌توانست چنین کند که راهش بسته نبود او

قرنهاست مشغول آزمایش و ایجاد چنین وضعیتی در سطح جهان است و خداوند نیز او را آزاد گذاشته تا اگر مدعی است که می‌تواند تمام جهان را پُر از عدل و داد و ثروت و رفاه و سعادت و معنویت سازد، اینکار را بکند.

اگر کسی فکر کند می‌تواند با قدرت عادی بشر به چنین هدفی برسد مانند آن است که فکر کند می‌توان با یک چراغ معمولی تمام کره زمین را روشن ساخت.

چنین افرادی باید به خورشید فکر کنند و در صدد طلوع مجدد او به این کره تاریک و سرد و بی‌روح باشند تا تمام جهان از نور علم و پاکی او روشن و زنده و بهشت‌گونه شود. ان شاء الله.

دنیای پر از ظلم

حضرت امام خمینی رحمته الله دنیا را پر از ظلم دانسته و می فرمایند:

- البته آن پر کردن دنیا را از عدالت، آن را ما نمی توانیم [پر] بکنیم، اگر می توانستیم می کردیم، اما چون نمی توانیم بکنیم ایشان باید بیایند. الآن عالم پر از ظلم است، شما یک نقطه هستید در عالم، عالم پر از ظلم است. (۱)

۱ - صحیفه امام ج ۲۱ - صفحه ۱۶ و ۱۷.

«سلام بر منتظران»

سلام بر منتظران طلوع خورشید امامت.

سلام بر انسانهایی که در این مسیر گام بر می دارند.

آنان که در راه نجات تمامی انسانها قدم بر می دارند.

آنان که جهان را زنده و پُر نور می کنند.

و سلام بر شیعیان و ملت بزرگ ایران که کشور خود را در مسیر

انتظار و تحقق حکومت واحد جهانی به رهبری منجی عالم بشریت

قرار داده اند.

سلام بر شیعیانی که با تزکیه نفس و دور شدن از رذایل و صفات

ناپسند مسیر ظهور امام زمان خود را هموار و بزرگترین خدمت را به

خود و جامعه و جهان می کنند.

سلام بر منتظران

- با سلام و درود به پیشگاه مقدّس مولود نیمه شعبان و آخرین ذخیره امامت حضرت بقیة اللّٰه ارواحنا فداه و یگانه دادگستر ابدی و بزرگ پرچمدار رهایی انسان از قیود ظلم و ستم استکبار. سلام بر او و سلام بر منتظران واقعی او، سلام بر غیبت و ظهور او، و سلام بر آنان که ظهورش را با حقیقت درک می‌کنند و از جام هدایت و معرفت او لبریز می‌شوند. سلام بر ملت بزرگ ایران که با فداکاری و ایثار و شهادت، راه ظهورش را هموار می‌کنند. (۱)

۱ - صحیفه امام ج ۲۱ - صفحه ۳۲۵ - تاریخ ۶۸/۱/۲.



(۲۶)

«آماده دیدار شویم»

اینک در جهانی علمی که به سوی ظهور امام زمان ارواحناده پیش می رود قرار داریم. زمینه های جهانی ظهور آن حضرت فراهم شده و مردم جهان آماده پذیرش یک انسان کامل و معصوم از خطا شده اند و شیعیان ایران نیز پیشگامان تحقق این وعده بزرگ الهی هستند. پس باید آماده دیدار آن حضرت و دیدن روز ظهور باشیم و بر همه ما یک تکلیف شرعی و الهی است که امکانات کشور صاحب الزمان را در جهت اهداف آن حضرت به کارگیریم و باب آشنایی مردم جهان با منجی آخرین را هموار کنیم.

آماده دیدار شویم

حضرت امام خمینی رضی الله عنه لزوم آمادگی روحی برای دیدار با منجی بزرگ جهان حضرت ولی عصر ارواحنا فداه را چنین خاطر نشان می سازند:

- و ما باید در این طور روزها و در این طور ایام الله توجه کنیم که خودمان را مهیا کنیم از برای آمدن آن حضرت. من نمی توانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم، بزرگتر از این است. نمی توانم بگویم که شخص اول است؛ برای اینکه دومی در کار نیست. ایشان را نمی توانیم ما با هیچ تعبیری تعبیر کنیم الا همین که مهدی موعود است. آنی است که خدا ذخیره کرده است برای بشر. و ما باید خودمان را مهیا کنیم از برای اینکه اگر چنانچه موفق شدیم ان شاء الله به زیارت ایشان، طوری باشد که روسفید باشیم پیش ایشان. تمام دستگاههایی که الآن به کار گرفته شده اند در کشور ما - و امیدوارم که در سایر کشورها هم



توسعه پیدا بکند - باید توجه به این معنا داشته باشند که خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی سلام الله علیه^(۱).

- ... من امیدوارم که ملت ایران در این روز مبارک پانزده شعبان که روز مبارکی است، در سعادت و سلامت و آرامش تمام به سر ببرند. و خداوند این مولود سعید را بر همه مبارک کند. و خداوند این مولود مبارک را، ما را موفق کند به دیدار ایشان که چشمهای ما روشن بشود به زیارت این وجود مبارک که واقعاً شخصی است که نمی توانم بگویم شخص اول دنیا و نمی توانم بگویم رهبر، بالاتر از این مسائل هست. خدا همه ما را موفق کند به خدمت ایشان و به خدمت به اسلام و به خدمت به کشور خودمان.^(۲)

- از خداوند تعالی مسألت می کنم که ظهور ولی عصر سلام الله علیه را نزدیک فرماید و چشمهای ما را به جمال مقدسش روشن. ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار، خدمت بکنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق

۱ - صحیفه امام ج ۱۲ - صفحات ۴۸۳ و ۴۸۲ - تاریخ ۵۹/۴/۷.

۲ - صحیفه امام ج ۱۲ - صفحه ۴۸۵.



پیدا بکند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود.^(۱)

- از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که ظهور مسعود ایشان را نزدیک کند و تشریف بیاورند و ما هم جمال او را ببینیم، و ایشان هم در میان ما، شماها را از نزدیک ببینند، گرچه ایشان مطلعند بر مسائل و مصائب، ما مرهون زحمتهای شماها و عزیزان شماها هستیم.^(۲)

- خداوند این اسلام را، جمهوری اسلامی را نگه دارد و ما را موفق کند که به لقای جمال مبارک امام زمان سلام الله علیه موفق بشویم.^(۳)

- ما در انتظار رؤیت خورشیدیم.^(۴)

۱ - صحیفه امام ج ۸ - صفحه ۳۷۴ - تاریخ ۵۸/۴/۱۲
۲ - صحیفه امام ج ۱۲ - صفحه ۴۷۶ - تاریخ ۵۹/۴/۶
۳ - صحیفه امام ج ۱۹ - صفحه ۲۵۷ - تاریخ ۶۴/۲/۱۶
۴ - صحیفه امام ج ۲۰ - صفحه ۱۹۷ - تاریخ ۶۵/۱۱/۱۶



(۲۷)

«تکلیف مسئولین»

مسئولین کشور صاحب الزمان حساس ترین وظیفه را بر دوش دارند و باید کشوری را که امام زمان علیه السلام به آنان داده به سوی اهداف حضرتش سوق دهند.

آنان باید بیش از احساس مسئولیت در برابر مدیران خود، در برابر امام زمان علیه السلام که ناظر بر اعمال آنان است مسئول باشند. مردم جهان روزی از مسئولین کشور ما خواهند پرسید شما که امام زمان علیه السلام را می شناختید و می توانستید روز ظهور آن حضرت را با تلاش گسترده تر خود نزدیک کنید، چرا چنین نکردید؟...

آری ما در برابر خون بی گناهان جهان مسئولیم چرا که اگر بکوشیم حتی یک روز ظهور امام عصر ارواحنا فداه زودتر انجام شود از میلیونها گناه و ظلم و قتل و فساد مادی و معنوی جلوگیری کرده ایم چرا که در جای خود ثابت شده است ظهور آن حضرت به واسطه اعمال ناپسند ما شیعیان به تأخیر افتاده و اگر ما آن حضرت را یاری

کرده و در این جهت یکپارچه می شدیم اکنون قرن های بسیار از زمان ظهور سپری شده بود همانطور که حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) در نامه معروف خود به شیخ مفید اعلام داشتند:

«اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را به اطاعت خود موفق بدارد - در وفای به عهدی که با ما دارند یکدل و یکپارچه می شدند، دیدار ما از آنان هرگز به تأخیر نمی افتاد و چه زود و با سرعت سعادت مشاهده ما را به دست می آورند دیداری با معرفت راستین از سوی آنان به ما، پس آنچه آنان را از این سعادت محروم می کند، تنها اعمال ناپسند خود آنان است که به ما گزارش می شود و ما آنرا خوش نداریم و از آنان نمی پسندیم»^(۱)

۱ - احتجاج طبرسی ج ۲ ص ۳۲۴ و کلمة الامام المهدی ص ۱۵۱.

تکلیف مسئولین

حضرت امام خمینی علیه السلام تکلیف مسئولین امر در رابطه با حضرت مهدی ارواحنا فداه را چنین روشن می فرمایند - تمام دستگاه‌هایی که الآن بکار گرفته شده‌اند در کشور ما - و امیدوارم که در سایر کشورها هم توسعه پیدا بکند - باید توجه به این معنا داشته باشند که خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی سلام الله علیه. (۱)

- ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار، خدمت بکنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود. (۲)

- مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان

۱ - صحیفه امام ج ۱۲ - صفحه ۴۸۳ - تاریخ ۵۹/۴/۷.

۲ - صحیفه امام ج ۸ - صفحه ۳۷۴.

اسلام به پرچمداری حضرت حجت ارواحنا له الفداء است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. (۱)

- من امیدوارم که همه خواهرها و برادرها و همه قشرهای این ملت و همه ما از خدمتگزاران به اسلام و ولی عصر - سلام الله علیه - باشیم، ما در یک مملکتی هستیم که مملکت ولی عصر است، و وظیفه آنهایی که در مملکت ولی عصر زندگی می‌کنند، یک وظیفه سنگین است. نمی‌توانیم ما لفظاً بگوئیم: ما در زیر پرچم ولی عصر سلام الله علیه هستیم، و عملاً در آن مسیر نباشیم. چنانچه نمی‌توانیم بگوییم که ما جمهوری اسلامی داریم، و عملاً آن طور نباشیم؛ اسلامی نباشیم. (۲)

- مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را بدنبال دارد، باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است

۱ - صحیفه امام ج ۲۱ - صفحه ۳۲۷.

۲ - صحیفه امام ج ۸ - صفحه ۵۱۳ - ۱۲ شعبان ۱۳۹۹ - ۱۳۵۸/۴/۱۶.

منصرف کند. (۱)

- و اکنون ما منتظران مقدم مبارکش مکلف هستیم تا با تمام توان کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را در این کشور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه حاکم کنیم... از نفس گرم ولی الله اعظم عجل الله تعالی فرجه می خواهیم که از خداوند تعالی تقاضا فرماید که همه ما و همه مقامات و تمام ملت شریف را توفیق عمل به اسلام و قوانین اسلامی عطا فرماید و تعجیل در ظهور بقیة الله روحی فداء نماید. (۲)

- خداوند همه ما را از این قیدهای شیطانی رها فرماید تا بتوانیم این امانت الهی* را به سرمنزل مقصود برسانیم و به صاحب امانت، حضرت مهدی موعود ارواحنا المقدمه الفداء رد کنیم. (۳)

۱ - صحیفه امام ج ۲۱ - صفحه ۳۲۷.

۲ - صحیفه امام ج ۱۴ - صفحه ۴۷۳ و ۴۷۵ - تاریخ ۶۰/۲/۲۸.

* - جمهوری اسلامی.

۳ - صحیفه امام ج ۱۸ - صفحه ۲ و ۴۷۱ - تاریخ ۶۳/۳/۷.

(۲۸)

«تنها یک سفارش»

آخرین سخن، تنها یک سفارش از پروردگار متعال به ما است که:

«قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنِي وَفُرَادَى» (۱)

«یعنی: به مردم بگو، من تنها یک موعظه به شما دارم و آن این

است که برای خدا قیام کنید دو به دو یا به تنهایی».

آری قیام کردن برای خدا، قیام کردن برای تحقق دستورات او،

در اجتماع و یا به تنهایی است

قیام اجتماعی آن است که همه مردم یکپارچه شده (مانند اوائل

انقلاب که یکپارچه شده و سقوط نظام طاغوتی را می خواستند) و

پایان ظلم و ستم و ظهور امام زمان علیه السلام را خواستار شوند همانطور که

در عنوان قبل سخن آن حضرت را نقل کردیم که به این قیام اجتماعی

۱ - سوره سباء آیه ۴۹.

و یکپارچه اشاره فرمود و علت تأخیر ظهور مقدّسش را عدم یکپارچگی شیعیان در یاری خویش دانست.

قیام فردی آن است که وقتی اجتماع به امام زمان علیه السلام توجهی ندارد بر هر انسانی واجب است که روحيّات خود را از اجتماع منحرف دور نگه داشته و به تنهایی اوامر پروردگار را بر خود اجرا و از نور امام زمان علیه السلام بهره‌مند گردد.

انسان در عصر غیبت باید خود به تنهایی کمر همّت را محکم کرده با امام زمان خویش رابطه روحی و معنوی ایجاد و خود را از آنچه موجب ناخشنودی آن حضرت است دور نماید. و این تنها سفارش الهی به ما و تنها راه نجات انسان از چنگال هواهای نفسانی و حکومت شیطان بر فرد و اجتماع بشری است.

تنها یک سفارش

حضرت امام علیه السلام در ملاقاتی با اعضاء هیئت قائمیّه در توضیح آیه شریفه قل انا اعظکم بواحدہ چنین می فرمایند:

- امیدوارم که ما همه جزء هیأت قائمیّه باشیم و همه با آن وظایفی که اسلام، قرآن، تحت لوای حضرت صاحب سلام الله علیه برای ما تعیین فرموده اند عمل کنیم و صورتها را محتوی واقعی به آن بدهیم و الفاظ را معانی حقیقی، شاید این وصفی که برای حضرت صاحب سلام الله علیه ذکر شده است دنبال همین آیه شریفه که می فرماید: (قل انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله مثنی و فرادی) ^(۱) دنبال همین معنا باشد که همه باید قیام بکنیم قیام واحد که

۱- سورة سبا آیه ۴۶.



بالاترین قیام همان قیام آن شخص واحد است و همه قیام‌ها باید دنبال آن قیام باشد و قیام لله باشد. خدای تبارک و تعالی می‌فرماید که: من فقط یک موعظه دارم به شما قل انما اعظکم بواحدة به امت بگو که فقط من یک موعظه دارم به شما و آن موعظه این است که قیام کنید و قیام لله باشد، قیام لله کنید. البته آن حضرت قیام لله می‌فرمایند و آن للهی که و آن خلوصی که برای ایشان هست برای دیگران نیست لکن شیعه‌های بزرگوار آن حضرت هم باید پیروی از او بکنند در اینکه قیام کنند لله، برای خدا.^(۱)

۱ - صحیفه امام ج ۸ - صفحه ۸ - تاریخ ۵۸/۳/۱۰



اشعار امام راحل علیه السلام در وصف حضرت ولی عصر علیه السلام

روز وصل

غم مخور ایام هجران رو بپایان می‌رود
این خماری از سر ما می‌گساران می‌رود
پرده را از روی ماه خویش بالا می‌زنند
غمزه را سر میدهد غم از دل و جان می‌رود
بلبل اندر شاخسار گل هویدا می‌شود
زاغ با صد شرمساری از گلستان می‌رود
محفل از نور رخ او نورافشان می‌شود
هرچه غیر از ذکر یار از یاد رندان می‌رود
ابرها از نور خورشید رخس پنهان شوند
پرده از رخسار آن سرو خرامان می‌رود
وعدۀ دیدار نزدیک است یاران مژده باد
روز وصلش میرسد ایام هجران می‌رود^(۱)

۱- کتاب دیوان شعر امام علیه السلام چاپ اول خرداد ۷۲ ص ۱۱۱.

میلاَد گُل

میلاَد گُل و بهار جان آمد
برخیز که عید می‌کشان آمد
خاموش مباش زیر این خرقه
بر جان جهان دوباره جان آمد
برگیز به دست، پرچم عشاق
فرمانده مُلکِ لامکان آمد
گُلزار ز عیش لاله باران شد
سُلطانِ زمین و آسمان آمد
با یار بگو که پرده بردارد
هین! عاشق آخرالزمان آمد
آماده امر و نهی و فرمان باش
هشدار! که منجی جهان آمد^(۱)

۱ - دیوان امام - چاپ اول - خرداد ۷۲ ص ۹۶.

عاشق سوخته

پَرده بَردار ز رُخ، چهره گشا، ناز بس است
عاشق سوخته را دیدن رویت هوس است
دست از دامنیت ای دوست نخواهم برداشت
تا من دلشده را یک رمق و یک نفس است
همه خوبان بر زیباییت ای مایه حُسن
فی المثل در بر دریای خروشان چو خُس است
مرغ پر سوخته را نیست نصیبی ز بهار
عرصه جولانگه زاغ است و نوای مگس است
داد خواهم غم دل را بگجا عرضه کنم
که چو من دادستان است و چو فریادرس است
این همه غلغل و غوغا که در آفاق بود
سوی دلداریان و همه بانگ جرس است^(۱)

۱ - دیوان امام چاپ اول، خرداد ۷۲ ص ۵۳.

انتظار

از غم دوست در این می‌کده فریاد کشم
 دادرس نیست که در هجر رُخش داد کشم
 داد و بیداد که در محفل ما رندی نیست
 که برش شکوه برم، داد ز بیداد کشم
 شادیم داد، غم داد و جفا داد و وفا
 با صفا منت آنرا که به من داد کشم
 عاشقم، عاشق روی تو، نه چیز دیگری
 بار هجران و وصالت به دل شاد کشم
 در غمت ای گل وحشی من ای خسرو من
 جور مجنون ببرم، تیشه فرهاد کشم
 مُردم از زندگی بی‌تو که با من هستی
 طرفه سرّی است که باید بر استاد کشم
 سالها می‌گذرد، حادثه‌ها می‌آید
 انتظار فرج از نیمه خرداد کشم^(۱)

۱ - دیوان امام چاپ اول، خرداد ۷۲، ص ۱۵۴.

شمس کامل

صف بیارائید رندان رهبر دل آمده
جان برای دیدنش منزل به منزل آمده
بلبل از شوق لقایش پرزنان بر شاخ گل
گل ز هجر روی ماهش پای در گل آمده
طور سینا را بگو ایام صعق آخر رسید
موسیٰ حق در پی فرعون باطل آمده
بانگ زن بر جمع خفاشان پست کور دل
از ورای کوهساران شمس کامل آمده
بازگو اهریمنان را فصل عشرت بار بست
زندگی برکامتان زهر هلاهل آمده
دلبر مشکل گشا از بام چرخ چارمین
با دم عیسی برای حل مشکل آمده
غم مخور ای غرق دریای مصیبت، غم مخور
در نجات نوح کشتیان بساحل آمده^(۱)

۱ - دیوان امام - چاپ اول، خرداد ۷۲، ص ۱۷۸.

قصیده بهاریه انتظار

...

شد موسم عیش و طرب، بگذشت هنگام کرب
 جام می گلگون طلب، از گلعداری مه جبین
 قدش چو سرو بوستان خدش به رنگ ارغوان
 بویش چو بوی ضیمران جسمش چو برگ یاسمین
 چشمش چو چشم آهوان، ابروش مانند کمان
 آب بقایش در دهان مهرش هویدا از جبین

...

با اینچنین زیبا صنم، باید به بستان زد قدم
 جان فارغ از هر رنج و غم دل خالی از هر مهر و کین

...

از بهر تکریمش میان، بر بسته خیل انبیا
 از بهر تعظیمش کمر خم کرده چرخ هفتمین

مهدي امام مُنتظر، نوباوه خيرالبشر
 خلق دو عالم سَر به سَر بر خوان احسانش نگین
 مهر از ضیائش ذره‌ای، بدر از عطایش بدره‌ای
 دریا ز جودش قطره‌ای، گردون ز کشتش خوشه‌چین
 مرآت ذات کبریا مشکوٰۃ انوار هدا
 منظور بعث انبیا، مقصود خلق عالمین
 امرش قضا، حکمش قدر حُبّش جنان بُغضش سَقَر
 خاک رهش زبید اگر بر طَرّه ساید حورِ عین
 دانند قرآن سَر به سَر بآبی ز مدحش مختصر
 اصحاب علم و معرفت، آریاب ایمان و یقین
 سُلطان دین، شاهِ زَمَن، مالک رقاب مرد و زن
 دارد به امرِ ذُوالمِنَن ؛ روی زمین، زیرنگین
 ذاتش به امر دادگر، شد منبع فیض بشر
 خلیل ملایک سَر به سَر دریند الطافش، رهین
 حُبّش سفینه نوح آمد در مَثَل لیکن اگر
 مهرش نبودی نوح را می بود با طوفان قرین
 گرنه وجود اقدسش ظاهر شدی اندر جهان
 کامل نگشتی دین حق ز امروز تا روز پسین



ایزد به نامش زد رقم، منشور ختم الأوصیا
 چونانکه جدّ امجدش گردید ختم المرسلین
 نوح و خلیل و ابوالبشر، ادریس و داوود و پسر
 از ابر فیضش مُستمد از کان علمش مُستعین
 موسی به کف دارد عصا، دریانیش را منتظر
 آماده بهر اقتداء عیسی به چرخ چارمین
 ای خسرو گردون فرم لختی نظر کن از گرم
 کفار مستولی نگر، اسلام مستضعف ببین
 ناموس ایمان در خطر، از حيلة لامذهبان
 خون مسلمانان هدر از حمله اعداء دین
 ظاهر شود آن شه اگر، شمشیر حیدر بر کمر
 دستار پیغمبر به سر، دست خدا در آستین
 دیاری از این ملحدان، باقی نمانده در جهان
 ایمن شود روی زمین از جور و ظلم ظالمین
 من گرچه از فرط گُنه شرمنده و زارم ولی
 شادم که خاکم کرده حق با آب مهر تو عجین
 خاصه کنون کز فیض حق مدحت سُرودم آنچه‌ان
 کز خامه ریزد بر ورق جای مرکب انگبین

تا چنگل شاهین کند صید کبوتر در هوا
تا گرگ باشد در زمین بر گوسفندان خشمگین
بر روی احباب شود مفتوح ابواب ظفر
بر جان اعدایت رسد هر دم بلای سهمگین
بر دشمنان دولتت هر فصل باشد چون خزان
بر دوستانت هر مهی بادا چو ماه فرودین
ای حضرت صاحب زمان ای پادشاه انس و جان
لطفی نما بر شیعیان، تأیید کن دین مبین^(۱)

مُصطفی سیرت، علی فرّ، فاطمه عصمت حسن خو
هم حسین قدرت، علی زهد و محمد علم مهر و
شاه جعفر فیض و کاظم حلم و هشتم قبله گیسو
هم تقی تقوا، نقی بخشایش و هم عسکری مو
مهدی قائم که در وی جمع، اوصاف شهان شد

پادشاه عسکری طلعت، نقی حشمت تقی فرّ
بوالحسن فرمان و موسی قدرت و تقدیر جعفر

۱ - دیوان امام - چاپ اول - خرداد ۷۲، ص ۲۵۸.



علم باقر، زهد سجّاد و حسینی تاج و افسر
 مجتبی حلم و رضیّه عفت و صولت چو حیدر
 مُصطفی اوصاف و مجلای خداوند جهان شد

جلوه ذاتش به قدرت تالی فیض مقدّس
 فیض بی حدّش به بخشش، ثانیِ مجلای اقدس
 نورش از «کن» کرد برپا هشت گردون مقرنس
 نطق من هر جا چو شمشیر است و در وصف شه اُخرس
 لیک پای عقل در وصف وی اندر گل نهان شد^(۱)

۱ - دیوان امام، چاپ اول - خرداد ۷۲ - ص ۲۷۶.



«جمع بندی عناوین سی گانه کتاب»

در پایان این کتاب، به منظور پیوسته بودن عناوین سی گانه ای که از دعای شریف ندبه استخراج و مطرح نمودیم، ارتباط عقلی این حقایق را خاطر نشان و آن را چون نردبانی سی پله ای، در یک مسیر قرار می دهیم تا بگوئیم یک انسان اگر بخواهد با حضرت ولی عصر علیه السلام از نقطه صفر آشنا شود باید این مسیر را طی کند.

سرگشتگی بشر نتیجه دوری او از
تعالیم انبیاء علیهم السلام است

«سرگشتگی»

هدف انبیاء و تعالیم آنان ایجاد
یک حکومت واحد جهانی به

«هدف انبیاء علیهم السلام»

رهبری انسانی کامل و معصوم از خطا بوده و آن را به عنوان یک وعده حتمی از سوی خداوند به جهانیان اعلام کرده اند.

لذا همه ادیان، در انتظار تحقق

«همه در انتظار او»

چنین وعده‌ای به سر می‌برند و

همه مردم جهان در انتظار او که منجی جهان است، هستند.

از میان همه ملل عالم، افتخار ما

«افتخار ما»

مسلمانان آن است که منجی

آخرالزمان که همه در انتظار او به سر می‌برند از ما است زیرا طبق

بشارت انبیاء گذشته، منجی آخرالزمان فرزند پیامبر آخرالزمان و

آخرین پیامبر خدا حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله بوده و خود آن

حضرت نیز به عنوان آخرین پیامبر الهی به جهانیان و مسلمانان اعلام

فرمود: حضرت مهدی (ع) که جهان را نجات خواهد داد فرزند من و

دوازدهمین جانشین من است.

ما معتقدیم منجی بشر باید در

«پرچمدار رهایی»

میان آنان حضور داشته و آماده

نجاتشان از ظلم و ستم و برقراری عدل و داد باشد زیرا اگر او در میان

بشر حضور نداشته و آماده انقلاب جهانی خویش نباشد، جامعه

بشری مانند کشوری بدون نیروی دفاعی و امنیتی و ارتش به سرعت

توسط شیاطین و طاغوتیان که کارشان مکیدن خون انسان‌ها و

استثمار و بهره‌کشی از آنهاست، به مرز مرگ و نابودی نزدیک خواهد

شد.

اگر او در میان بشر حضور نداشته
«طیب بشر»
باشد مانند آن است که خداوند
جامعه بشری را چون بیماری مبتلا به دهها غده مرگبار و خطرناک
بی کس و تنها رها نموده و به مرگ او راضی شده باشد و طیب
خویش یعنی منجی را برای مداوای او نفرستاده باشد حتی اگر
بگوییم آن منجی بعدها به دنیا خواهد آمد، این مشکل حل نشده و
خداوند بشر را بدون طیب و نجات دهنده رها نموده و به آنان ظلم
کرده است.

و اگر او در میان بشر حضور
نداشته باشد مانند آن است که
«انسان کامل»
خداوند بدنی بدون مغز آفریده و جامعه بشری را بدون رهبر معصوم
دچار از هم گسستگی و دیوانگی نموده و آن انسان کامل را که چون
مغزی هدایت‌گر است از او دریغ کرده باشد.

آری قانون آفرینش ظلم و ستم و
«وعده حتمی»
بی عدالتی را پذیرا نیست و وعده
حتمی الهی تحقق خواهد یافت و برای آن که مردم عذری در گمراهی
و فساد نداشته باشند و نگویند خدایا رهبری هدایت شده و معصوم
از سوی تو در میان ما نبود تا خواستار تحقق وعده حق تو شویم،
خداوند آن منجی یگانه را در میان بشر زنده و حاضر قرار داده است.

«سیاست‌گزاران زندگی بشر»

خدا می‌خواست پس از ارسال

«مظلومیّت و مهجوریّت»

آخرین پیامبر خویش و اعطاء

دین کامل و قانون اساسی زندگی بشر یعنی اسلام، مجریان معصوم

دوازده‌گانه پس از آن حضرت، به عنوان سیاست‌گزاران زندگی بشر

زمام امور را به دست گیرند و قوانین علمی و حیاتبخش اسلام را در

جهان گسترش دهند تا دوازدهمین امام معصوم که منجی جهان است

تمامی جهان را تحت پوشش حکومت واحد جهانی خویش قرار

دهد اما با کمال تأسف مردم جاهل و خودخواه این خواست الهی را

نپذیرفته‌اند و دست ردّ به سینه مجریان معصوم و انسان‌های کامل

الهی زدند و مظلومیّت و مهجوریّت برای آنان رقم خورد و آنان یک به

یک شهید شدند و آخرین آنان یعنی همان منجی آخرالزمان برای آن

که کشته نشود و جهان از وجود مقدّسش محروم نگردد و وعده

حتمی الهی در تحقق حکومت واحد الهی بر زمین نماند، به دستور

پروردگار زندگی غائبانه یا ناشناس و مخفی را برگزید.

«بزرگترین عید بشر»

او در سال ۲۵۵ هـ جری

«راز طول عمر»

قمری متولد شد و روز تولد او

بزرگترین عید برای جامعه بشری است چرا که او یازده قرن و نیم

است به میان ما آمده تا ظلم و ستم و هرگونه فسادی را از زمین محو

فرماید اما ما انسان‌ها او را نشناخته و فراموش کرده‌ایم و خداوند متعال نیز او را از دسترس ما دور نگه داشته و به او عمر طولانی عطا فرموده است تا با محرومیت از رهبری او که خود خواسته‌ایم به بن‌بست برسیم و ببینیم بدون داشتن این کلید صلح و عدالت هرگز قادر به گشودن درب بسته زندگی خویش نخواهیم بود و این همان راز طول عمر آن حضرت است.

پس او در بین ما است و بسیارند
«او در بین ما است»

کسانی که از عنایات حضرتش بهره‌مند و محضر آن بزرگوار را درک کرده‌اند ولی هیچ کس قادر نیست به خواست خود آن بزرگوار را ببیند مگر آنکه خود او مایل به دیدار باشد و خداوند برای اتمام حجت بر مردم جهان گاهی آن حضرت را به عده‌ای اندک نشان دهد.

«مقدمات فرج» «حکومت در عصر غیبت»

«انقلاب اسلامی ایران و کشور صاحب الزمان»

اینک باید

بیدار شویم و شلاق تنبیه الهی یعنی غائب بودن آن حضرت ما را بیدار کند و به این حقیقت پی بریم که اگر او را یکپارچه (مانند انقلاب یکپارچه در یک کشور) بخواهیم یقیناً آن حضرت خواهد آمد پس باید دست‌بکار شویم و مقدمات ظهور و فرجش را فراهم کنیم. حکومت در عصر غیبت تشکیل دهیم و از توانایی‌های وسیع انقلاب

اسلامی ایران اسفنداده کرده، جهان را با منجی آخرالزمان که این چین مورد بی‌مهری ما انسان‌ها قرار گرفته آشنا کنیم و کشور خویش را با این تلاش و فعالیت، کشور صاحب‌الزمان (ع) و پایگاه تبلیغ نام آن حضرت کنیم.

«در حضور او» «رهبر ما»

باید خود را در حضور او

«تنها او می‌تواند» «مجری قانون»

بدانیم و بدانیم رهبر

حقیقی ما اوست و تنها او می‌تواند جهان را پُر از عدل و داد نماید و دنیا باید بداند آن حضرت فقط مجری قوانین پروردگار است و دین جدیدی نمی‌آورد زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که آخرین پیامبر الهی و دین او پایان‌بخش ادیان الهی بوده و پس از این دین دیگر چیزی باقی نمانده که خداوند به بشر نگفته باشد و تنها اجراء این قوانین بر زمین مانده که آن حضرت به عنوان مجری قانون الهی آن را به انجام می‌رساند.

معنی انتظار و تکلیف

«معنی انتظار و تکلیف منتظران»

منتظران آن است که خود را

بسازند و جامعه خویش را اصلاح نمایند تا زمینه ظهور آن حضرت کاملاً فراهم آید.

شیعیان باید زینت نام امام

«زینت او باشیم»

زمان عجله باشند و مردم جهان را با

اخلاق پسندیده خود، مشتاق ظهور آن حضرت نمایند.

آنان باید با تشریح عصر ظهور آن

«عصر تمدن یا روز ظهور»

حضرت به عنوان عصر تمدن

حقیقی بشر، اشتیاق مردم جهان به عصر ظهور را هر روز بیش تر نمایند و تبلیغات شیاطین را که ظهور آن حضرت را مساوی با خونریزی و ترس و وحشت خوانده است، از اذهان مردم بزدایند و با معرفی صحیح آن حضرت به عنوان نماینده پروردگار، آنان را متوجه علوم بی پایان او نمایند زیرا خداوند علم خویش را تنها در اختیار نماینده‌ی معصوم خویش قرار می دهد چرا که علم قدرت می آورد و قدرت اگر در دست انسان خطا کار قرار گیرد موجب فساد خواهد شد.

بنابراین آن حضرت به خاطر

«مقام ولایت»

عصمت از خطا لیاقت اتصال به

علم بی پایان و نامحدود الهی را دارا است و در نتیجه مقام او مقام ولایت و سرپرستی بر همه چیز است چرا که علم بی پایان مساوی است با قدرت بی پایان و تسلط بر موجودات.

آیا چنین انسان کاملی شایسته رهبری بشر است یا انسان‌های معمولی که یا خطا و لغزش دارند یا علومشان ناقص است و یا گرگی در لباس میش اند که می خواهند با تسلط بر مردم به منافع شخصی و دنیایی خود برسند؟

شیعیان باید امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را به واسطه اتصال علم بی پایان پروردگار به عنوان خورشید هدایت برای جهانیان معرفی نمایند چرا که علم نور است و علم بی پایان یعنی نور بی پایان.

مثال محسوس برای بیان نور بی‌پایان همین خورشید منظمه شمسی است که هم جهان را روشن می‌کند و امام عصر علیه السلام نیز با علم بی‌پایان خویش تمام نقاط تاریک زندگی بشر را روشن و هرگونه فساد را از میان می‌برد.

اکنون دنیای ما پُر از ظلم است و این تاریکی ظلم و فقر و فساد نتیجه عدم تابش خورشید علم و امامت بر جهان است آیا در هنگامه‌ی محرومیت از تابش نور خورشید چیزی جز تاریکی نصیب انسان می‌شود؟

پس سلام بر منتظرانی که با انتظار
خود و با اصلاح نفس خود، خبری
از خورشید می‌دهند و زمینه ظهور و طلوعش را فراهم می‌کنند. آنان
با ایمان خویش و سفارش دیگران به حقایق ایمان و انتظار ظهور
حجت خدا، چون سپیده صبح‌اند که افق تاریک زندگی بشر را نور
امید می‌بخشند که خورشید از پس این سپیده خواهد دمید.

باید آماده ظهور منجی شویم زیرا
عصر، عصر علم است و ظهور
علم در این عصر تحوّل عظیم در جهان پدید آورده و به بشر فهمانده
است علم حیاتبخش است، علم روشنایی می‌دهد، علم جهل را محو
می‌نماید و از همه مهم‌تر آن که:

وجود تاریکی‌های ظلم و فساد و آمیخته شدن علم با تاریکی‌ها،
خبر از بین‌الطلوعین می‌دهد که نور خورشید افق را شکافته و مقداری

جهان را روشن کرده است ولی چون هنوز خورشید طلوع نکرده، تاریکی‌ها باقی است و انشاءالله دیری نخواهد پائید که خورشید هدایت با طلوع کامل خود، باقیمانده تاریکی‌های ظلم و ستم را از جهان خواهد زدود و جهانیان خواهند فهمید نور علم، هرگز تاریکی جهل را نمی‌پذیرد و به زودی تمامی آثار ظلم و ستم از جهان رخت خواهد بست.

اینک مسئولین کشور

«تکلیف مسئولین»

صاحب‌الزمان تکلیفی بس خطیر

به دوش دارند تا زمینه‌ی گسترش نور امام زمان علیه السلام را در جهان - به واسطه امکاناتی که در اختیار دارند - فراهم نماید و بدانند این انقلاب عظیم و کشور توانا چون بولدوزری قدرتمند است که باید راه را برای ظهور امام زمان علیه السلام هموار نماید.

پس تنها یک سفارش برای ما

«تنها یک سفارش»

کافی است که برخیزیم و تمامی

امکانات خویش را در این مسیر به کار گیریم و با انقلابی فرهنگی و یکپارچه شیعیان را تشنه ظهور و دیدار آن حضرت نماییم چرا که با این تشنگی یقیناً ظهور انجام خواهد شد و در تشرّفات معتبر و روایت صحیح و مستند، امام عصر ارواحنا فداه، یکپارچگی شیعیان و درخواست ظهور از سوی آنان را رمز ظهور خویش دانسته‌اند.

والسلام



فهرست

صفحه	عنوان
۵	پیشگفتار.....
۱۱	(۱) سرگشتگی.....
۱۷	(۲) هدف انبیاء.....
۲۳	(۳) همه در انتظار او.....
۲۸	(۴) افتخار ما.....
۳۲	(۵) پرچمدار رهایی، طبیب بشر و انسان کامل.....
۴۳	(۶) وعده حتمی خداوند.....
۴۷	(۷) سیاست گزاران زندگی بشر.....
۵۰	(۸) مظلومیت و مهجوریت.....
۵۷	(۹) بزرگترین عید بشر.....
۶۳	(۱۰) راز طول عمر.....
۶۸	(۱۱) او در بین ماست.....
۷۶	(۱۲) مقدمات فرج.....
۸۲	(۱۳) حکومت در عصر غیبت.....
۹۲	(۱۴) انقلاب اسلامی ایران و کشور صاحب الزمان <small>علیه السلام</small>
۱۰۳	(۱۵) در حضور او.....

- ۱۰۸ رهبر ما (۱۶)
- ۱۱۱ تنها او می تواند (۱۷)
- ۱۱۸ مجری قانون (۱۸)
- ۱۲۱ معنی انتظار و تکلیف منتظران (۱۹)
- ۱۲۹ زینت او باشیم (۲۰)
- ۱۳۳ عصر تمدن یا روز ظهور (۲۱)
- ۱۴۰ مقام ولایت (۲۲)
- ۱۴۳ خورشید هدایت (۲۳)
- ۱۴۶ دنیای پُر از ظلم (۲۴)
- ۱۴۹ سلام بر منتظران (۲۵)
- ۱۵۱ آماده دیدار شویم (۲۶)
- ۱۵۵ تکلیف مسئولین (۲۷)
- ۱۵۶ تنها یک سفارش (۲۸)
- ۱۶۴ روز وصل (۲۹)
- ۱۶۵ میلاد گُل (۳۰)
- ۱۶۶ عاشق سوخته (۳۱)
- ۱۶۷ انتظار (۳۲)
- ۱۶۸ شمس کامل (۳۳)
- ۱۶۹ قصیده بهاریه انتظار (۳۴)
- ۱۷۴ جمع بندی عناوین سی گانه کتاب (۳۵)